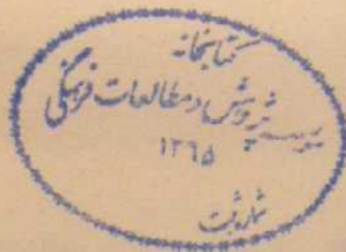
ک.ج.م ۱۶۸۸۸



مجلهٔ اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

زیر نظر شورای نویسندگان



تغییر آدرس - پیشنهادات - انتقادات
۸۳۶۱۲۱
تلفن مستقیم روابط عمومی اتاق

چاپ و صحافی: چاپخانه بیست و پنجم شهریور
(شرکت سهامی افست)

کاغذ متن: ساخت ایران
شرکت سهامی کاغذ پارس

شماره ویژه بزرگداشت دهه انقلاب ایران

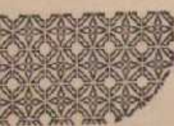
سال سوم ـ شماره دهم (شماره مسلسل ۳۲)
دیماه ۱۳۵۱

تک شماره ۳۰ ریال

اشتراک سالیانه: داخله ۳۰۰ ریال
خارجه ۳۰۰ ریال باضافه هزینه پست

نشانی: شماره ۲۵۴ خیابان تخت جمشید - تهران
تلفن: ۳۹ تا ۸۳۶۰۳۱



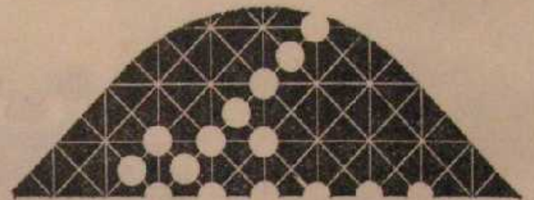


این شماره م
و معادن ایران، بم
سفید شاه ومردم
بزرگداشت اولین
مخصوص انتشار م
مطالب این شماره
صنایع و اقتصاد
و شگفت‌انگیز ایرا
بررسی و ارزیابی قر
و چگونگی تغییر ش
اقتصادی و صنعتی ا
این شماره آمده ا
انقلاب شاه و مردم
اینهمه ناگزیر باید
که آنچه بعنوان نمو
صفحات بعدی خواه
خروار و اندکی اس
انقلاب سفید ا
اصولـی را برقـرار
و رقمی نشان‌دهندهٔ ا



ک.م. ۱۶۸۸۸





اقتصاد

شکوفان دهه انقلاب

این شماره مجله اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، بمناسبت دهمین سالگرد انقلاب سفید شاه ومردم وهمزمان با روزهای‌شکوهمند بزرگداشت اولین دهه انقلاب و بصورت شمارهٔ مخصوص انتشار می‌یابد. بهمین جهت در تهیه مطالب این شماره سعی شده است از دیدگاه صنایع و اقتصاد گوشه‌ای از پیشرفتهای عظیم و شگفت‌انگیز ایران طی سالهای انقلاب مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. آمار و ارقام زنده و چگونگی تغییر شکل‌ها و فرم‌پذیریهای جامعه اقتصادی و صنعتی ایران که در مقالات مختلف این شماره آمده است عظمت و ثمربخشی‌های انقلاب شاه و مردم را بخوبی نشان می‌دهد. با اینهمه ناگزیر باید این واقعیت را نیز بگوئیم که آنچه بعنوان نمونه‌ها و نمودهای پیشرفت در صفحات بعدی خواهد آمد تنها مشتی است از خروار و اندکی است از بیشمار.

انقلاب سفید ایران در گذر طبیعی خود اصولی را برقرار کرده است که هیچ عدد و رقمی نشان‌دهندهٔ اهمیت وثمربخشی آن‌نیست. این اصول در سطوح و بخش‌های مختلف‌جامعهٔ ایرانی ریشه گرفته است. از جمله در محدودهٔ اقتصاد و بازرگانی مهم‌ترین رویداد، استواری ثبات اقتصادی در کشور میباشد. در گذشته افراد بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری بلند-مدت در یك واحدتولیدی از ناپایداری سیاست-های جاری بیم داشتند. بهمین جهت تا پیش از انقلاب شاه ومردم هرگزسرمایه‌گذاری سنگین و بلند مدتی از جانب بخش خصوصی مواجه با اشکال‌تردید و دودلی بود. مقررات‌خلق‌الساعه تغییر مسیرهای پیش‌بینی نشده و دگرگونیهای سیاسی‌ناشی ازبرخوردها و سازش‌های‌بین‌المللی سطح لغزنده‌ای را در پهنه فعالیتهای بخش خصوصی فراهم آورده بود که مانع تجمع سرمایه‌ها و تخصیص آنها به یك کار تولیدی میگردید.

بطور مثال‌هرگاه سرمایه‌گذار یا سرمایه-گذارانی تصمیم به ایجاد کارخانه‌ای میگرفتند که به حمایت مقررات اعتباری نیاز داشت و یا قسمتی از مواد اولیه مورد نیاز کارخانه میباید



از بازارهای بیگانه خریداری گردد در همان نخستین‌قدم این‌بیم وجودداشت که براثرتغییرات احتمالی در سیاست کلی دولت‌ها در نیمه راه تأسیس کارخانه مقررات اعتباری تغییر کند و در سخت‌ترین لحظات نیاز کارخانه از حمایت حساب شده محروم گردد. یا مثلا ورود همان ماده اولیه خارجی بدون آگاهی قبلی ممنوع گردد. این بی‌ثباتی اغلب بخش خصوصی را از طرح‌ریزی و انجام برنامه‌های بلندت مدت باز میداشت و سرمایه‌ها را بطور مجزا به راههای غیرتولیدی و کوتاه‌مدت میکشانید. به همین جهت اغلب سرمایه‌ها به نوعی فعالیت «واسطه» متوجه میگردید و کالا از تولید تا مصرف، بارها دست بدست میگشت. اما انقلاب شاه و مردم با پی‌ریزی شالوده‌های محکم و اتخاذ سیاست ثبات از آن وضع ناپایدار و بی‌اعتبار موقعیتی فراهم آورده است که اینك دست اندرکاران بخش خصوصی با ایمان و اعتماد کامل سرمایه‌های خویش را بصورت جمعی در امور تولیدی بکار میاندازند و بهمین جهت دیده‌ایم که طی دو برنامهٔ اخیر میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بمراتب افزونتراز رقمی بود که در زمان اعلام برنامه از جانب برنامه‌ریزان تعیین گردید.

از سوی دیگر یکی از رایج‌ترین ومنطقی‌ترین راه ارزیابی و شناخت چگونگی اقتصاد یك کشور، استعداد سرمایه‌پذیری آنست. سرمایه‌های بزرگ دنیا عموماً رغبت سرشاری به ورود به بازار کشورهای دیگر را دارند. براساس برآوردهای دقیقی که شده است تنها در امریکا ۳۰ درصد سرمایه‌داران بزرگ میل دارند که بیش از چهل درصد سرمایه‌های خود را در جوامع غیرامریکائی بکار اندازند. اما از این ۳۰ درصد سرمایه‌گذاران فقط ۲٫۵ درصد به تمایل خودجامهٔ عمل میپوشانند و درکشورهای دیگر سرمایه‌گذاری میکنند وهمین ۲٫۵ درصد سرمایه‌گذاران نیز طی پانزده سال منتهی به ۱۹۷۰ فقط ۵ درصد کل سرمایهٔ خود را به آنسوی مرزهای امریکا گسیل داشته‌اند. علت خودداری سرمایه‌گذاران‌از انجام سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر بمیزانی که تمایل داشته‌اند فقط اینست که سرمایه خارجی برای ورود به

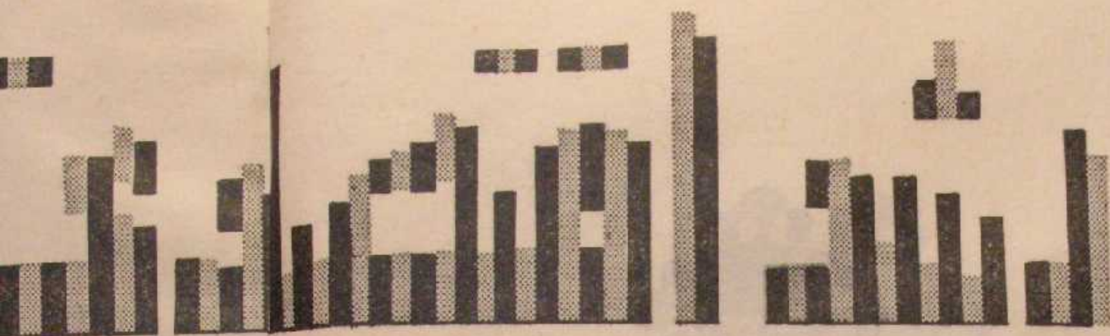
هر کشور سرمایه‌پذیر به «امنیت
اقتصادی» احتیاج دارد و اغلب در ا
کشورها «امنیت» بمعنای واقعی وجو
فی‌المثل قسمت عمده‌ای از سرمایه‌های
مقیم کشورهای امریکای لاتین دچار
ناشی از «مصادره» شده‌اند. زیرا عدم
ثبات سیاسی در اینگونه کشورها اغلب
بطلان قوانین و مقررات جاری در دوره‌ه
شده است. ناپایداری تعهدات و قوانین
جمله مسائلی است که استعداد سرمای
کشورهای مختلف را به سطحی بسیار پا
داده است. در حالی که طی سالهای اخی
کشورمان با هجوم سرمایه‌های خارجی
بوده‌ایم. تمایل سرمایه‌گذاران خارجی
مشارکت در طرحهای عظیم صنعتی ایران
است که به ما اجازه انتخاب شریك مید
یکی دیگر از ثمرات بی‌بدیل انقلا
شاه و مردم در زمینه اقتصاد و بازرگانی
موضوع تغییر شکل قراردادهای بین
است. نگاهی به قراردادهای بازرگانی
بین ایران و دیگر کشورهای جهان در س



هر کشور سرمایه‌پذیر به «امنیت سیاسی و اقتصادی» احتیاج دارد و اغلب در اینگونه کشورها «امنیت» بمعنای واقعی وجود ندارد. فی‌المثل قسمت عمده‌ای از سرمایه‌های خارجی مقیم کشورهای امریکای لاتین دچار مشکلات ناشی از «مصادره» شده‌اند. زیرا عدم وجود ثبات سیاسی در اینگونه کشورها اغلب موجب بطلان قوانین و مقررات جاری در دوره‌های متعدد شده است. ناپایداری تعهدات و قوانین نیز از جمله مسائلی است که استعداد سرمایه‌پذیری کشورهای مختلف را به سطحی بسیار پائین تنزل داده است. در حالی که طی سالهای اخیر ما در کشورمان با هجوم سرمایه‌های خارجی روبرو بوده‌ایم. تمایل سرمایه‌گذاران خارجی برای مشارکت در طرحهای عظیم صنعتی ایران بحدی است که به ما اجازه انتخاب شریك میدهد.

یکی دیگر از ثمرات بی‌بدیل انقلاب‌سفید شاه و مردم در زمینه اقتصاد و بازرگانی ایران موضوع تغییر شکل قراردادهای بین دولتها است. نگاهی به قراردادهای بازرگانی منعقده بین ایران و دیگر کشورهای جهان در سالهای پیش از انقلاب این واقعیت را بدست می‌دهد که تراز بازرگانی ما با اغلب‌آنان به‌سود کشورهای دیگر و به زیان کشور ما نامتعادل بود ومحدودهٔ زمانی قراردادها نیز وجود نوعی عدم اعتماد دیگران نسبت به اقتصاد ما را نشان می‌داد زیرا اغلب قراردادها در محدودهٔ یکسال و یا حداکثر پنجسال با حق تجدید نظر سالانه‌تنظیم میگردید. اما در سالهای اخیر ازیکسو ترازهای بازرگانی بسوی تعادل روی آورد و از سوی‌دیگر بسیاری از قراردادها تاریخی برابر پانزده سال و دهسال را در پی میگیرد و همین امر خود گواه دیگری بروجود ثبات اقتصادی و سیاسی در کشور ماست.

پیدایش این اصول در اقتصاد ملی بدون شك نتیجه مستقیم انقلاب سازندهٔ ایرانست و همین موهبت بخش خصوصی را ترغیب میکند که فداکارتر از گذشته و مؤمن‌تر از همیشه در پیشبرد هدفهای انقلاب گام بردارد و با اعتقاد راسخ به اصالت انقلاب کوشش خود را در رساندن ایران به دورهٔ طلائی تمدن بزرگ مصروف دارد.



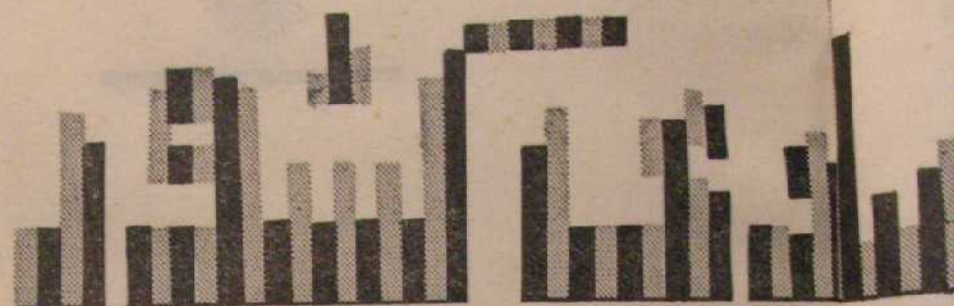


* برنامه‌های عمرانی قبل از سال ۱۳۴۱

لزوم برنامه‌ریزی جهت رشد اقتصادی کشور قبل‌از جنگ جهانی دوم احساس میگردید، ولی بسبب وقایع شهریورماه ۱۳۲۰ بتعویق افتاد. وضع نامطلوب اقتصاد کشور بعداز جنگ، فکر طرح برنامه‌های عمرانی را تقویت نمود. طرح برنامه هفت‌ساله اول در آذرماه ۱۳۲۶ براساس نظرات شرکت موریس‌کنودسن تنظیم و در بهمن‌ماه ۱۳۲۷ تصویب شد. هزینه برنامه هفت‌ساله اول که بدواً در حدود ۶۲ میلیارد ریال پیش‌بینی شده بود بعلت عدم تکافوی امکانات مالی مورد تجدیدنظر قرار گرفت و به ۲۱ میلیارد ریال تقلیل یافت. در اوائل سال ۱۳۳۰ بحران نفت و قطع درآمد آن دولت را دچار مضیقه مالی شدید نمود، و پس‌از دوسال اجرای برنامه هفتساله اول متوقف گردید، و تنها نتیجهٔ عینی‌که از اجرای برنامه در طی دوسال مزبور بدست آمد، ازدیاد تولید قند و سیمان بترتیب از ۲۷ و ۵۶ هزارتن در سال ۱۳۲۸ به ۵۵ و ۶۴ هزارتن در سال ۱۳۲۹ بود. در سالهای بین ۱۳۳۱ و ۱۳۳۴ اقتصاد کشور وضع نامطلوبی داشت. در شهریورماه ۱۳۳۴ برنامه هفتساله اول متوقف شد و قانون برنامه هفتساله دوم در اسفندماه ۱۳۳۴ بتصویب رسید. قبل‌از شروع برنامه دوم، مشکلات قابل‌توجهی سلامت اقتصاد کشور را بخطر انداخته بود. در طی سه سال (۱۳۳۳-۱۳۳۰) هزینه زندگی ۳۳ درصد ترقی نمود وکاهش اندوخته ارزی باعث برقراری محدودیتهای شدید اقتصادی‌گردید و در طول پنجسال (۳۴-۱۳۲۹) بدهی دولت به‌بانک ملی و سایر بانکها بالغ‌بر ۱۱/۹ میلیارد ریال شده بود. هدفهای برنامه هفت‌ساله دوم عبارت بود از: «افزایش تولید و بهبود و تکثیر صادرات و تهیه مایحتاج مردم در داخله کشور و ترقی کشاورزی و صنایع و اکتشاف و بهره‌برداری از معادن و ثروتهای زیرزمینی و اصلاح و تکمیل وسائل ارتباط و اصلاح امور بهداشت عمومی و انجام هرنوع عملیاتی برای عمران کشور و بالابردن سطح فرهنگ و زندگی افراد و بهبود وضع معیشت عمومی.»[۱]

اعتبارات اولیه برنامه هفتساله دوم بالغ‌بر ۷۰ میلیارد ریال بود که مبلغ ۱۷/۲ میلیارد ریال آن مربوط به‌تعهدات نیمه‌تمام برنامه هفتساله اول میگشت. کمیسیون مشترك برنامه مجلسین در دیماه ۱۳۳۶ افزایش اعتبارات را بمیزان ۲۰ درصد تصویب نمود و اعتبار برنامه از ۷۰ میلیارد ریال به ۸۴ میلیارد ریال افزایش یافت. درنتیجهٔ کاهش سهم سازمان برنامه از درآمد نفت، درآمد برنامه از محل

۱ـ گزارش اجرای برنامه هفتساله دوم، سازمان برنامه، ۱۳۴۳، صفحه ۳.



ای عمرانی در دهه انقلاب

نفت به‌حدود ۶۰ میلیارد ریال تقلیل یافت، در حدود ۲۵ میلیارد ریال از هزینه‌های عمرانی برنامه از محل وامهای دولت تأمین‌گردید. عملکرد مالی برنامه هفتساله دوم به‌تفکیک فصول بشرح مندرج در (جدول شماره ۱) است.

(جدول شماره ۱)
جدول عملکرد مالی برنامه هفتساله دوم
(مبلغ به‌میلیون ریال)

فصل	عنوان	اعتبار تأمین شده	وجوه پرداخت شده	درصد پرداختی نسبت به‌کل پرداخت
۱	کشاورزی و آبیاری	۲۴٫۸۰۷	۲۳٫۴۶۴	۳۱٫۱
۲	ارتباطات و مخابرات	۳۲٫۹۷۳	۲۹٫۹۴۰	۳۹٫۸
۳	صنایع و معادن	۹٫۱۹۱	۸٫۸۲۳	۱۱٫۸
۴	امور اجتماعی	۱۵٫۳۸۶	۱۳٫۰۰۶	۱۷٫۳
	تنخواه‌گردان پرداختی جهت طرحهای راهسازی و شهرسازی	–	۱۸	–
	جمع	۸۲٫۳۵۷	۷۵٫۲۵۱	۱۰۰

مأخذ: پیوست شماره ۵، گزارش اجرای برنامه هفتساله دوم، سازمان برنامه، ۱۳۴۳.

وضع اقتصادی کشور را طی برنامه دوم میتوان به‌دو دورهٔ متمایز تقسیم نمود: (۱) دوره رونق از سال ۱۳۳۴ تا اواسط سال ۱۳۳۹ و (۲) دورهٔ رکود از اواسط سال ۱۳۳۹ تا پایان برنامه در سال ۱۳۴۱. در دوره اول، بسبب افزایش درآمد نفت و وامها وکمکهای بلاعوض خارجی، و همچنین ازدیاد هزینه‌های دولتی و سرمایه‌گذاری خصوصی، درصد بیکاری کاهش یافت و درنتیجهٔ ازدیاد درآمد و افزایش قدرت خرید، تقاضا برای کالاها و خدمات روبافزایش‌گذاشت و امکانات بیشتری جهت توسعه معاملات پولی و بازرگانی فراهم شد و تحرك و رونق نسبی در اقتصاد کشور پدیدارگشت. در این دوره،



سرمایه‌گذاری از حدود ۸ درصد درآمد ملی در سال ۱۳۳۴ به‌حدود ۱۸ درصد درآمد ملی در سال ۱۳۳۸ افزایش یافت و نتیجتاً درآمد ملی (رشد اقتصادی) بطور متوسط ۵ درصد در سال ازدیاد حاصل نمود. از مشخصات این دوره، افزایش اعتبارات بخش خصوصی، ازدیاد سپرده‌های بانکی و کاهش اتکای دولت به‌اعتبارات بانکی و ازدیاد درآمد ارزی دولت از نفت بود. ازدیاد سرمایه‌گذاری و افزایش سطح تقاضا طی دوره اول باعث کاهش سریع موجودی ارز و ترقی دائم‌التزاید قیمتها گردید. از طرف دیگر، بودجهٔ عادی بسرعت روبافزایش گذاشت، بنحویکه دولت ناگزیر شد با تقلیل سهم سازمان برنامه قسمتی از درآمد نفت را بمصرف جبران کسربودجه عمومی برساند و میزان وامهای دولت از بانك ملی ایران افزایش قابل‌توجهی یافت. کاهش سریع ذخائر ارزی وگرایشهای تورمی مذکور در فوق باعث شد که دولت برنامه تثبیت اقتصادی تنظیم کند، ولی اعمال یکبارهٔ ترمز پولی وکاهش اعتبارات بخش خصوصی و ترقی نرخ بهره (نرخ رسمی تنزیل از ۴ درصد به ۶ درصد افزایش یافت و حداقل نرخ بهره وام بانکملی ۲/۵ درصد بیش‌از نرخ رسمی تنزیل تعیین گشت) موجب شدکه سرمایه‌گذاری خصوصی کاهش قابل‌توجهی یابد و نتیجتاً از اواسط سال ۱۳۳۹ تا پایان برنامه هفت‌ساله دوم، اقتصاد کشور یکدوره رکود را طی نمود.

* برنامه عمرانی سوم (۴۶ – ۱۳۴۱)

در سال ۱۳۴۱ (سال آغاز برنامه سوم) رکود اقتصادی ایران که از اواخر سال ۱۳۳۹ شروع شده بود شدت یافت، و کاهش سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۴۱ نسبت به‌سالهای قبل این موضوع را آشکار میسازد. نسبت سرمایه‌گذاری به‌تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۳۹ حدود ۲۰ درصد بود، در حالیکه این نسبت در سال ۱۳۴۱ به ۱۳/۱ درصد کاهش یافت و این تنزل بیشتر در سرمایه‌گذاری بخش عمومی محسوس بود. میزان کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در سال ۱۳۴۱ نسبت بسال ۱۳۴۰ معادل ۲/۸ میلیارد ریال و در بخش عمومی معادل ۷/۱ میلیارد ریال بوده است، و شکی نیست که کاهش سرمایه‌گذاری بخش عمومی در تشدید رکود تأثیر فراوان داشت. در این شرائط بودکه برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۱) بتصویب رسید و بمرحله اجرا درآمد. جالب این استکه شروع برنامه سوم مصادف باآغاز دهه انقلاب بود، و تردیدی نیستکه هدفهای انقلاب در پیشرفت اجرای برنامه‌های عمرانی کشور تأثیر بسزائی داشت.

هدف اساسی برنامه سوم، تأمین ۶ درصد رشد سالانه تولید ناخالص ملی بود، ولی عملا تولید ناخالص ملی برمبنای قیمتهای سال ۱۳۴۴ از ۳۵۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۱ به ۵۳۴/۶ میلیارد ریال درسال ۱۳۴۶ رسید، یعنی تولید ناخالص ملی در دوره برنامه سوم ۵۲/۷ درصد یا هرسال بطورمتوسط ۸/۸ درصد رشد کرد. تولید ناخالص سرانه از ۱۴٫۹۰۰ ریال (۱۹۷ دلار) در سال ۱۳۴۱ به ۲۰٫۰۴۰ ریال (۲۶۹ دلار) در سال ۱۳۴۶ رسید، یعنی بطورمتوسط سالانه ۶/۵ درصد رشد نمود. (جدول شماره ۲) سرمایه‌گذاری بخش عمومی و بخش خصوصی را طی برنامه سوم نشان میدهد.



(جدول شماره ۲)

سرمایه‌گذاری بخش عمومی و بخش خصوصی طی برنامه سوم بقیمتهای سال ۱۳۴۴ (میلیارد ریال)

سال	کل سرمایه‌گذاری ثابت	سرمایه‌گذاری بخش عمومی		سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	
		مبلغ	درصد به کل	مبلغ	درصد به کل
۱۳۴۰	۵۸/۶	۱۸/۹	۳۲/۳	۳۹/۷	۶۷/۷
۱۳۴۱	۴۸/۷	۱۶/۱۰	۳۳	۳۲/۶	۶۷
۱۳۴۲	۵۸/۴	۱۸/۹	۳۲/۴	۳۹/۵	۶۷/۶
۱۳۴۳	۶۵/۳	۲۱	۳۱/۱	۴۴/۳	۶۷/۹
۱۳۴۴	۸۳/۸	۳۵/۸	۴۲/۷	۴۸	۵۷/۳
۱۳۴۵	۹۵	۴۲/۸	۴۵/۱	۵۲/۲	۵۴/۹
۱۳۴۶	۱۰۶/۵	۶۰/۷	۵۷	۴۵/۸	۴۳
جمع برنامه سوم (۵½ سال)	۴۳۳/۴	۱۸۷/۳	۴۳/۲	۲۴۶/۱	۵۶/۸

ماخذ: گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم (۴۶_۱۳۴۱) سازمان برنامه، صفحه ۱۲.

بطوریکه از جدول فوق استنباط میشود، در طی اجرای برنامه سوم، مجموع سرمایه‌گذاری ثابت از ۴۸/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۱ به ۱۰۶/۵ میلیارد ریال (یا معادل ۱۱۸/۷ درصد) در سال ۱۳۴۶ افزایش یافت، و بهمین‌ترتیب میزان سرمایه‌گذاری نسبت به‌تولید ناخالص داخلی از ۱۳/۱ درصد در سال ۱۳۴۱ به ۱۸/۴ درصد در سال ۱۳۴۶ ترقی کرد. بطور متوسط تا سال ۱۳۴۳ سهم بخش خصوصی تقریباً دوبرابر سهم بخش عمومی بوده است، ولی از سال ۱۳۴۴ به‌بعد درنتیجهٔ افزایش درآمدهای عمرانی دولت از یکسو، و ازدیاد امکانات و قدرت اجرائی دولت از سوی دیگر، سهم سرمایه‌گذاری بخش عمومی افزایش یافت تاآنکه در سال ۱۳۴۶ این سهم به ۵۷ درصد از کل سرمایه‌گذاری رسید. رویهمرفتـه مجموع سرمایه‌گذاری داخلی درطی برنامه سوم بیش‌از ۴۳۳/۴ میلیارد ریال شد و نسبت به‌پیش‌بینی اولیه برنامه سوم ۱۴۳ میلیارد ریال (۴۴ درصد) فزونی داشت، و از این مبلغ سهم دولت ۴۳/۲ درصد و سهم بخش خصوصی ۵۶/۸ درصد بود.

(جدول شماره ۳) سهم تولید بخشهای عمده اقتصاد کشور را در تولید ناخالص ملی در طی برنامه عمرانی سوم، نشان میدهد.



(جدول شماره ۳)

سهم تولید بخشهای عمده اقتصاد در تولید ناخالص ملی در ابتدا و انتهای برنامه سوم (میلیارد ریال)

بخشهای عمده اقتصاد	۱۳۴۱		۱۳۴۶		رشد متوسط سالانه طی دوره برنامه سوم
	ارزش	درصد بکل	ارزش	درصد بکل	
۱ـ کشاورزی و دامپروری	۱۰۱	۳۰/۹	۱۱۵/۸	۲۳/۴	۲/۸
۲ـ صنایع و معادن	۳۹/۱	۱۲	۷۱/۲	۱۴/۴	۱۲/۷
۳ـ ساختمان	۱۷/۵	۵/۳	۳۰	۶/۱	۱۱/۴
۴ـ آب و برق	۳/۱	۰/۹	۶/۱	۱/۲	۱۴/۵
۵ـ نفت (سهم ایران)	۳۸	۱۱/۶	۷۱/۷	۱۴/۵	۱۳/۶
۶ـ سایر بخشها	۱۲۸/۳	۳۹/۳	۱۹۹/۸	۴۰/۴	۹/۳
۷ـ تولید ناخالص ملی (بقیمت عوامل)	۳۲۷	۱۰۰	۴۹۴/۶	۱۰۰	۸/۶
۸ـ مالیاتهای غیرمستقیم	۲۳	–	۴۰	–	۱۱/۷
۹ـ تولید ناخالص ملی (به‌قیمت بازار)	۳۵۰	–	۵۳۴/۶	–	۸/۸

ماخذ: گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم (۴۶ـ۱۳۴۱)، سازمان برنامه، صفحه ۱۴.

مهمترین تغییری که دربرنامه سوم حاصل شد، کاهش سریع سهم بخش کشاورزی و افزایش سریع سهم بخش نفت و صنایع و معادن میباشد. چنانکه در جدول بالا ملاحظه میشود، از نظر رشد تولید بخشها، سریع‌ترین میزان رشد بترتیب مربوط به‌بخشهای آب و برق، نفت و صنایع و معادن بوده است، و برعکس بخش کشاورزی پائین‌ترین میزان رشد را داشته است.

* برنامه چهارم عمرانی (۵۱ ـ ۱۳۴۷)

برنامه چهارم را بلحاظ تسریع رشد صنعتی و تعمیم رفاه اجتماعی میتوان سرآغاز و نقطه عطفی در تاریخ اقتصادی ایران بشمار آورد. در این برنامه ضمن توجه خاص به‌صنعت، رشد توسعه کشاورزی و ازدیاد درآمد کشاورزان نیز مورد تاکید واقع گردید تا از طریق بسط روشهای نوین کشت و آبیاری و ایجاد مزارع بزرگ و تاسیس شرکتهای تعاونی و شرکتهای سهامی زراعی و بهبود وضع توزیع و بازاریابی محصولات کشاورزی، زیربنای محکمی برای تامین احتیاجات غذائی و مواد خام موردنیاز صنایع بوجود آید.

بعلاوه در برنامه چهارم به‌امور عمومی و بسط خدمات اجتماعی در میان قشرهای مختلف جامعه و طبقات کم‌درآمد و کاهش بیکاری توجه خاصی مبذول گردید، و ازدیاد بهره‌وری تولید در بخشهای صنایع، کشاورزی و خدمات از طریق آموزش و استفاده از روشهای علمی و تکنولوژی



پیشرفته جهت تسریع رشد اقتصادی کشور مورد تأکید قرارگرفت. از جمله مشخصات دیگر برنامه چهارم، وضع و اجرای سیاستهای خاص در جهت تجهیز پس‌اندازهای داخلی برای سرمایه‌گذاری مولد و بهبود روشهای تولید، توزیع و فروش و ازدیاد صادرات و بسط روابط بازرگانی خارجی است.

در برنامه اول و دوم، تجهیز نیروهای مادی و انسانی بیشتر متوجه نوسازی زیربنای اقتصادی کشور بود. در برنامه سوم، شالوده اصلی ایجاد صنایع اساسی (مانند ذوب‌آهن و پتروشیمی) ریخته شد و بموازات آن تغییرات بنیادی در ساختمان اجتماعی و توزیع قدرت بمنظور تسهیل و تسریع رشد مداوم اقتصادی بعمل آمد که الغاء نظام ارباب رعیتی را میتوان محور اصلی این تحولات دانست. بمنظور تحکیم ارکان تحولات انقلابی و تأمین حداکثر بهره‌برداری از نظم نوین اجتماعی در جهت پیشرفت همه‌جانبه اقتصاد کشور، هدفهای برنامه چهارم بشرح زیر تدوین گردید:

۱- تسریع رشد اقتصادی و ازدیاد درآمد ملی از طریق افزایش تدریجی اهمیت نسبی صنایع و بالابردن بازده سرمایه و استفاده از روشهای مترقی درکلیه فعالیتها وگسترش تحقیقات علمی و عملی در جهت حل مسائل توسعه اقتصادی.

۲- توزیع عادلانه‌تر درآمد از راه تأمین کار وگسترش خدمات اجتماعی و رفاه برای کلیه افراد و افزایش فعالیتهای آبادانی و بهسازی، بخصوص در روستاها.

۳- کاهش وابستگی به خارج در زمینه رفع نیازمندیهای اساسی از طریق تسریع رشد بخش کشاورزی بمنظور تأمین حداکثر مواد غذائی مورد نیاز جمعیت و حداکثر مواد اولیه مورد نیاز صنایع در داخل کشور. همچنین تهیه کالاهای صنعتی مورد مصرف مردم در داخل کشور.

۴- تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی کشور و گسترش بازارهای موجود و دستیابی به بازارهای جدید خارجی.

۵- بهبود خدمات اداری از طریق ایجاد تحول اساسی در نظام اداری و همچنین تعمیم روشهای مترقی مدیریت در کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای عمومی و خصوصی و تقویت بنیه دفاعی کشور بنحوی که دولت بتواند هماهنگ با تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی کشور وظائف سنگینی را که بعهده دارد انجام دهد.

در برنامهٔ چهارم عمرانی کشور، هدفهای مذکور در فوق بصورت کمی برآورد شده است[۱] افزایش تولید ناخالص ملی طی مدت برنامه بمیزان ۵۷ درصد (در حدود ۹ درصدرشد سالانه) پیش‌بینی گردیده، و بدین ترتیب برآورد شده بود که تولید ناخالص ملی از حدود ۵۲۰ میلیارد ریال درپایان برنامه سوم به‌حدود ۸۱۵ میلیارد ریال در پایان برنامه چهارم خواهد رسید[۲] چنانکه ذیلا توضیح

۱- برنامه چهارم عمرانی کشور، ۵۱-۱۳۴۷، از انتشارات سازمان‌برنامه.
۲- طبق آمار بانك مرکزی ایران، تولید ناخالص ملی سال ۱۳۴۶ (پایان برنامه سوم) به قیمت جاری معادل ۵۴۲/۵ میلیارد ریال محاسبه شده است.



خواهیم داد، طبق آمار رسمی درصد افزایش تولید ناخالص ملی در فاصله سالهای ۵۰-۱۳۴۶ از میزان پیش‌بینی شده فزونی گرفته است. بهمین ترتیب درصد رشد بخشهای مختلف اقتصادی (صنایع، کشاورزی، خدمات، تاسیسات‌زیربنائی، رفاه‌اجتماعی، اشتغال وغیره) برحسب اولویت‌پیش‌بینی گردیده ومحصوصاً همانندبرنامه سوم‌روی سرمایه‌گذاری صنعتی بیش‌از بخشهای‌دیگرتاکید [۵] ـه‌است.

طبق قانون برنامه عمرانی چهارم، برای تحقق هدفهای مذکور در فوق ظرف مدت پنجسال از اول فروردین ماه ۱۳۴۷، مبلغ ۴۸۰ میلیارد ریال اعتبار بتصویب رسید، و چنانکه ذیلا توضیح خواهیم داد، جمع کل پرداختهای عمرانی دولت تا این تاریخ از مبلغ پیش‌بینی شده بیشتر بوده است.

صورت اعتبارات اولیه برنامه عمرانی چهارم برحسب فصول (به میلیون ریال) بشرح مندرج در (جدول شماره ۴) است.

(جدول شماره ۴)

شماره فصل	عنوان فصل	اعتبارات عمرانی برنامه چهارم
اول	کشاورزی و دامپروری	۶۵٫۰۰۰
دوم	صنایع و معادن	۹۹٫۰۰۰
سوم	نفت و گاز	۲۶٫۳۰۰
چهارم	آب	۴۸٫۵۰۰
پنجم	برق	۳۸٫۰۰۰
ششم	حمل و نقل و ارتباطات	۸۰٫۰۰۰
هفتم	مخابرات	۲۰٫۳۰۰
هشتم	عمران دهات	۹٫۱۰۰
نهم	عمران شهری	۷٫۰۰۰
دهم	ساختمان و مسکن	۲۳٫۰۰۰
یازدهم	آموزش و پرورش	۳۵٫۰۰۰
دوازدهم	فرهنگ و هنر	۱٫۸۰۰
سیزدهم	جلب سیاحان	۳٫۸۰۰
چهاردهم	بهداشت و بهداری	۱۳٫۷۵۰
پانزدهم	رفاه اجتماعی	۴٫۸۵۰
شانزدهم	آمار و بررسی	۱٫۰۰۰
هفدهم	عمران ناحیه‌ای	۳٫۶۰۰
	جمع	۴۸۰٫۰۰۰

مأخذ: قانون برنامه عمرانی چهارم کشور مصوب ۲۷ اسفند ۱۳۴۶، صفحه ۱۷.



لازم بتذکر است که بموجب اجازه‌ای که در قانون برنامه چهارم به‌دولت داده شده‌است، و همچنین با توجه بازدیاد درآمد دولت از منابع مختلف و تغییر اولویتها طی پنجسال گذشته، در توزیع اعتبارات مذکور در فوق تغییراتی بعمل آمده است. قسمت بیشتر درآمد برنامه چهارم از محل درآمد نفت و گاز و عواید حاصل از فروش اوراق، قرضه دولتی و استفاده از سیستم بانکی و اعتبارات خارجی تأمین گردیده است.

گرچه در تاریخ نوشتن این مقاله، گزارش رسمی عملکرد برنامه عمرانی چهارم کشور منتشر نگردیده است، معذلك با استفاده از آمارهای مختلفی که توسط مراجع رسمی انتشار یافته، توضیحات زیر دربارهٔ نتایج حاصل از اجرای برنامه چهارم تا این تاریخ قابل توجه و امعان‌نظر است.

مطابق ارقام رسمی، تولید ناخالص ملی (به‌قیمت جاری) در سال ۱۳۴۶ (سال قبل از شروع برنامه عمرانی چهارم) برابر با ۵۴۳/۵ میلیارد ریال بوده، در حالیکه مطابق (جدول شماره ۵)،

(جدول شماره ۵)

تولید ناخالص ملی، بودجهٔ کل کشور و هزینه‌های عمرانی (۵۱ - ۱۳۴۷)

سال	تولید ناخالص‌ملی به‌قیمت جاری	بودجه کل کشور عادی ـ عمرانی ـ مؤسسات انتفاعی وابسته بدولت	هزینه‌های عمرانی	اعتبارات عمرانی اولیه دربرنامه‌چهارم	درصد ستون ۴ به ۳
۱	۲	۳	۴	۵	
۱۳۴۷	۶۰۳/۰	۲۷۲/۰	۸۶/۸	۷۸	۱۴/۴
۱۳۴۸	۶۸۸/۳	۳۰۹/۴	۹۸/۰	۸۷	۱۴/۳
۱۳۴۹	۷۷۱/۲	۳۳۶/۴	۱۰۶/۴	۹۶	۱۳/۸
۱۳۵۰	۹۲۵/۴	۴۵۴/۳	۱۴۰/۶	۱۰۵	۱۵/۲
*۱۳۵۱	-	۵۴۸/۵	۲۴۰/۷	۱۱۴	-

مأخذ: (۱) دفتر مرکزی بودجه در مورد ارقام بودجه (۲) بانك مرکزی ایران در مورد ارقام تولید ناخالص ملی و (۳) قانون برنامه چهارم در مورد اعتبارات برنامه.

(*) ارقام بودجه کل کشور و همچنین هزینه‌های عمرانی در سال ۱۳۵۱ صرفاً پیش‌بینی است و از لایحه بودجه سال ۱۳۵۱ کل کشور استخراج گردیده است. بعلاوه افزایش اعتبارات بر طبق قانون متمم بودجه سال ۱۳۵۱ در ارقام مذکور در فوق منظور نگردیده است.

این رقم در سال ۱۳۵۰ به ۹۲۵/۴ میلیارد ریال افزایش یافته است. بدین ترتیب در طی چهار سال اول اجرای برنامه عمرانی چهارم تولید ناخالص ملی (به‌قیمت جاری) متجاوز از ۷۰ درصد



افزایش یافته است، در حالیکه در برنامه عمرانی چهارم افزایش تولید ناخالص ملی ایران ۵۷ درصد (در حدود رشد سالانه ۹ درصد) پیش‌بینی شده بود. البته توضیح این نکته ضرورت دارد که در طی برنامه سوم (۴۶-۱۳۴۱) هزینه زندگی بطور متوسط سالانه ۱/۴ درصد و قیمتهای عمده‌فروشی در حدود ۱/۷ درصد ترقی نمود، در حالیکه گسترش سریع اقتصاد ایران در طی برنامه چهارم (۵۱-۱۳۴۷)، ازدیاد هزینه‌های دولتی و مخصوصاً بهبود وضع ارزی کشور آهنگ ترقی قیمتها را شتاب بیشتری بخشیده است بطوریکه برطبق آمار بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۵۰، متوسط شاخص بهای عمده‌فروشی ۷/۱ درصد و متوسط شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی ۵/۵ درصد ترقی نموده است[1]. بدین ترتیب با توجه به ترقی نسبی قیمتها در طول برنامه چهارم، تعدیل ارقام تولید ناخالص ملی برحسب قیمتهای ثابت ضرورت دارد. با اینوصف بموجب برآورد مقدماتی بانک مرکزی، تولید ناخالص ملی به قیمت جاری ۲۰/۵ درصد و به قیمت ثابت ۱۴/۳ درصد در سال ۱۳۵۰ افزایش داشت و از رشد سالیانه ۹/۴ درصد که هدف برنامه عمرانی چهارم بود، حدود ۵ درصد فزونی گرفت[2]. افزایش سریع ارزش افزوده فعالیتهای تولیدی بخش نفت، صنعت و معدن، ساختمان و آب و برق و نیز پرداختهای دولت بابت خدمات در رشد تولید ناخالص ملی مؤثر واقع شد بطوریکه سهم فعالیتهای مربوط به خدمات، نفت ملی و گروه صنایع و معادن (شامل صنعت و معدن، ساختمان و آب و برق) در ایجاد رشد تولید ناخالص ملی بترتیب ۷/۵ درصد، ۴/۱ درصد و ۳/۷ درصد بود. بر اثر افزایش نسبی اعتبارات بانکهای تخصصی و پدید آمدن امکانات بیشتر برای گسترش سرمایه‌گذاریهای صنعتی موجبات افزایش تولید کالاهای صنعتی و معدنی فراهم آمد بطوری که رشد ارزش افزوده صنعت و معدن از ۱۱ درصد در سال ۱۳۴۹ به ۱۷ درصد در سال ۱۳۵۰ رسید. عوامل مؤثر در رشد صنعت، ازدیاد تولید صنایع شیمیائی، صنایع محصولات فلزی و صنایع ذوب فلزات و ماشین آلات الکتریکی بود. سهم صنعت و معدن در رشد تولید ناخالص ملی در این سال معادل ۲/۶ درصد و ۰/۷ درصد از هدف برنامه عمرانی چهارم بیشتر بود.

در (جدول شماره ۶) رشد بخشهای مختلف اقتصاد کشور در طی چهار سال اول برنامه چهارم عمرانی کشور (۵۰-۱۳۴۷) درج گردیده است. بطوریکه ملاحظه میشود، کشاورزی کمترین میزان رشد و خدمات (اعم از دولتی و خصوصی)، نفت و صنایع و معادن بالاترین میزان رشد را احراز نموده است.

بطوریکه در (جدول شماره ۷) ملاحظه میشود، در طول چهار سال اول برنامه عمرانی چهارم رشد صادرات ۲۴ درصد و رشد واردات ۲۲/۹ درصد بوده است.

در طی برنامه چهارم، ترکیب بازرگانی خارجی ایران تغییرات قابل توجهی نموده است، چنانکه جداول شماره ۸ و شماره ۹ نشان میدهد، صادرات کالاهای مصرفی بتدریج افزایش یافته و بعکس سرعت ازدیاد واردات کالاهای مصرفی در مقابل کالاهای واسطه و سرمایه‌ای بطور محسوسی کندتر شده است. این خود دلیل صنعتی شدن کشور و نیل به‌مرحله پیشرفته‌تری از رشداقتصادی‌است.

شکی نیست که دوعامل در رشد صنعتی و توسعه بازرگانی خارجی کشور تأثیر قابل توجهی داشته است: (۱) ازدیاد درآمد ارزی کشور و (۲)اعتبارات‌سیستم‌بانکی به‌بخش‌خصوصی‌ودولتی. مطابق جداول شماره ۱۰ و شماره ۱۱، دریافتهای جاری ارزی کشور از ۱۳۳۵/۱ میلیون دلار در سال ۱۳۴۷

(۱) گزارش سالانه بانک مرکزی ایران (۱۳۵۰)، صفحه ۸.
(۲) همان مأخذ، صفحه ۴.



به ۲۷۳۳/۵ میلیون دلار (متجاوز از دوبرابر) در سال ۱۳۵۰ افزایش یافته.

بهمین‌ترتیب اعتبارات سیستم بانکی از ۱۳۷/۸ میلیاردریال‌درسال۱۳۴۷ به ۱۷۴/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۰ ازدیاد حاصل نموده است.

جدول شماره ۶

تولید ناخالص ملی و اجزای آن به‌قیمت ثابت سال ۱۳۳۸ ▲

(میلیارد ریال)

	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	□ ۱۳۵۰	رشد هدف برنامه چهارم	رشد ۱۳۴۹	رشد ۱۳۵۰	متوسط رشد دوره ۱۳۴۷-۵۰
۱ - کشاورزی	۱۱۹/۶	۱۲۲/۱	۱۲۸/۸	۱۲۲/۳	۴/۴	۵/۵	-۵/۰	۲/۵
۲ - نفت ملی	۹۲/۴	۱۰۴/۸	۱۲۱/۴	۱۴۷/۹	(۱) ۱۵/۳	(۲) ۱۵/۸	۲۱/۸	۱۶/۳
۳ - صنایع و معادن	۱۱۹/۸	۱۳۰/۸	۱۴۴/۴	۱۶۸/۴	۰۰	۱۰/۴	۱۶/۶	۱۲/۲
صنعت و معدن	(۸۲/۸)	(۹۰/۹)	(۱۰۰/۹)	(۱۱۸/۰)	۱۳/۰	۱۱/۰	۱۶/۹	۱۳/۰
ساختمان	(۲۶/۱)	(۲۶/۵)	(۲۷/۳)	(۳۱/۰)	۹/۹	۳/۰	۱۳/۶	۵/۶
آب و برق	(۱۰/۹)	(۱۳/۴)	(۱۶/۲)	(۱۹/۴)	۱۶/۸	۲۰/۹	۱۹/۸	۲۱/۵
۴ - خدمات	۲۱۲/۵	۲۳۶/۴	۲۶۹/۲	۳۱۷/۹	۷/۵	۱۳/۹	۱۸/۱	۱۴/۲
حمل ونقل و ارتباطات	(۳۷/۳)	(۴۰/۴)	(۴۵/۴)	(۵۰/۴)		۱۲/۴	۱۱/۰	۹/۶
بانکداری و بیمه گری	(۱۸/۳)	(۲۲/۵)	(۳۰/۳)	(۳۶/۴)		۲۸/۹	۲۰/۱	۲۷/۶
بازرگانی داخلی	(۴۳/۸)	(۴۷/۳)	(۵۱/۸)	(۵۴/۴)		۹/۵	۵/۰	۷/۷
کرایه مسکن	(۲۹/۹)	(۳۱/۸)	(۳۴/۱)	(۳۶/۸)		۷/۲	۷/۹	۷/۴
خدمات دولتی	(۵۷/۱)	(۶۴/۸)	(۷۵/۷)	(۱۰۳/۵)		۱۶/۸	۳۶/۷	۲۰/۸
خدمات خصوصی	(۲۶/۱)	(۲۸/۶)	(۳۱/۹)	(۳۶/۴)		۱۱/۵	۱۴/۱	۱۳/۹
۵ - خالص درآمد عوامل تولید ازخارج (باستثنای نفت)	-۱۲/۰	-۱۳/۶	-۱۶/۰	-۱۶/۱		۱۷/۶	۰/۶	۲۹/۱
۶ - تولید ناخالص ملی به‌قیمت عوامل (۵+۴+۳+۲+۱)	۵۳۲/۳	۵۸۰/۵	۶۴۷/۸	۷۴۰/۴		۱۱/۶	۱۴/۳	۱۱/۵
۷ - خالص مالیاتهای غیرمستقیم	۳۸/۲	۴۰/۸	۴۴/۰	۵۰/۳		۷/۸	۱۴/۳	۹/۵
۸ - تولید ناخالص ملی‌به قیمت بازار (۷+۶)	۵۷۰/۵	۶۲۱/۳	۶۹۱/۸	۷۹۰/۷	۹/۴	۱۱/۳	۱۴/۳	۱۱/۴

متوسط رشد دوره در کلیه جداول بر پایه سال ۱۳۴۶ محاسبه شده است. →



(جدول شماره ۷)
ارزش واردات و صادرات کالا (بدون نفت و گاز)
(میلیون دلار)

	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰
صادرات	۲۱۶/۹	۲۴۴/۷	۲۷۷/۹	۳۴۴/۵
(رشد)	(۱۹/۴)	(۱۲/۸)	(۱۳/۶)	(۲۴/۰)
واردات	۱,۳۸۹/۲	۱,۵۴۲/۷	۱,۶۷۶/۶	۲,۰۶۰/۹
(رشد)	(۱۶/۷)	(۱۱/۱)	(۸/۷)	(۲۲/۹)

مأخذ: گزارش سالانه بانک مرکزی (۱۳۵۰)، صفحه ۷

جدول شماره ۸
ترکیب کالاهای وارداتی
(میلیون دلار)

	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰	۱۳۵۰ رشد	۱۳۵۰ سهم (درصد)
کالاهای واسطه	۸۵۶/۵	۹۸۷/۲	۱,۰۶۸/۵	۱,۳۳۶/۳	۲۵/۱	۶۴/۹
صنایع و معادن	۶۴۱/۷	۷۳۷/۴	۸۴۵/۰	۱,۱۱۰/۹	۳۱/۵	۵۳/۹
ساختمان	۱۴۷/۰	۱۵۲/۷	۱۴۵/۸	۱۳۸/۵	−۵/۰	۶/۸
خدمات	۵۲/۱	۶۴/۸	۵۲/۷	۵۷/۸	۹/۷	۲/۸
کشاورزی و دامپروری	۱۵/۷	۳۲/۴	۲۵/۰	۲۹/۱	۱۶/۴	۱/۴
کالاهای سرمایه‌ای	۳۷۶/۳	۳۸۷/۲	۳۹۱/۰	۴۸۲/۹	۲۳/۵	۲۳/۴
صنایع ومعادن	۲۳۹/۱	۳۱۶/۲	۲۶۲/۷	۳۱۶/۶	۲۰/۱	۱۵/۴
خدمات	۱۰۳/۸	۳۰/۹	۹۱/۲	۱۳۲/۷	۴۵/۵	۶/۴
کشاورزی	۳۳/۴	۴۰/۱	۳۶/۱	۳۳/۶	−۶/۹	۱/۶
کالاهای مصرفی	۱۵۶/۴	۱۶۸/۲	۲۱۷/۱	۲۴۱/۷	۱۱/۳	۱۱/۷
جمع	۱,۳۸۹/۲	۱,۵۴۲/۷	۱,۶۷۶/۶	۲,۰۶۰/۹	۲۲/۹	۱۰۰/۰

مأخذ: آمار بازرگانی ایران

←۱- رشد نفت داخلی (درآمد عوامل تولید ایران و خارج).
۲- رشد نفت داخلی در سال ۱۳۴۹ برابر ۱۳/۳ درصد و در سال ۱۳۵۰ برابر ۱۷/۰ درصد بود.
مأخذ: گزارش سالانه بانک مرکزی ایران (۱۳۵۰)، صفحه ۹۶.



جدول شماره ۹

ترکیب کالاهای صادراتی براساس نوع مصرف (۱)

(هزار دلار)

	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰	۱۳۵۰ رشد	۱۳۵۰ سهم (درصد)
۱- کالاهای واسطه	۱۰۷٬۲۳۶	۱۱۷٬۸۰۰	۱۴۳٬۸۵۰	۱۷۸٬۳۸۸	۲۴/۰	۵۱/۸
الف- صنایع ومعادن	۱۰۱٬۸۴۸	۱۰۹٬۷۹۱	۱۳۷٬۰۷۶	۱۶۴٬۳۷۷	۱۹/۹	۴۷/۷
صنایع نساجی	(۴۶٬۳۳۲)	(۵۰٬۹۰۸)	(۵۷٬۶۶۶)	(۶۸٬۲۸۹)	۱۸/۴	(۱۹/۸)
صنایع شیمیائی	(۱۱٬۲۰۳)	(۱۴٬۷۶۲)	(۲۴٬۹۳۳)	(۳۷٬۴۰۱)	۵۰/۴	(۱۰/۹)
صنایع پوست و چرم	(۱۳٬۳۷۴)	(۱۶٬۵۵۹)	(۱۴٬۲۲۸)	(۱۶٬۰۹۲)	۱۳/۱	(۴/۷)
صنایع ذوب فلزات	(۸٬۵۶۶)	(۱۲٬۵۸۷)	(۲۲٬۶۴۷)	(۲۰٬۱۶۱)	-۱۱/۰	(۵/۸)
صنایع غذائی	(۱۷٬۰۷۳)	(۴٬۷۳۵)	(۳٬۰۴۸)	(۶٬۶۴۱)	۱۱۷/۹	(۱/۹)
سایر صنایع	(۵٬۳۰۰)	(۱۰٬۲۴۰)	(۱۴٬۵۰۴)	(۱۵٬۶۹۳)	۷/۸	(۴/۶)
ب- ساختمان	۱٬۹۰۴	۲٬۰۴۱	۳٬۸۰۱	۳٬۸۲۰	۰/۵	۱/۱
پ- کشاورزی ودامپروری	۳٬۳۷۲	۵٬۴۱۰	۲٬۹۵۹	۹٬۲۲۶	۲۱۱/۸	۲/۷
ت- خدمات	۱۱۲	۵۸۸	۱۴	۹۶۵	∞	۰/۲
۲- کالاهای سرمایه‌ای	۱٬۱۲۹	۱٬۷۱۷	۱٬۷۶۳	۴٬۵۵۷	۱۵۸/۵	۱/۳
۳- کالاهای مصرفی	۱۰۸٬۵۳۲	۱۲۵٬۱۸۴	۱۳۲٬۳۱۷	۱۶۱٬۵۷۸	۲۲/۱	۴۶/۹
جمع صادرات (۱ الی ۳)	۲۱۶٬۹۰۷	۲۴۴٬۷۰۱	۲۷۷٬۹۳۰	۳۴۴٬۵۲۳	۲۴/۰۰	۱۰۰/۰

مأخذ: آمار بازرگانی خارجی ایران

۱- صادرات نفت و گاز منظور نشده است



جدول شماره ۱۰

موازنه ارزی کشور

(میلیون دلار)

	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰	رشد ۱۳۵۰
۱ - دریافتهای جاری ارزی	۱,۳۲۵/۱	۱,۵۱۸/۷	۱,۶۹۰/۱	۲,۷۳۳/۵	۶۱/۷
۲ - پرداختهای جاری ارزی	۱,۸۰۴/۷	۲,۰۷۲/۲	۲,۳۶۵/۱	۲,۷۵۶/۶	۱۶/۶
۳ - حساب سرمایه	۲۸۴/۱	۲۹۸/۸	۴۱۳/۴	۴۰۹/۶	-۰/۹

مأخذ: گزارش سالانه بانک مرکزی ایران (۱۳۵۰)

جدول شماره ۱۱

اعتبارات سیستم بانکی

(میلیارد ریال)

	پایان سال				رشد	متوسط رشد دوره
	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰	۱۳۵۰	۱۳۴۷-۵۰
اعتبارات بخش خصوصی (۱)	۱۶۷/۲	۱۹۸/۶	۲۳۰/۲	۲۷۷/۶	۲۰/۶	۱۸/۲
اعتبارات بخش دولتی (۲)	۸۸/۱	۱۱۵/۳	۱۴۷/۰	۱۷۶/۳	۱۹/۹	۲۵/۴
جمع	۲۵۵/۳	۳۱۳/۹	۳۷۷/۲	۴۵۳/۹	۲۰/۳	۲۰/۷
سپرده‌های غیر دیداری بخش خصوصی (۳)	۸۷/۴	۱۱۵/۳	۱۳۸/۳	۱۷۹/۳	۲۹/۶	۲۷/۸
سپرده‌های بخش دولتی	۴۰/۱	۵۲/۲	۵۷/۱	۹۹/۹	۷۵/۰	۲۶/۴
جمع	۱۲۷/۵	۱۶۷/۵	۱۹۵/۴	۲۷۹/۲	۴۲/۹	۲۷/۳
خالص اعتبارات بخش خصوصی	۷۹/۸	۸۳/۳	۹۱/۹	۹۸/۳	۷/۰	۹/۹
خالص اعتبارات بخش دولتی	۴۸/۰	۶۳/۱	۸۹/۹	۷۶/۴	-۱۵/۰	۲۴/۱
جمع	۱۲۷/۸	۱۴۶/۴	۱۸۱/۸	۱۷۴/۷	-۳/۹	۱۳/۶

۱ـ شامل سرمایه‌گذاری و مشارکت در مؤسسات خصوصی است.

۲ـ شامل خرید اوراق بهادار دولتی (اسناد خزانه، اوراق قرضه و قبوض اصلاحات ارضی) است.

۳ـ شامل حق بیمه و بازنشستگی کارکنان است.

مأخذ: گزارش سالانه بانک مرکزی ایران (۱۳۵۰)



* نتیجه

باتوجه به‌آمار و اطلاعات مستندی که در بررسیهای فوق‌الذکر ارائه شد، رشد اقتصادی کشور در طی دهسال گذشته بسیار سریع و چشمگیر بوده است.

گرچه تهیه یك فهرست جامع و کامل دربارهٔ عوامل مختلفی که در تسریع رشد اقتصادی کشور مؤثر واقع شده است از حوصله این مقاله خارج است، با اینوصف برخی از مهمترین عوامل مؤثر در تسریع آهنگ رشد اقتصادی کشور را میتوان بشرح زیر خلاصه نمود:

۱- اجرای منشور انقلاب در دهه گذشته موجب تحولات بنیادی در ارزشها و نهادهای جامعه گردیده و زیربنای استواری برای دگرگونی ساختمان اقتصادی و اجتماعی و رشد اقتصادی کشور بوجود آمده است. شاید تقارن برنامه‌های عمرانی سوم و چهارم با دهه انقلاب و نتایج چشمگیری که از اجرای آنها بدست آمده خود دلیل بارزی برصحت این امر باشد.

۲- ثبات و امنیت داخلی و توسعه دید علمی در تجزیه و تحلیل مسائل اقتصادی میان مقامات دولتی و اشاعه فنون و روشهای علمی برنامه‌ریزی و وضع و اجرای سیاستهای اقتصادی (اعم از مالی، پولی و بازرگانی) و گسترش خدمات زیربنائی دولت در تحکیم مبانی برنامه‌ریزی جهت رشد اقتصادی مؤثر واقع شده است.

۳-ازدیاد درآمد دائم‌التزاید ارزی مخصوصاً افزایش درآمد نفت در طی چند سال گذشته عامل موثری در تأمین کالاهای سرمایه‌ای و واسطه مورد نیاز جهت تسریع رشداقتصادی کشور بشمار میرود.

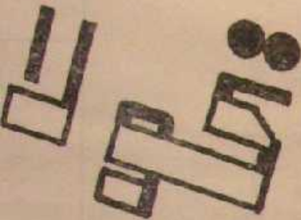
۴- ازدیاد درآمد وقدرت خرید مردم وافزایش میزان‌پس‌اندازهای داخلی وتجهیزآنها از طریق شبکه بانکی و ازدیاد اعتبارات سیستم بانکی به‌بخش عومی و خصوصی و وضع قوانین ومقررات مناسب جهت تشویق سرمایه‌گذاری مولد در تسریع رشد اقتصادی کشور مؤثر واقع شده است.

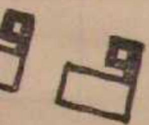
۵- توسعه صنایع سنگین در بخش عمومی و گسترش و تسهیل سرمایه‌گذاری صنعتی توسط بخش خصوصی و استفاده از تکنولوژی و شیوه‌های بهتر تولید و بهبود مدیریت سازمانهای خصوصی موجب ازدیاد قدرت تولیدی نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری تولید و تسریع رشداقتصادی گردیده است.

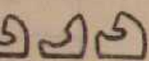
با توسعه و بهبود کمی و کیفی منابع انسانی و مالی کشور، امید میرود که نتایج حاصل از اجرای برنامه پنجم عمرانی کشور بمراتب چشمگیرتر و آهنگ عمومی رشد اقتصادی کشورسریع‌تر از برنامه عمرانی چهارم باشد، بخصوص اینکه در برنامه پنجم به‌جنبه‌های انسانی و کیفی و توزیع عادلانه‌تر درآمد توجه و عنایت خاصی مبذول گردیده است. باشد که کشور ما در پرتو جمیع‌امکانات مساعدی که آنرا درجامعه کشورهای درحال توسعه متمایز نموده است، در فاصله زمانی بالنسبه کوتاه مقامی شامخ و درخشان احراز نماید.











فهرست منابع و مآخذ

۱ـ سنجش پیشرفت وعملکرد برنامه عمرانی هفت ساله دوم ایران، سازمان‌برنامه، اسفندماه ۱۳۳۸

۲ـ گزارش اجرای برنامه هفت‌ساله دوم، سازمان‌برنامه، سال ۱۳۴۳

۳ـ گزارش پیشرفت عملیات عمرانی برنامـه سوم تا پایـان سال ۱۳۴۴، دفتر گـزارشها و بررسیها، سازمان برنامه

۴ـ گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۱ ـ ۱۳۴۶)، سازمان برنامه

۵ـ قانون برنامه عمرانی چهارم کشور، مصوب ۲۷ اسفندماه ۱۳۴۶

۶ـ برنامه چهارم عمرانی کشور (۵۱ ـ ۱۳۴۷)، سازمان برنامه، ۲۵ شهریور ۱۳۴۷

۷ـ گزارش پیشرفت عملیات عمرانی برنامه چهـارم تا پایـان سه‌ماهـه سوم سال ۱۳۵۰، سازمان‌برنامه، اسفند ۱۳۵۰

۸ـ طرحهای برنامه عمرانی چهارم کشور مصوب تاپایان تیرماه سال ۱۳۵۱

۹ـ بودجه کل کشور، ۱۳۵۱ ـ ۱۳۴۱، وزارت دارائی و دفتر مرکزی بودجه

۱۰ـ شرح اجرای برنامه‌ها و عملیات، پیوست شماره ۳ لایحـه بودجـه سال ۱۳۵۱ کـل کشور، دفتر مرکزی بودجه، سازمان برنامه، بهمن‌ماه ۱۳۵۰

۱۱ـ گزارشهای سالانه بانك مرکزی ایران ۵۰ ـ ۱۳۴۷

۱۲ـ آمار بازرگانی خارجی ایران، وزارت اقتصاد.



تحولات صادرات و واردات ایران در دهه ۱۳۴۱-۱۳۵۱

* اول ـ صادرات

۱ـ صادرات نفتی کشور

تولید نفت ایران که در سال ۱۳۴۱ معادل ۴۸۷/۱ میلیون بشکه بود، در طی سالهای دهه ۴۱ ـ ۱۳۵۰ بتدریج افزایش یافته و در سال ۱۳۵۰ معادل ۳/۴ برابر رقم تولید سال ۱۳۴۱ یا ۱/۶۵۶/۹ میلیون بشکه شده که بطور متوسط رشد سالانه‌ای معادل ۱۴/۶ درصد دارا بوده است. درآمد نفت ایران از کنسرسیوم از ۳۴۲٫۴ میلیون دلار در سال ۱۳۴۱ با ۵/۴ برابر افزایش به ۱٫۸۵۱/۱ میلیون‌دلار درسال ۱۳۵۰ بالغ گردید. لازم‌بتذکراست که‌دریافتهای‌ارزی‌ایران‌از محل‌فروش نفت‌بیش‌ازدرآمدنفت‌ایران ازکنسرسیوم‌بوده‌است. بعنوان‌مثال‌درسال۱۳۵۰چون کل‌دریافتهای‌نفتی‌کشور ۲٫۱۱۴/۱ میلیون دلار بوده با کسر ۱٫۸۵۱/۱ میلیون دلار درآمد نفت حاصله از کنسرسیوم مبلغ ۲۲۸/۹ میلیون دلار بدست می‌آید که از محل فروش نفت توسط سایر شرکتهای نفتی، شرکت ملی نفت ایران وغیره حاصل شده است (جدول شماره ۱). رشد متوسط درآمد نفت ایران از کنسرسیوم سالانه قریب ۲۱/۷ درصد بوده است. باین ترتیب می‌توان ملاحظه نمود که ۳/۴ برابر افزایش تولید منشأ ۵/۴ برابر افزایش درآمد شده است. بدیگر سخن، رشد متوسط سالانه تولید به‌میزان ۱۴/۶ درصد ـ رشد متوسط سالانه درآمد به‌میزان ۲۱/۷ درصد را بدنبال داشته است. این امر معلول کوششهای پیگیر ایران در داخل و خارج کادر اوپک برای تأمین بیشتر منافع نفتی‌اش بود. در روز یکشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۴۹ (برابر ۱۴ فوریه ۱۹۷۱) قراردادی در زمینه نفت بین ۶ کشور از

جدول شماره ۱

ارقام تولید و درآمد نفت ایران ۱۳۴۱–۱۳۵۰

سال	تولید نفت خام ایران به میلیون بشکه	درصد رشد نسبت بسال قبل	درآمد نفت ایران به میلیون دلار	درصد رشد نسبت بسال قبل	کل تولید نفت خام خاورمیانه به میلیون بشکه: در روز	کل تولید نفت خام خاورمیانه به میلیون بشکه: در سال *	درصد سهم تولید ایران در تولید خاورمیانه **
۱۳۴۱	۴۸۷/۱	—	۳۴۲/۴	—	۶/۲	۲٫۲۵۶/۸	۲۱/۶
۱۳۴۲	۵۴۴/۳	۱۱/۷	۳۸۰/۰	۱۱/۰	۶/۸	۲٫۴۷۵/۲	۲۲/۰
۱۳۴۳	۶۲۶/۱	۱۵/۰	۴۸۲/۲	۲۶/۹	۷/۶	۲٫۷۶۶/۴	۲۲/۶
۱۳۴۴	۶۹۶/۵	۱۱/۲	۵۱۴/۱	۶/۶	۸/۴	۳٫۰۵۷/۶	۲۲/۸
۱۳۴۵	۷۷۸/۱	۱۱/۷	۶۰۸/۲	۱۸/۳	۹/۳	۳٫۳۸۵/۲	۲۳/۰
۱۳۴۶	۹۵۰/۲	۲۲/۱	۷۵۱/۶	۲۳/۶	۱۰/۰	۳٫۶۴۰/۰	۲۶/۱
۱۳۴۷	۱٫۰۳۹/۴	۹/۴	۸۵۳/۴	۱۳/۵	۱۱/۱	۴٫۰۴۰/۴	۲۵/۷
۱۳۴۸	۱٫۲۳۲/۲	۱۸/۵	۹۲۲/۸	۸/۱	۱۲/۳	۴٫۴۷۷/۲	۲۷/۵
۱۳۴۹	۱٫۳۹۶/۰	۱۳/۳	۱٫۱۰۹/۳	۲۰/۲	۱۳/۹	۵٫۰۵۹/۶	۲۷/۶
۱۳۵۰	۱٫۶۵۶/۹	۱۸/۷	۱٫۸۵۱/۱	۶۶/۹	۱۶/۳	۵٫۹۲۳/۲	۲۸/۰

* ـ سال معادل ۳۶۴ روز در نظر گرفته شده است.

** ـ منظور از خاورمیانه در نشریات اوپك کشورهای زیر است: عربستان سعودی ـ بحرین ـ دوبی ـ عراق ـ کویت ـ عمان ـ قطر و منطقه بیطرف نفتی مجاور عربستان‌سعودی و کویت.

مأخذ: Organization of Petroleum Exporting Countries (OPEC) *Annual Statistical Bulletin*, 1966 - 1971 (June 1972), Pp. 25, 43, 44, 126.



اعضاء اوپك (ایران - عربستان‌سعودی - عراق - کویت - ابوظبی و قطر) در تهران بامضاء رسید و خلاصه موافقتنامه شماره ۱۲۰ اوپك بشرح زیر است:

الف. افزایش نرخ مالیات کشورهای تولید کننده بردرآمد نفتی شرکتهای خارجی تا ۵۵ درصد (ایران قبل از این مذاکرات موفقیت اخیر را کسب کرده بود، لکن در مذاکرات تهران امتیاز اکتسابی ایران به‌سایر اعضاء اوپك یعنی ۵ کشور دیگر شرکت کننده در کنفرانس تهران تعمیم داده شد).

ب . قیمت اعلان شده Posted Price نفت خام سبك و سنگین ایران بترتیب ۳۸ سنت و ۴۰/۵ سنت در هربشکه از تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۷۱ افزایش یافت به‌قسمی که قیمت تمام شده هربشکه نفت خام سبك ۱/۷۹ دلار به ۲/۱۷ دلار و قیمت هربشکه نفت خام سنگین از ۱/۷۲ دلار به‌۲/۱۲۵ دلاررسید.

پ . افزایش سالانه ۵ سنت به‌قیمتهای موجود بمنظور جبران افزایش تقاضای فرآورده‌های نفتی.

ت . افزایش سالانه ۲/۵ درصد بابت تورم (شماره‌های پ و ت از تاریخ اول ژوئن ۱۹۷۱ بموقع اجراء درآمد).

ث . حذف ۷/۱ سنت در هربشکه تخفیفهای اعطائی به کمپانی‌ها.

ج . افزایش ۲ سنت بابت اختلاف کرایه.

چ . نیم سنت اضافی بابت هردرجه غلظت نفت علاوه بر ۳۰ تا ۴۰ درجه A. P. I

با توجه به‌نتایج موفقیت‌آمیز فوق فقط درآمد نفت ایران از کنسرسیوم و تنها در سال ۱۳۵۰ به‌میزان ۸۱۴/۴ میلیون دلار نسبت بسال ۱۳۴۹ افزایش یافت که ۲/۳ برابر کل درآمد نفت ایران از کنسرسیوم در سال ۱۳۴۱ بود.

پیشرفت دیگری که در دهه مورد بررسی نصیب نفت ایران شد افزایش سهم نسبی آن در کل تولید خاورمیانه بود. در سال ۱۳۴۱ ایران فقط ۲۱/۶ درصد تولید خاورمیانه را داشت در حالیکه درصد مزبور با افزایش تدریجی طی دهه مورد بررسی به ۲۸ درصد در سال ۱۳۵۰ رسید (جدول شماره ۱).

با توجه به‌ارقام فوق واینکه درآمد نفت ایران همواره یکی از مهمترین منابع ارزی کشور بوده است می‌توان گفت که ایران نه‌تنها امروزه نفت خود را بقیمتهای بهتر ومناسبتری بدنیای خارج بفروش می‌رساند بلکه تولید خود را نیز مستمراً افزایش داده و برسهم تولید خویش در خاورمیانه نیز متدرجاً افزوده است. پیشرفتهای مزبور قابل تحسین است.

خریدار عمده نفت ایران در گذشته اروپای غربی بود و قسمت کمتری از آن به‌ژاپن و کشورهای آسیائی صادر می‌گشت در حالیکه اخیراً بر سهم نسبی خرید ژاپن وممالك آسیائی افزوده شده و از سهم اروپای غربی کاسته شده است (جدول شماره ۲). بسته شدن کانال سوئز و رشد نسبی سهم ژاپن در تجارت جهانی و تصمیمات اقتصادی شرکتهای عضو کنسرسیوم دائر برصرفه‌جوئی‌های اقتصادی در توزیع نفت در این تغییر وضعیت مؤثر بوده‌اند. از نظر خرید فرآورده‌های نفتی نیز طی سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰ (و حتی پس از آن) متدرجاً بر سهم خرید ژاپن از فرآورده‌های نفتی ایران از طریق کنسرسیوم افزوده شده است.

مأخذ: Organization of Petroleum Exporting Countries (OPEC) *Annual Statistical Bulletin*, 1966 - 1971 (June 1972), Pp. 25, 43, 44, 126.



جدول شماره ٢

توزیع صادرات نفت خام و فرآورده های نفتی کنسرسیوم (درصـــد)

	صادرات نفت خام						صادرات فرآورده هـــای نفتـــی					
	١٩٦٥	١٩٦٦	١٩٦٧	١٩٦٨	١٩٦٩	١٩٧٠	١٩٦٥	١٩٦٦	١٩٦٧	١٩٦٨	١٩٦٩	١٩٧٠
اروپای غربی	٥٠/٢	٤٢/٢	٤١/٠	٣٠/٤	٢٥/٢	٢٤/٩	٨/٦	١١/٩	٨/٩	٧/٨	٨/٤	٤/٨
ژاپن	٢٢/١	٣١/١	٣٧/٤	٤٢/١	٤٦/٩	٤٩/٧	١٧/١	١٤/٧	٢٣/٩	١٢/٨	١٥/٩	٢٣/١
آسیا (باستثنای ژاپن)	٨/٢	٩/٣	٩/٢	١٤/٢	١٣/٤	١١/٩	٤٠/٠	٢٨/٥	٤٠/٦	٣٨/٢	٣٨/٣	٢٦/٩
آفریقا	٨/٦	٦/٨	٦/٦	٧/٩	١٠/٩	٩/٩	٢٣/٨	٣٣/٩	٢٧/٧	٢٦/٥	٢٤/٣	٢٤/٠
آمریکای شمالی	٨/٧	٧/٥	٣/٦	٣/٨	٣/٠	٢/٣	٠	٠/٩	٠	١/٠	٠/٩	١/٩
آمریکای جنوبی	٠/٤	٠/٦	٠/٥	٠	٠	٠/١	٠	٠	٠	٢/٠	٠/٩	١/٠
استرالیا	١/٨	٢/٥	١/٧	١/٦	٠/٦	٠/٦	٥/٧	٤/٦	٣/٠	٢/٩	٤/٧	٥/٨
سایر مناطق	٠	٠	٠	٠	٠	٠/٦	٤/٨	٥/٥	٥/٩	٨/٨	٦/٦	١٢/٥
	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠

مأخذ: بانک مرکزی ایران. گزارش سالانه و ترازنامه ١٣٤٩ ـ صفحهٔ ١٧٥.



۲ـ صادرات غیر نفتی کشور

وزن وارزش صادرات غیر نفتی ایران بطورکلی در طی دهه مورد بررسی در جدول شماره ۳ داده شده است. در سال ۱۳۴۱ ایران مجموعاً ۵۸۹٬۱۴۸ تن کالا به‌ارزش ۸/۶ میلیارد ریال صادر نمود (۱۱۳/۲ میلیون دلار). صادرات مزبور در سال ۱۳۵۰ مجموعاً ۲٬۱۴۸٬۷۷۵ تن به‌ارزش ۲۶/۳ میلیارد ریال بوده است. ارزش هرتن صادرات غیر نفتی کشور بعلت تغییر قیمتها در سطح بین‌المللی در دهه مورد بحث بین سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ بطورکلی روبه‌افزایش بوده است. لکن در سالهای

جدول شماره ۳

وزن و ارزش صادرات غیر نفتی کشور در سالهای ١٣٤١—١٣٥٠

سال	وزن تن	ارزش به هزار ریال	ارزش به میلیون دلار	ارزش وزن یک تن به هزارریال
١٣٤١	٥٨٩٬١٤٨	٨٬٦٠٢٬٨٨١	١١٣/٢	١٤/٦
١٣٤٢	٥٩٥٬٨٠٠	٩٬٦١٦٬٥٥٠	١٢٦/٣	١٦/١
١٣٤٣	٧٥٥٬٢٤٥	١١٬٤٨٥٬٠٨٧	١٧٨/٣	١٩/٢
١٣٤٤	٩١١٬٤٢٥	١٣٬٥٥٨٬٥٦٠	١٧٨/٩	١٤/٩
١٣٤٥	٨١٢٬٩٢٩	١١٬٨١٤٬٩٩٩	١٥٦/٦	١٤/٥
١٣٤٦	٧٦٧٬٥٩٤	١٣٬٦٣٢٬٦٣٥	١٧٨/٩	١٧/٧
١٣٤٧	٩٩١٬٧٠٧	١٦٬٢٦٨٬٠٠١	٢١٤/٥	١٦/٤
١٣٤٨	٨٨٩٬٥٠١	١٨٬٥٣٣٬١٧٢	٢٤٣/٤	٢٠/٨
١٣٤٩	١٬٧٤٢٬٧٧٢	٢١٬١٩٢٬١٧٤	٢٧٨/٩	١٢/٢
١٣٥٠	٢٬١٤٨٬٧٧٥	٢٦٬٢٦٩٬٨٥٧	٣٤٥/٦	١٢/٢

مأخذ: **آمار بازرگانی خارجی کشور**، سالهای مختلف، نشریات اداره کل گمرک وزارت دارائی. در تبدیل ارقام، نرخ دلار به‌ریال به‌میزان ۱ دلار= ۷۶ ریال فرض شده است.





۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ ارزش هرتن کالای صادراتی غیر نفتی پائین آمده است (جدول شماره ۳).

اقلام عمده صادرات غیر نفتی ایران را در میان صادرات سنتی کشور فرش، پنبه و خشکبار تشکیل میدهد (جدول شماره ۴). صادرات فرش کشور که در سال ۱۳۴۱ بالغ بر ۲۲/۱ میلیون دلار بود در سال ۱۳۵۰ به ۷۵/۵ میلیون دلار رسید که افزایشی بیش از ۳/۴ برابر داشته است و این افزایش علیرغم ممنوع کردن کار اطفال کمتر از ۱۲ سال در کارگاههای قالیبافی کشور، تقلید نقشه‌های اصیل ایرانی توسط سایر کشورها ـ رقابت فرش ماشینی و رقابت نامشروع برخی ممالك صادر کننده فرش که فرشهای خود را به‌عنوان «فرش ایرانی» بممالك دیگر فروخته‌اند تحقق یافته است. فرش ایران در بازارهای خارج با هلند ـ ترکیه ـ پاکستان ـ افغانستان ـ یونان و بعضی از کشورهای‌اروپای‌شرقی رقابت دارد. مهمترین بازارهای فرش ایران در خارج آلمان غربی، آمریکا، لبنان، کویت، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و سوئیس می‌باشد. صادرات پنبه کشور که در سال ۱۳۴۱ معادل ۳۶/۸ میلیون دلار بود در سال ۱۳۵۰ به ۴۷/۴ میلیون دلار رسید. پنبه ایران در درجه اول به‌کشورهای اروپائی مانند آلمان، انگلستان و در درجه دوم به‌شوروی، ژاپن، چکسلواکی، رومانی و لهستان صادر میشود. فرش وپنبه بر رویهم در سال ۱۳۴۱ بیش از نیمی از صادرات غیر نفتی کشور را تشکیل داده (۵۱/۴ درصد) لکن در سال ۱۳۵۰ بعلت افزایش اهمیت نسبی کالاهای صنعتی در صادرات غیر نفتی کشور ارزش این دو کالا ۳۵/۸ درصد کل صادرات غیر نفتی را تشکیل داده است. لازم بتذکر است برخی از کالاهای صنعتی که در سال ۱۳۴۱ اساساً وجود نداشت (از قبیل ملبوس آماده و تریکو وانواع پارچه) نه‌تنها در زمره صادرات غیر نفتی کشور وارد شد، بلکه میزان صادرات آن درسال ۱۳۵۰ به ۲۳/۶ میلیون دلار رسید.

از سال۱۳۴۲ مقرراتی در زمینه تشویق صادرات وضع گردید و برای کمك به‌توسعه صدور بعضی از اقلام صادراتی که بعلت شرایط حاکم بر بازارهای بین‌المللی احتیاج به‌کمك داشت وهمچنین برای بهبودنحوه تولید و طبقه‌بندی کالاهای صادراتی کشور در ۱۶ شهریور ۱۳۴۲ طبق تصویبنامه‌ای مقرر گردید که برای صدور برخی از سنگهای فلزی معدنی ـ سبزه و سالامبور جوائز صادراتی تخصیص داده شود.

در همین سالها اقداماتی هم برای توسعه صادرات به‌کشورهای عربی و شیخ‌نشینها مانند کویت بعمل آمد تا از امکانات جذب کالاها در این مناطق بعنوان بازارهای صادراتی استفاده شود. در دهه ۴۱ـ۱۳۵۰ کالاهای صنعتی مانند قماش‌نخی، نخ، پنبه، سیمان، کفش، تریکو، روغن‌نباتی، بعضی مصنوعات فلزی وغیره به‌اقلام صادراتی ایران افزوده شد و هرساله سهم آن در صادرات ایرانی رو بفزونی رفت بطوریکه ترکیب صادرات ایران از سال ۱۳۴۱ از کالاهای اولیه ومواد خام بمحصولات ساخته شده وصنعتی تغییر نمود.

از سال ۱۳۴۶ ببعد با داشتن هدف کاهش اتکاء بردرآمد منابع نفتی وایجاد تنوع در منافع ارزی و بهره‌برداری بیشتر از امکانات واستعدادهای طبیعی واستفاده از برتریهای نسبی ایران در تولید کالاها، کوششهای بیشتری برای افزایش صادرات بشرح زیر بعمل آمد:

اجرای برنامه‌های مشخص برای تشویق صادرات به‌شیخ‌نشینهای خلیج فارس ـ انعقاد موافقتنامه‌های پرداخت و بازرگانی با کشورهای اروپای شرقی ـ پرداخت جایزه صدور به‌بعضی از کالاهای صادراتی (از قبیل سنگهای معدنی ـ سالامبور و سبزه وغیره) ـ انعقاد موافقتنامه بازرگانی با بازارمشترك (EEC) ـ اعطای وامهای مناسب به‌صادرکنندگان و سایر تسهیلات مالی بانك مرکزی



جدول شماره ٤

صادرات عمده غیر نفتی کشور (میلیون دلار)

شرح	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۶	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰
فرش	۲۲/۱	۲۶/۴	۳۶/۴	۴۵/۴	۴۲/۵	۴۹/۶	۵۹/۶	۵۹/۲	۵۳/۹	۷۵/۵
پنبه	۲۶/۸	۳۷/۶	۳۴/۹	۵۱/۰	۲۸/۸	۳۷/۹	۴۲/۹	۴۹/۵	۵۶/۶	۶۷/۴
میوه های تازه وخشک	۲۴/۸	۱۹/۲	۱۹/۸	۲۳/۰	۱۹/۹	۲۱/۴	۲۲/۹	۳۰/۰	۳۴/۶	۳۵/۵
ملبوس آماده تریکو و انواع پارچه	—	—	—	—	—	—	۴/۴	۷/۵	۱۴/۳	۲۳/۶
انواع پوست وچرم	۵/۹	۹/۷	۱۲/۹	۱۰/۱	۱۴/۴	۱۱/۹	۱۳/۷	۱۶/۹	۱۴/۵	۱۷/۲
کلوخه های کانی و فلزی	۳/۶	۴/۸	۸/۷	۱۰/۷	۹/۳	۷/۰	۷/۴	۱۱/۹	۱۹/۷	۱۶/۵
سایر	۳۱/۵	۳۰/۵	۴۰/۴	۴۰/۶	۴۲/۶	۵۴/۰	۶۶/۰	۶۹/۶	۸۴/۳	۱۰۸/۸
جمع	۱۱۴/۷	۱۲۸/۲	۱۵۳/۱	۱۸۰/۸	۱۵۷/۵	۱۸۱/۸	۲۱۶/۹	۲۴۴/۷	۲۷۷/۹	۳۴۴/۵

ماخذ: بانک مرکزی ایران ترازنامه‌ها و گزارشهای سالانه (۱۳۴۹ و ۱۳۵۰)
به ترتیب صفحات ۱۳۱ و ۱۲۰.



جدول شماره ۵

توزیع جغرافیائی صادرات غیر نفتی ایران برحسب کشورهای مناطق مختلف

(میلیون دلار)

	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۶	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰	درصد افزایش ۱۳۵۰ نسبت به ۱۳۴۱
کشورهای عضو بازار مشترک	۲۹/۵	۳۳/۰	۳۴/۲	۴۸/۸	۴۰/۹	۴۰/۰	۴۲/۵	۵۱/۵	۶۰/۱	۷۸/۵	۱۶۶/۱
ایالات متحده امریکا	۱۰/۹	۱۶/۱	۲۰/۱	۱۹/۹	۲۲/۳	۲۰/۶	۲۲/۳	۲۵/۴	۲۴/۲	۲۷/۸	۱۵۵/۰
انگلستان	۱۳/۳	۱۶/۰	۱۲/۸	۱۴/۶	۱۰/۱	۹/۷	۸/۱	۹/۷	۹/۸	۱۰/۸	−۱۹/۰
ژاپن	۱/۶	۴/۲	۲/۵	۳/۹	۴/۹	۳/۶	۵/۶	۹/۳	۱۶/۶	۲۱/۳	۱۲۳۱/۰
کشورهای سوسیالیستی طرف قرارداد پایاپای	۳۰/۳	۳۱/۳	۴۱/۰	۳۹/۱	۳۴/۰	۵۰/۷	۶۸/۵	۹۶/۲	۱۰۰/۳	۱۰۶/۵	۲۵۱/۵
کشورهای عضو منطقه اکافه	۴/۸	۲/۶	۴/۶	۵/۰	۳/۸	۵/۹	۹/۹	۶/۶	۹/۲	۲۱/۶	۳۵۰/۰
ترکیه و پاکستان	۱/۵	۱/۴	۱/۹	۲/۱	۱/۷	۱/۰	۲/۱	۱/۴	۱/۷	۰/۸	−۴۷/۰
سایر	۲۲/۴	۲۳/۶	۳۶/۰	۴۷/۴	۳۹/۸	۵۰/۳	۵۷/۹	۴۴/۶	۵۶/۰	۷۷/۲	۲۴۴/۶
جمع	۱۱۴/۳	۱۲۸/۲	۱۵۳/۱	۱۸۰/۸	۱۵۷/۵	۱۸۱/۸	۲۱۶/۹	۲۴۴/۷	۲۷۷/۹	۳۴۴/۵	۲۰۱/۴

مأخذ: بانک مرکزی ایران، ترازنامه‌ها و گزارشهای سالانه (۱۳۴۹ و ۱۳۵۰) بترتیب صفحات ۱۳۶ و ۱۲۴.



ایران - بازپرداخت سود بازرگانی و حقوق گمرکی مواد اولیه وارداتی که در صادرات بکار رفته - شرکت درنمایشگاههای خارجی و تأسیس نمایشگاههای داخلی - استاندارد نمودن کالاهای صادراتی - اعزام هیئت‌های بازاریابی به کشورهای خارج و ایجاد مرکز توسعه صادرات در سال ۱۳۴۶. نتیجه این قبیل اقدامات تشویقی بطور خلاصه از این قرار بوده است: صادرات ایران که در گذشته مرکب از چند رقم فرش و پنبه و خشکبار وامثال آنها ومنحصر به کالاهای کشاورزی و سنتی بود در سالهای اخیر درجهت عرضه کالاهای صنعتی و صنایع تبدیلی کشاورزی به‌بازارهای خارج پیشرفتهای قابل توجهی داشته است که در آتیه نیز می‌توان از این امکانات برخوردار شد. دهسال قبل تولید برخی کالاهای صنعتی برای برخی اشخاص در ایران قابل تصور نبود لکن امروزه انواع کفش، روغن‌نباتی، کنسرو مواد غذائی، بیسکویت و شکلات، وسائط نقلیه، لوازم فلزی خانگی، لاستیك وسائط نقلیه، پودر لباسشوئی و صابون، گلیسیرین و مواد شیمیائی ودارو، انواع پارچه‌های پنبه‌ای و پشمی و انواع تریکو

جدول شماره ۶

پیش بینی صادرات‌غیر نفتی کشور به تفکیك گروههای گوناگون صادرات‌درطی‌برنامه عمرانی پنجم

(به میلیون دلار)

گروه کالا ها	برآورد برای ۱۳۵۱	برنامه عمرانی پنجم ۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶
سنتی (۱)	۲۹۷	۳۲۶	۳۵۹	۳۹۵	۴۳۵	۴۷۸
صنعتی (۲)	۱۱۲	۱۵۶	۲۱۹	۳۰۷	۳۶۸	۴۴۲
معدنی (۳)	۲۷	۳۱	۳۶	۴۲	۵۴	۷۰
سایر (۴)	۱۴	۱۷	۲۰	۲۴	۲۹	۳۵
جمع	۴۵۰	۵۳۰	۶۳۴	۷۶۸	۸۸۶	۱٫۰۲۵

۱- با فرض رشد ۱۰٪ در سال بطور متوسط.
۲- با فرض رشد ۴۰٪ در سال بطور متوسط.
۳- با فرض رشد ۱۵٪ تا ۲۰٪ در سال بطور متوسط.
۴- سایر کالاهائیکه جزء صادرات منتخب سنتی، صنعتی یا معدنی نباشند.

کلیه برآوردهای فوق سر راست شده و تقریبی است. برای تحقق بعضی از آنها در عمل کوششهای زیادی لازمست ولی چندان بعید نیست.



و ملبوس آماده نه‌تنها در زمره صادرات صنعتی کشور درآمده بلکه روزبروز برمقدار واهمیت صدور آنها بخارج افزوده میشود.

جدول شماره ۵ توزیع جغرافیائی صادرات ایران را برحسب کشورهای مناطق مختلف بین سالهای ۱۳۴۱ ـ ۱۳۵۰ نشان میدهد. بطوریکه از جدول مزبور می‌توان ملاحظه نمود، صادرات غیر نفتی ایران به‌کشورهای عضو بازار مشترك، ایالات متحده آمریکا، ژاپن، کشورهای سوسیالیست طرف قراردادهای پایاپای، کشورهای عضو منطقه اکافه روبه‌افزایش بوده، در حالیکه صادرات به‌کشورهائی مانند انگلیس و ترکیه و پاکستان کاهش یافته است. بیش از همه ژاپن و سپس کشورهای عضو منطقه اکافه و کشورهای سوسیالیست طرف قرارداد پایاپای برخریدهای خود از ایران افزوده‌اند و سهم افزایش خرید آنان بمراتب بیش از کشورهای عضو بازار مشترك وایالات متحده آمریکا بوده است (ستون آخر جدول شماره ۵) صادرات به کشورهای سوسیالیستی که در سالهای اخیر در اثر انعقاد واجرای موافقتنامه‌های بازرگانی افزایش قابل توجهی داشته در بحث جداگانه‌ای در کادر روابط بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۳ـ پیش‌بینی درآمد صادرات

الف . صادرات نفتی: چنانکه در جدول شماره ۱ ملاحظه شد رشد متوسط سالانه درآمد نفت ایران در دهه ۱۳۴۱ ـ ۱۳۵۰ معادل ۲۱/۷ درصد بوده است. اگر در برآورد رشد درآمد نفت برای دوره برنامه پنجم با توجه به‌مذاکرات اوپك که وضع را برای مدتی تثبیت نموده است محتاط‌تر باشیم وفرض کنیم که درآمد مزبور حدود ۱۷ درصد در سال افزایش یابد که قریب ۱۲ درصد آن ناشی از رشد متوسط صادرات نفت و بقیه نتیجه موفقیتهای مذاکرات اوپك در گذشته و سایر پیشرفتهای مذاکرات احتمالی آتیه باشد، درآمد نفت در برنامه پنجم بحدود ۱۹ تا ۲۰ میلیارد دلار خواهد رسید.

ب . صادرات غیر نفتی: در مورد صادرات غیر نفتی پیش‌بینی کمی مشکل‌تر است و بنرخ رشدی بستگی خواهد داشت که بترتیب برای صادرات کالاهای سنتی، صنعتی ومعدنی فرض کنیم. در صورتیکه متوسط رشد صادرات کالاهای سنتی در برنامه پنجم ۱۰٪ در سال، صادرات صنعتی ۴۰ درصد در سال و صادرات معدنی بین ۱۵ تا ۲۰ درصد در سال فرض شود (با توجه بمعدن مس‌سرچشمه و ازدیاد سهم تولیدات صنعتی در تولید ملی کشور) ـ و تحقق چنین فروضی چندان هم شاید دور از واقع درنیاید ـ میتوان انتظار داشت که درآمد ارزی ناشی از صادرات غیر نفتی کشور در آخر برنامه پنجم یعنی پایان سال ۱۳۵۶ به‌متجاوز از یك میلیارد دلار برسد (جدول شماره ۶).

دوم ـ واردات

۱ـ کل واردات

واردات کشور که در سال ۱۳۴۱ قریب ۴۱/۹ میلیارد ریال بود در سال ۱۳۵۰ برقم ۱۵۷/۷ میلیارد ریال رسید (۲٫۰۶۱ میلیون دلار) که نسبت بسال اول دهه مورد بررسی ۳/۷۶ برابر شده است. رشد متوسط واردات کشور سالانه قریب ۱۶/۶ درصد بوده است (جدول شماره ۷).



جدول شماره ۸ واردات عمده کشور را به‌میلیون دلار طی سالهای دهه مورد بررسی نشان میدهد. بطوریکه در جدول مزبور میتوان بسهولت ملاحظه نمود قسمت اعظم واردات کشور مرکب از ماشین‌آلات و قطعات منفصله، آهن و چدن و فولاد و دستگاههای برقی و قطعات آنها بوده است که جهت رشد اقتصادی و توسعه صنعتی کشور ضرورت داشته است.

جدول شماره ۷

کل واردات کشور طی سالهای ۱۳۴۱ ــ ۱۳۵۰ (میلیارد ریال)

	وزن میلیون تن	ارزش میلیارد ریال	درصد رشد به سال قبل
۱۳۴۱	۱/۴	۴۱/۹	—
۱۳۴۲	۱/۳	۳۹/۳	−۶/۲
۱۳۴۳	۲/۳	۵۶/۸	۴۴/۵
۱۳۴۴	۲/۳	۶۶/۵	۱۷/۱
۱۳۴۵	۲/۴	۷۳/۶	۱۰/۷
۱۳۴۶	۲/۸	۹۰/۵	۲۳/۰
۱۳۴۷	۳/۷	۱۰۶/۷	۱۷/۹
۱۳۴۸	۲/۸	۱۱۵/۶	۸/۳
۱۳۴۹	۳/۱	۱۲۸/۳	۱۱/۰
۱۳۵۰	۴/۸	۱۵۷/۷	۲۲/۹

مأخذ: وزارت دارائی، آمار بازرگانی خارجی کشور، نشریات سالهای مختلف.



جدول شماره ۸

واردات عمده کشور (میلیون دلار)

شرح	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۶	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰
ماشین آلات وقطعات منفصله	۹۸/۷	۷۹/۸	۱۱۸/۸	۲۸۴/۵	۲۱۸/۳	۲۸۶/۰	۳۲۸/۴	۳۵۸/۲	۳۶۶/۷	۴۴۱/۹
آهن و چدن و فولاد	۷۷/۹	۷۰/۵	۹۵/۳	۱۳۱/۲	۱۴۴/۰	۲۲۴/۴	۲۵۲/۷	۲۷۲/۸	۳۰۰/۶	۳۸۴/۳
ماشین آلات ووسائل	۳۹/۳	۳۰/۶	۳۹/۸	۵۳/۷	۶۶/۰	۸۲/۹	۱۰۹/۹	۱۵۱/۸	۱۶۴/۸	۲۵۲/۳
مواد ومحصولات شیمیائی و داروئی	۵۰/۲	۴۶/۷	۶۲/۵	۷۰/۴	۸۲/۵	۹۴/۴	۱۱۵/۵	۱۲۱/۵	۱۲۷/۹	۱۳۵/۸
ابریشم طبیعی ومصنوعی و الیاف	۳۵/۹	۳۱/۶	۲۸/۳	۴۴/۶	۵۰/۵	۵۶/۵	۶۸/۳	۶۷/۲	۷۴/۱	۷۷/۵
گندم و آرد گندم	۱۵/۷	۱۱/۶	۴۰/۹	۴۳/۰	۱۷/۰	۴/۴	۷/۰	۰/۲	۲/۳	۷۵/۲
سایر	۲۲۹/۹	۲۴۲/۷	۳۴۶/۷	۲۷۱/۱	۳۸۵/۴	۴۴۱/۷	۱۷۹/۰	۵۷/۱	۶۵۲/۲	۶۹۳/۴
جمع	۵۴۷/۶	۵۱۳/۵	۷۴۲/۳	۸۹۸/۵	۹۶۳/۷	۱۱۹۰/۳	۱,۳۸۹/۲	۱,۵۴۲/۷	۱,۶۷۶/۶	۲,۰۶۰/۹

مأخذ: بانک مرکزی ایران، ترازنامه‌ها و گزارشهای سالانه ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰.



۲ـ ترکیب واردات

با توجه به‌تغییرات زیربنائی وایجاد و احداث واحدهای بزرگ بمنظور تولید و عرضه کالاهای صنعتی به‌بازار داخلی وخارجی واستفاده از تکنیك کشورهای پیشرفته بمنظور افزایش تولید این نوع کالاها ـ واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای کشور رشد بیشتری در مقام مقایسه با واردات مصرفی کشور داشته است.

در سال ۱۳۴۱ کالاهای واسطه ۵۷/۲ درصد ـ کالاهای سرمایه‌ای ۲۱ درصد و کالاهای مصرفی ۲۱/۸ درصد کل واردات کشور را تشکیل میداده در حالیکه در سال ۱۳۵۰ سهم کالاهای واسطه ۶۴/۸ درصد (۷/۶ درصد بیش از ۱۳۴۱) ـ کالاهای سرمایه‌ای ۲۳/۴٪ (۲/۴ درصد بیش از سال ۴۱) وبالاخره سهم کالاهای مصرفی فقط ۱۱/۷٪ (۱۰/۱ درصد کمتر از سال ۴۱) بوده است.

کاهش واردات مصرفی کشور معلول سیاست صنعتی شدن کشور و تعقیب عامدانه سیاست جانشینی واردات Import Substitation بوده است. (جدول شماره ۹).

۳ـ توزیع جغرافیائی واردات

در دهه گذشته ایران از نظر واردات بیشتر متوجه تأمین نیازهای وارداتی خود از ژاپن و کشورهای سوسیالیستی طرف قرارداد پایاپای شده است. واردات ایران از ژاپن در سال ۱۳۵۰ حدود ۹/۴ برابر سال ۱۳۴۱ بود و واردات کشور از ممالك سوسیالیستی طرف قرارداد در سال ۱۳۵۰ ـ ۹/۲۷ برابر سال ۱۳۴۱ گردید، با آنکه در این مدت میزان واردات از کشورهای عضو بازار مشترك ۳/۷ برابر ـ از آمریکا ۲/۸ برابر واز کشورهای عضو منطقه اکافه ۴/۲ برابر شده است (جدول شماره ۱۰) از نظر مقام ژاپن بزرگترین رشد را در صدور محصول به‌ایران داشته است که با توجه بقدرت رقابت محصولات ژاپنی در صحنه بین‌المللی و ارزانتر بودن قیمت در کالاهائی که از نظر کیفیت با محصولات سایر ممالك مشابهند امریست طبیعی. افزایش واردات از کشورهای سوسیالیستی طرف قراردادهای پایاپای ایران نیز از نظر ایران امریست طبیعی و منطقی چه نه‌تنها در برابر چنین وارداتی ایران بعلت ماهیت تهاتری بودن مبادلات توانسته است مقادیر معتنابهی از کالاهای صنعتی و سنتی خود را صادر نماید، بلکه در ارز قابل مصرف مملکت نیز صرفه‌جوئی‌های ممکن انجام شده است.

۴ـ مبادلات ایران با ممالك سوسیالیستی

واردات ایران از کشورهای سوسیالیستی قرارداد پایاپای و صادرات ایران به‌کشورهای مزبور درجدول‌شماره ۱۱ نشان داده‌شده‌است. بطوریکه در جدول مزبورمیتوان‌ملاحظه‌نمود، بزرگترین تأمین کننده کالاهای وارداتی ایران در زمره ممالك سوسیالیستی طرف قرارداد پایاپای شوروی وسپس رومانی و چکسلواکی است و در زمینه صادرات ایران به‌کشورهای مورد بحث نیز شوروی وچکسلواکی از خریداران عمده کالاهای صادراتی ایران می‌باشند. در عین حال بر عکس موازنه بازرگانی ایران با شوروی و چکسلواکی و رومانی تدریجاً افزوده شده در حالیکه بازرگانی ایران با لهستان مجارستان



جدول شماره ۹

ترکیب کالا های وارداتی (میلیون دلار)

شرح	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۶	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰
کالا های واسطه	۳۱۳/۲	۲۸۵/۱	۴۰۸/۰	۵۱۸/۲	۵۵۸/۲	۷۱۱/۰	۸۵۶/۵	۹۸۷/۳	۱،۰۶۸/۵	۱،۳۳۶/۳
صنایع و معادن	۲۳۴/۹	۲۲۱/۱	۳۱۷/۹	۴۱۰/۱	۴۴۴/۵	۵۴۵/۲	۶۴۱/۷	۷۳۷/۴	۸۴۵/۰	۱،۱۱۰/۹
ساختمان	۴۹/۸	۲۴/۸	۵۸/۸	۶۹/۲	۷۴/۷	۱۳۰/۸	۱۴۷/۰	۱۵۲/۷	۱۴۵/۸	۱۳۸/۵
خدمات	۲۲/۵	۲۲/۱	۲۴/۷	۳۰/۷	۳۱/۳	۳۰/۹	۵۲/۱	۶۴/۸	۵۲/۷	۵۷/۸
کشاورزی و دامپروری	۵/۰	۶/۳	۶/۶	۸/۲	۷/۷	۱۴/۰	۱۵/۷	۳۲/۴	۲۵/۰	۲۹/۶
کالا های سرمایه ای	۱۱۴/۹	۱۰۴/۴	۱۶۲/۴	۲۲۳/۰	۲۶۰/۷	۳۲۹/۳	۳۷۶/۳	۳۸۷/۲	۳۹۱/۰	۴۸۲/۹
صنایع ومعادن	۸۱/۰	۵۴/۰	۷۲/۸	۱۲۲/۱	۱۶۰/۱	۲۳۰/۲	۲۳۹/۱	۳۱۶/۲	۳۶۳/۷	۳۱۶/۶
خدمات	۲۰/۶	۲۶/۷	۴۷/۷	۵۵/۸	۶۳/۹	۷۱/۵	۱۰۳/۸	۳۰/۹	۹۱/۲	۱۳۲/۷
کشاورزی	۱۳/۳	۲۳/۷	۴۱/۹	۳۵/۱	۳۶/۷	۲۷/۶	۳۳/۴	۴۰/۱	۳۶/۱	۳۳/۶
کالا های مصرفی	۱۱۹/۵	۱۲۴/۰	۱۷۱/۹	۱۵۷/۲	۱۴۴/۸	۱۵۰/۰	۱۵۶/۴	۱۶۸/۲	۲۱۷/۱	۲۴۱/۷
جمع	۵۴۷/۶	۵۱۳/۵	۷۴۲/۳	۸۹۸/۴	۹۶۳/۷	۱،۱۹۰/۳	۱،۳۸۹/۲	۱،۵۴۲/۷	۱،۶۷۶/۶	۲،۰۶۰/۹

مأخذ: بانک مرکزی ایران، ترازنامه‌ها و گزارشهای سالانه (۱۳۴۹ و ۱۳۵۰). صفحات ۱۳۶ و ۱۲۸.





جـدول شماره ۱۰

توزیع جغرافیائی واردات کشور برحسب کشورهای مناطق مختلف (میلیون دلار)

شرح	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۶	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰	رشد ۱۳۵۰ (نسبت به ۱۳۴۱)
کشورهای عضو بازار مشترک	۱۸۱/۳	۱۸۴/۹	۲۴۸/۶	۳۱۸/۱	۳۴۱/۳	۴۲۰/۴	۵۴۴/۱	۵۳۲/۱	۵۹۸/۰	۶۷۵/۱	۳/۷ برابر
ایالات متحده آمریکا	۱۰۲/۷	۸۱/۳	۱۲۹/۹	۱۷۰/۴	۱۸۹/۸	۲۱۲/۴	۲۳۳/۹	۲۰۹/۷	۲۱۷/۴	۲۹۳/۰	۲/۸۵ "
انگلستان	۱۰۱/۷	۷۵/۰	۱۰۱/۵	۱۱۴/۷	۱۲۱/۷	۱۳۹/۴	۱۸۱/۳	۱۸۷/۸	۱۶۲/۷	۲۲۸/۰	۲/۲۴ "
ژاپن	۳۰/۰	۲۷/۰	۴۷/۲	۷۱/۵	۷۳/۰	۹۱/۷	۱۲۳/۴	۱۶۶/۴	۲۰۱/۲	۲۷۵/۷	۹/۱۹ "
کشورهای سوسیالیست	۲۴/۸	۳۸/۸	۴۴/۴	۳۶/۲	۵۹/۸	۷۵/۲	۹۶/۹	۱۷۸/۶	۲۰۷/۳	۲۳۲/۹	۹/۳۹ "
کشورهای عضو منطقه اکافه	۲۸/۶	۳۲/۱	۶۵/۵	۶۶/۱	۵۴/۵	۵۳/۴	۵۶/۶	۸۴/۸	۹۴/۱	۱۲۱/۴	۴/۲۴ "
ترکیه و پاکستان	۳/۸۰	۱/۲	۱۲/۳	۲/۷	۲/۸	۴/۲	۵/۰	۹/۸	۹/۹	۱۱/۲	۲/۹ "
سایر	۷۴/۷	۶۳/۲	۹۲/۹	۱۱۸/۷	۱۲۰/۸	۱۴۳/۶	۱۴۸/۰	۱۷۳/۵	۱۸۶/۰	۲۲۳/۶	۳/۰ "
جمع	۵۴۷/۶	۵۱۳/۵	۷۴۲/۳	۸۹۸/۴	۹۶۳/۴	۱٬۱۹۰/۳	۱٬۳۸۹/۲	۱٬۵۴۲/۷	۱٬۶۷۶/۶	۲٬۰۶۰/۹	۳/۷۶ "

مأخذ: بانک مرکزی ایران، **ترازنامه‌ها وگزارشهای سالانه (۱۳۴۹ و ۱۳۵۰)**.



جدول شماره ۱۱

موازنه بازرگانی و مبادلات ایران باکشورهای سوسیالیست طرف قرارداد پایاپای و موازنه تجاری

(میلیون دلار)

شرح	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۶	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰
شوروی:										
واردات ایران ازآنجا	۱۴/۱	۲۳/۲	۲۲/۶	۱۶/۶	۲۸/۷	۳۳/۳	۴۴/۹	۱۱۵/۸	۱۳۰/۵	۴۱/۴
صادرات* ایران به‌آنجا	۱۷/۷	۱۷/۲	۲۲/۴	۱۷/۴	۱۸/۴	۳۰/۰	۴۰/۲	۵۷/۶	۶۳/۱	۶۹/۱
مجموع مبادلات	۳۱/۸	۴۱/۴	۴۵/۰	۳۴/۰	۴۷/۱	۶۳/۳	۸۵/۱	۱۷۳/۴	۱۹۳/۶	۲۱۰/۵
موازنه بازرگانی ایران	+۳/۶	-۷/۰	-۰/۲	-۰/۸	-۱۰/۳	-۳/۳	-۴/۷	-۵۸/۲	-۶۷/۴	-۷۲/۳
چکسلواکی:										
واردات ایران ازآنجا	۴/۵	۵/۰	۷/۳	۷/۰	۷/۶	۱۳/۵	۱۳/۸	۱۶/۶	۲۰/۸	۲۸/۱
صادرات* ایران به‌آنجا	۳/۶	۴/۴	۶/۵	۸/۵	۵/۵	۷/۳	۷/۵	۱۱/۴	۱۵/۳	۱۴/۵
مجموع مبادلات	۸/۱	۹/۴	۱۳/۸	۱۵/۵	۱۳/۱	۲۰/۸	۲۱/۳	۲۸/۰	۳۶/۱	۴۲/۶
موازنه بازرگانی	-۰/۹	-۰/۶	-۰/۸	+۱/۵	-۲/۱	-۶/۲	-۶/۳	-۵/۲	-۵/۵	-۱۳/۶
لهستان:										
واردات ایران ازآنجا	۳/۰	۲/۹	۴/۶	۵/۶	۷/۳	۴/۹	۱۲/۲	۵/۷	۵/۱	۵/۱
صادرات* ایران به‌آنجا	۴/۸	۵/۵	۶/۰	۶/۴	۳/۳	۵/۵	۵/۳	۴/۲	۵/۴	۵/۳
مجموع مبادلات	۷/۸	۸/۴	۱۰/۶	۱۲/۰	۱۰/۶	۱۰/۴	۱۷/۵	۹/۹	۱۰/۵	۱۰/۴
موازنه بازرگانی	+۱/۸	+۲/۶	+۱/۴	+۰/۸	-۴/۰	+۰/۶	-۶/۹	-۱/۵	۰/۳	+۰/۲
مجارستان:										
واردات ایران ازآنجا	۲/۵	۶/۱	۸/۳	۴/۸	۴/۱	۷/۱	۸/۳	۹/۱	۱۴/۳	۱۴/۵
صادرات* ایران به‌آنجا	۴/۲	۴/۲	۵/۷	۳/۵	۳/۷	۲/۵	۵/۷	۱۱/۴	۱۳/۷	۷/۸
مجموع مبادلات	۶/۷	۱۰/۳	۱۴/۰	۸/۳	۷/۸	۹/۶	۱۴/۰	۲۰/۵	۲۸/۰	۲۲/۳
موازنه بازرگانی	+۱/۷	-۱/۹	-۲/۶	-۱/۳	-۰/۴	-۴/۶	-۲/۶	+۲/۳	-۰/۶	-۶/۷

لهستان:										
واردات ایران ازآنجا	۳/۰	۲/۹	۴/۶	۵/۶	۷/۳	۴/۹	۱۲/۲	۵/۷	۵/۱	۵/۱
صادرات* ایران به‌آنجا	۴/۸	۵/۵	۶/۰	۶/۴	۳/۳	۵/۵	۵/۳	۴/۲	۵/۴	۵/۳
مجموع مبادلات	۷/۸	۸/۴	۱۰/۶	۱۲/۰	۱۰/۶	۱۰/۴	۱۷/۵	۹/۹	۱۰/۵	۱۰/۴
موازنه بازرگانی	+۱/۸	+۲/۶	+۱/۴	+۰/۸	-۴/۰	+۰/۶	-۶/۹	-۱/۵	۰/۳	+۰/۲
مجارستان:										
واردات ایران ازآنجا	۲/۵	۶/۱	۸/۳	۴/۸	۴/۱	۷/۱	۸/۳	۹/۱	۱۴/۳	۱۴/۵
صادرات* ایران به‌آنجا	۴/۲	۴/۲	۵/۷	۳/۵	۳/۷	۲/۵	۵/۷	۱۱/۴	۱۳/۷	۷/۸
مجموع مبادلات	۶/۷	۱۰/۳	۱۴/۰	۸/۳	۷/۸	۹/۶	۱۴/۰	۲۰/۵	۲۸/۰	۲۲/۳
موازنه بازرگانی	+۱/۷	-۱/۹	-۲/۶	-۱/۳	-۰/۴	-۴/۶	-۲/۶	+۲/۳	-۰/۶	-۶/۷
رومانی:										
واردات ایران ازآنجا	۰/۴	۰/۴	۰/۵	۰/۷	۷/۰	۱۳/۷	۱۵/۱	۲۷/۴	۳۱/۲	۳۹/۸
صادرات* ایران به‌آنجا	-	-	۰/۳	۳/۰	۳/۱	۴/۴	۵/۸	۷/۵	۱/۰	۹/۵
مجموع مبادلات	۰/۴	۰/۴	۰/۸	۳/۷	۱۰/۱	۱۸/۱	۲۰/۹	۳۴/۹	۳۲/۲	۴۹/۳
موازنه بازرگانی	-۰/۴	-۰/۴	-۰/۲	+۲/۳	-۳/۹	-۹/۳	-۹/۳	-۱۹/۹	-۳۰/۲	-۳۰/۳
بلغارستان:										
واردات ایران ازآنجا	۰/۳	۰/۲	۱/۱	۱/۵	۵/۱	۲/۷	۲/۶	۴/۰	۵/۴	۴/۰
صادرات* ایران به‌آنجا	-	-	۰/۱	۰/۳	-	۱/۰	۴/۰	۴/۱	۱/۸	۰/۳
مجموع مبادلات	۰/۳	۰/۲	۱/۲	۱/۸	۵/۱	۳/۷	۶/۶	۸/۱	۷/۲	۴/۳
موازنه بازرگانی	-۰/۳	-۰/۲	-۱/۰	-۱/۲	-۵/۱	-۱/۷	+۱/۴	+۰/۱	-۳/۶	-۳/۷

مآخذ: بانک مرکزی ایران، **گزارشهای سالانه و ترازنامه‌های سالهای ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰** ـ صفحات ۱۳۷ و ۱۳۸ از ۱۳۴۹، و ۱۲۴ و ۱۲۹ از ۱۳۵۰.

* ـ صادرات نفت و گاز منظور نشده است.



و بلغارستان در بعضی سالها دارای مازاد و در برخی سالها دارای کسری بوده است.

مجموع واردات ایران از شش کشور سوسیالیست طرف قرارداد که در سال ۱۳۴۱ معادل ۲۴/۸ میلیون دلار بود در سال ۱۳۵۰ با ۹/۴ برابر افزایش به ۲۳۲/۹ میلیون دلار رسید. مجموع صادرات ایران بکشورهای مزبور که در سال ۱۳۴۱ معادل ۳۰/۳ میلیون دلار بود با ۳/۵ برابر افزایش به ۱۰۶/۵ میلیون دلار در سال ۱۳۵۰ بالغ گشت. باین‌ترتیب میتوان ملاحظه نمود که افزایش مبادلات با کشورهای مورد بحث بیشتر در جهت تأمین واردات ایران تحقق گرفته تا افزایش صادرات ایران. بدیهی است ملاحظات مربوط به‌صرفه‌جوئی‌های ارزی در این امر مؤثر بوده است. با درنظر گرفتن مبادلات با کلیه کشورهای سوسیالیست طرف قرارداد موازنه بازرگانی ایران که در سال ۱۳۴۱ دارای ۵/۵ میلیون دلار مازاد بود در سال ۱۳۵۰ دارای ۱۲۶/۴ میلیون دلار کسری شده است و براندازه کسری مزبور بویژه در سالهای آخر دهه مورد بررسی افزوده شده است. در این دهه مناسبات ایران و شوروی بعلت تأسیس ذوب‌آهن آریامهر و همکاریهای فنی و اقتصادی دیگر گسترش یافته است. انتظار میرود با ازدیاد صادرات گاز طبیعی بشوروی پس از تحمل مخارج تولید و مخارج پروژه‌های صنعتی در دست اجرا، کسری موازنه بازرگانی ایران و شوروی تبدیل به‌مازاد شده یا لااقل از اندازه کسری کاسته شود. کل مبادلات ایران با کشورهای مزبور (اعم از صادرات و واردات) که درسال۱۳۴۱ فقط ۵۵/۱ میلیون دلار بود در سال ۱۳۵۰ با ۶/۱۵ برابر افزایش به ۳۳۹/۴ میلیون‌دلار رسید. این رقم مبین اینست که ایران در عین افزایش مبادلات خود با دنیای غرب، کشورهای سوسیالیست طرف قراردادهای پایاپای خود را نیز در مناسبات خود فراموش نکرده است.

* سوم ـ موازنه ارزی صادرات و واردات کالا

در صورتیکه واردات و صادرات ایران بدون نفت در نظر گرفته شود معاملات ارزی ناشی از تجارت کالائی ایران همواره دارای کسری بوده است و این کسری که در سال ۱۳۴۱ معادل ۳۵۷ میلیون دلار بود در سال ۱۳۵۰ به ۱ر۹۴۵ میلیون دلار رسید (جدول شماره ۱۲). بنابراین درصورتیکه نفت‌طبق عقیده‌برخی مقتصدین بصورت یکی از منافع کشور تلقی شود که بعنوان صادرات تلقی‌نگردد موازنه بازرگانی ایران از لحاظ صادرات و واردات کالا منفی است. این امر خاص ایران نیست و تقریباً کلیه کشورهای در حال توسعه نظر به‌احتیاجات‌نسبتاً شدیدی که به‌واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای برای توسعه اقتصادی خود دارند با وضع مشابهی مواجهند. نهایت آنکه هر کشور کسری مزبور را بطریقی تأمین مینماید. برخی چون اسپانیا قسمت اعظم کسر ارز خود را از طریق درآمدهای ارزی توریستی تأمین مینمایند و برخی نیز چون ایران با استفاده از ذخائر غنی معدنی کشور درصدد تأمین آنند. به‌کوششهای ایران در کادر اوپك برای تأمین شرائط بهتری برای فروش نفت قبلا اشاره شد و همواره نیز ایران در زمره کشورهای پیشرو مبارزه با کارتلهای نفتی بوده است. معذالك اگر صادرات نفت را هم که بالاخره چون واقعیتی است و منبع درآمد ارزی برای کشور است درنظر بگیریم وضع موازنه ارزی تجارت کالائی ایران مساعدتر است چه در سالهای ۴۱ تا ۴۳ و سال ۱۳۵۰ دارای مازادموازنه ارزی بوده‌ایم. کسری رو بتزاید موازنه ارزی ایران در سالهای ۴۴ تا ۴۹ ناشی از رشد نسبتاً سریع تقاضا برای واردات جهت انجام برنامه‌های عمرانی توسعه اقتصادی بوده است که خوشبختانه با پیشرفت مذاکرات نفتی تهران در کادر اوپك در سال ۱۳۵۰ تبدیل بمازادی معادل ۱۶۹ میلیون دلار گردید (جدول شماره ۱۲).

جدول شماره ۱۲

موازنه ارزی صادرات و واردات کالا (میلیون دلار)

سال	معاملات ارزی تجارت کالائی: فروش ارز برای واردات (۱)	معاملات ارزی تجارت کالائی: خرید ارز از صادرات غیر نفتی (۲)	معاملات ارزی تجارت کالائی: موازنه (۳) = (۱) − (۲)	دریافتهای ارزی بخش نفت (۴)	موازنه ارزی تجارت کالائی (۵) = (۳) − (۴)
۱۳۴۱	۴۳۸/۹	۸۲/۱	−۳۵۶/۸	۴۳۷/۲	۸۰/۴
۱۳۴۲	۴۴۳/۷	۹۶/۹	−۳۴۶/۸	۴۷۰/۸	۱۲۴/۰
۱۳۴۳	۶۴۲/۷	۸۸/۸	−۵۵۳/۹	۵۵۵/۴	۱/۵
۱۳۴۴	۷۹۱/۱	۱۳۲/۰	−۶۵۹/۱	۶۰۷/۵	−۵۱/۶
۱۳۴۵	۹۵۱/۷	۱۴۳/۸	−۸۰۷/۹	۷۱۵/۸	−۹۲/۱
۱۳۴۶	۱ر۲۰۵/۲	۱۹۷/۵	−۱ر۰۰۷/۷	۸۵۷/۴	−۱۵۰/۳
۱۳۴۷	۱ر۵۲۶/۸	۲۰۸/۱	−۱ر۳۱۸/۷	۹۵۸/۵	−۳۶۰/۲
۱۳۴۸	۱ر۷۲۳/۰	۲۳۱/۳	−۱ر۴۹۱/۷	۱ر۰۹۹/۰	−۳۹۲/۷
۱۳۴۹	۱ر۹۸۰/۲	۲۵۸/۸	−۱ر۷۲۱/۴	۱ر۲۶۸/۴	−۴۵۳/۰
۱۳۵۰	۲ر۳۰۹/۴	۳۶۴/۳	−۱ر۹۴۵/۱	۲ر۱۱۴/۱	۱۶۹/۰

مأخذ: بانك مرکزی ایران، ترازنامه‌ها و گزارشهای سالانه (۱۳۴۹ و ۱۳۵۰) بترتیب صفحات ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۱۷.



پیش‌بینی میشود در صورتیکه واردات ایران مطابق روند خود در دههٔ گذشته زیاد شود، در پایان برنامه عمرانی پنجم (سال ۱۳۵۶) واردات ایران از مرز ۵ میلیارد دلار یا ۴۰۰ میلیارد ریال بگذرد (جدول شماره ۱۳). در این رهگذر و برای تأمین مالی واردات بیشتر که از نظر تسهیل رشد اقتصادی ضروری است چاره‌ای جز کوشش و تقلا برای افزایش صادرات نیست. خوشبختانه اعلان دهه توسعه صادرات واقدامات تشویق‌آمیزی که در این زمینه صورت می‌گیرد، همگام با کوششهای

جدول شماره ۱۳

پیش‌بینی واردات کشور (بفرض رشد سالانه ۱۷ درصد*) برای برنامه پنجم عمرانی

سال	میلیارد ریال	میلیون ریال
۱۳۵۰	۱۵۷/۷	۲٫۰۶۱/۰
۱۳۵۱	۱۸٤/۵	۲٫٤۱۱/۷
۱۳۵۲	۲۱۵/۸	۲٫۸۲۰/۹
۱۳۵۳	۲۵۲/٦	۳٫۳۰۱/۹
۱۳۵٤	۲۹۵/۵	۳٫۸٦۲/۷
۱۳۵۵	۳٤۵/۷	٤٫۵۱۸/۹
۱۳۵٦	٤۰٤/۵	۵٫۲۸۷/٦

* ـ ارقام براساس واردات سال ۱۳۵۰ به‌میزان ۱۵۷/۷ میلیارد ریال و نرخ رشد فرضی ۱۷ درصد در سال که نزدیك به‌متوسط رشد سالانه واردات در دهه گذشته است پیش‌بینی شده‌اند.



صنعت نفت ایران برای نفوذ و رخنه در بازارهای جهانی از نظر توزیع وبازاریابی مستقیم برای نفت و فرآورده‌های نفتی و پیشرفتهای اخیر مملکت در مذاکرات نفتی با کارتلها و تجدید قرارداد نفت با کنسرسیوم مجموعاً آینده‌ای امیدبخش را نوید میدهند، لکن آینده‌ای که در آن باید زحمت بسیار کشید.

در زمینه تشویق صادرات باید قیمت تمام‌شده و هزینه تولید محصولات کشور که امکان صدور مداوم آنان بخارج موجود است با در نظر گرفتن این هدف مورد بررسی قرار گیرد که معین شود عواملی که موجب شده‌اند قیمت این کالاها در بازارهای جهانی قابل رقابت نباشند کدامند. همچنین (همانطور که مورد نظر دولت است) در تأسیس واحدهای صنعتی جدید اولویت به‌صنایعی‌داده شود که در سطح بین‌المللی قادر به‌رقابت از نظر قیمت و کیفیت کالای خود بوده و ظرفیت تولید خود را به‌بازار داخلی ایران محدود ننماید، بعضی از مالیاتهای غیرمستقیم مزاحم و عوارضی که بر برخی صادرات موجود است حذف شود یا تقلیل یابند، صندوق اعتبار و بیمه صادرات که در حال تکوین است تقویت شود. صنایع صادراتی جدید با توجه به‌محصولات معدنی مانند ذوب سرب ومس و روی ـ فروکرم ـ منگز واسفنج آهن تأسیس و تقویت شوند. در قراردادهای پایاپای فشاربیشتری برای افزایش صادرات ایران بعمل آید. نوع و کیفیت تنفیقات بازرگانی موجود در راه صدور محصولات کشورهای در حال توسعه مورد بررسی دقیق قرار گیرند. فعالیتها واقدامات مرکز توسعه صادرات ایران تقویت شود. در سیاستهای تشویق صادارات این مرکز تجدید نظرهای لازم با توجه به‌تفاوت هزینه فروش کالاهای ساخت ایران در مقایسه با قیمتهای بین‌المللی کالاهای مشابه صورت گیرد. مؤسسه استاندارد ایران فعالیتهای خود را برای بهبود استاندارد کالاهای صادراتی ادامه دهد. کاتالوگهای لازم برای شناساندن بهتر و بیشتر محصولات قابل رقابت ایران در عرضه بین‌المللی تهیه شده و در دسترس خریداران احتمالی ایران قرار گیرد. بازارهای شیخ‌نشین‌ها و امارات خلیج فارس که بلحاظ پیش‌بینی درآمد نفت آنان مورد توجه کشورهای دیگری از قبیل انگلستان است از نظر گسترش روابط تجاری ایران مورد بررسی دقیقتری قرار گیرند. در زمینه فراگرفتن روشهای گسترش صادرات با اعزام کارآموز بخارج کوششهای منظم صورت گیرد. شاید در برخی تولیدات تشکیل و یا تقویت اتحادیه‌های صادراتی ضروری باشد. در مقررات و آئین‌نامه‌های مالیات برشرکتها و صدور مجدد برخی از محصولات ایران و واردات از کشورهای مجاور (از قبیل پسته ـ روده ـ پوست وغیره) تفکر و تعمق بیشتری شود. در عین‌حال در مورد واردات تا آنجا که میسر است قسمت قابل توجهی از آن از ممالک سوسیالیست طرف قرارداد تأمین شود. در مخارج ارزی ایران همانطور که در واردات کالاهای تجملی و مصرفی صرفه‌جوئی شده صرفه‌جوئی‌های ارزی بیشتری اعمال شود. خریدهای دولتی از خارج که رشد آن قسمت عمده رشد واردات کشور را تشکیل میدهد مورد بررسی دقیق قرار گیرد. مقررات عمومی صادرات و واردات کشور که اکنون یکی از وسایل مؤثر تنظیم و تسریع رشد اقتصادی کشور است از مسئله تأمین بیشتر نیازمندیهای مالی دولت مجزا شود و ضمن حفظ وضع موجود برای ایجاد نظم و رعایت اعتدال بیشتر به‌ویژه در جهت تأمین منافع مصرف‌کننده، بهبود نوع و ارزانی بهای تمام شده محصول همت و کوشش شود بنحویکه در مجموع اقدامات ایران در راه نیل به‌موازنه ارزی بهتر ثمربخش‌تر شود.

مهندس امیرشاپور شاهین

رشد صنایع در



دهسال گذشت. اینبار چرخهای سنگین و عظیم اقتصاد ایران با جلوه‌ای پرشکوه بحرکت در آمد و راههای سخت و ناهموار پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ایران را پشت سر گذاشت. در دهسالی که گذشت، از میان بخش‌های اقتصاد، مانند بخش کشاورزی ـ بخش ساختمان ـ بخش بازرگانی ـ بخش نفت ـ بخش حمل ونقل و مانند آن، شاید بالاترین موفقیت‌ها نصیب «بخش صنایع» شده است.

بخش صنایع در میان سایر بخش‌های اقتصاد، دارای امتیازات برجسته‌ایست‌که ازآن‌میان میتوان امتیازات زیرراناِم‌برد:

۱ـ درآمد سرانه کارگری در بخش صنایع نسبتاً بالاتر از سایر بخش‌ها است و بدین ترتیب رشد صنایع، نوعی تعدیل در توزیع درآمد بوجود میآورد.

۲ـ مهارت، دانش فنی، و ارتقاء تفکر فنی و علمی در بخش صنایع نسبتاً بیشتر از سایر بخش‌ها وجود دارد وبدین ترتیب‌میزان بهره‌وری‌کارگری دراین‌بخش باعث ارتقاء بهره‌وری وتفکرفنی درسایر بخش‌ها میشود.

۳ـ رشد بخش صنایع باعث میشود، یك سلسله تاثیرات زنجیره‌ای دامنه‌دار در سایر بخش‌ها بوجود آید و مثلا هرگاه تولید در رشته «ذوب فلزات» بالا رود، تاثیر موج‌دار این رشد تولید، حتی در

بخش‌های دور افتاده مانند بخش حمل و نقل ـ بخش کشاورزی ـ یا رشته چاپ‌نیز بظهور میرسد و بعبارت دیگر رشد یک رشته از تولید باعث ایجاد رشد، در بخش‌های دیگر اقتصاد میشود.

۴ـ کشورهای مختلف جهان ایجادنظم تولید و نظم کارگری را از بخش صنایع شروع کرده و به سایر بخش‌ها تسری داده‌اند.

۵ـ نگاهداشت و پاسداری بخش صنایع باعث ایجاد استقلال اقتصادی‌کشور است و در پایان باعث ایجاد درآمدهای صادراتی برای واردات خواهد بود. بخش کشاورزی معمولا وابستگی به وضع جوی دارد و برای بخش معادن نیز بیم استهلاک وجود دارد، و نیز تنها چند کشور در جهان وجود دارند که سهم عمده درآمد ملی آنها از بخش‌های خدمات یابازرگانی است، در حالیکه بخش صنایع، کشور را نه تنها از اتکاء بمنابع خارجی مستقل میکند، بلکه‌پنجه‌های‌نفوذاقتصادی کشوررا در اقتصاد سایر کشورها، رسوخ میدهد.

در زیر سعی میکنیم نتیجه عملکرد صنایع کشور را توأم با آمار و ارقام بررسی کنیم.

جدول زیر در یک نگاه کلی، کارنامه بخش صنایع کشور را در دوران انقلاب نشان میدهد:



آمار اساسی بخش صنایع کشور در دهه انقلاب

اقلام	سال ۱۳۴۱	سال ۱۳۵۱	واحد	رشد سالانه درصد	چندبرابر شده
ارزش تولیدات صنعتی (بقیمت جاری)	۸۵/۷	۵۰۸/۹	میلیارد ریال	۱۹/۵	۵/۹
ارزش تولیدات صنعتی (بقیمت ثابت سال ۴۱)	۸۵/۷	۴۰۴/۰	میلیارد ریال	۱۶/۸	۴/۷
ارزش افزوده دربخش صنایع (بقیمت جاری)	۳۶/۴	۱۶۲/۰	میلیارد ریال	۱۶/۱	۴/۵
ارزش افزوده (بقیمت ثابت سال ۴۱)	۳۶/۴	۱۳۲/۰	میلیارد ریال	۱۳/۷	۳/۶
اضافه سرمایه‌گذاری سالانه در صنایع (بقیمت جاری)	۳/۲	۶۵/۰	میلیارد ریال	۷/۴	۲۰/۳
کل سرمایه موجود پس از استهلاك (بقیمت جاری)	۴۵/۵	۳۲۷/۰	میلیارد ریال	۲۲/۰	۷/۲
تعداد کارخانجات بزرگ	۳	۶	هزار کارگاه	۷/۲	۲/۰
تعداد کارکنان کارخانجات بزرگ	۱۳۲	۳۰۰	هزار نفر	۹/۶	۲/۳
تعداد کل کارگاههای صنعتی شهرهای کشور	۱۰۱	۲۲۵	هزار کارگاه	۸/۳	۲/۲
تعداد کارکنان بخش صنایع	۱۰۳۸	۱۷۰۰	هزار نفر	۵/۱	۱/۶
مصرف‌کالاهای صنعتی (بقیمت جاری)	۱۱۸/۳	۶۶۳/۹	میلیارد ریال	۱۸/۸	۵/۶





آمار اساسی اقتصاد کشور در دهه انقلاب

اقلام	سال ۱۳۴۱	سال ۱۳۵۱	واحد	رشد سالانه درصد	چند برابر شده
ارزش کل واردات (بقیمت‌های جاری)	۴۱/۹	۱۸۰/۰	میلیارد ریال	۱۵/۷	۴/۳
ارزش کل صادرات (بقیمت‌های جاری) (غیرنفتی)	۸/۶	۳۵/۰	میلیارد ریال	۱۵/۱	۴/۱
برآورد تولید ناخالص ملی (بقیمت‌های جاری)	۳۴۷/۰	۱۱۴۹/۰	میلیارد ریال	۱۲/۷	۳/۲
برآورد تولید ناخالص ملی (بقیمت ثابت سال ۳۸)	۳۲۲/۰	۹۰۰/۰	میلیارد ریال	۱۰/۷	۲/۸
جمعیت ایران	۲۲/۸	۳۱/۲	میلیون نفر	۳/۰	۱/۳۶
تولید ناخالص ملی سرانه (بقیت‌های جاری)	۱۵۲۱۹	۳۶۸۰۰	میلیارد ریال	۹/۰	۲/۴



بطوریکه در جدول قبل ملاحظه میشود در دهساله گذشته سرمایه موجود در بخش ۷/۲ برابر ـ تولیدات صنعتی ۵/۹ برابر ـ تعدادکارکنان کارگاههای صنعتی شهرها ۲/۲ برابر و تعداد کارخانجات بزرگ ۲ برابر شده است.

بدنیست بدانیم‌که در دهسال‌گذشته تولید ناخالص ملی (که صورتی از درآمد ملی است) و «تولید ناخالص ملی سرانه» و صادرات و واردات و جمعیت کشورنیز تغییر یافته است: جدول صفحه ۴۵

و همانطورکه ملاحظه میشود فعالیت ایران در بازارهای جهانی صادرات و واردات ظرف دهساله‌گذشته ۴ برابر و تولید ناخالص ملی ۳/۲ برابر شده و در حالیکه جمعیت کشور ۳۶ درصد بالارفته است، درآمد متوسط یك ایرانی نیز ۲/۴ برابر ترقی نموده است.

اکنون شکل تغییرات ساختمانی را در دهساله‌گذشته مورد مطالعه قرار میدهیم.

* ۱ـ استقلال اقتصادی و اتکاء بمنابع داخلی

نسبت تولیدات صنعتی به‌واردات در سال ۴۱ معادل ۲/۰ بوده، در حالیکه این نسبت در سال ۵۱ به ۲/۸ رسیده است. درعین‌حال نسبت ارزش افزوده بخش صنایع به‌تولید ناخالص ملی کشور بالا رفته و این نسبت از ۱۰/۴ درصد به ۱۴/۵ درصد رسیده و بعبارت دیگر اتکاء درآمد ملی به‌بخش صنایع بیشترشده‌است.

* ۲ـ تشکیل سرمایه

در سال ۴۱ برای هرکارگر صنعتی ۴۴ هزار ریال سرمایه در صنایع وجود داشت، در حالیکه در سال ۵۱ این رقم به ۱۹۲ هزار ریال رسید. این بعلت آن بوده که در سال ۴۱ فقط حدود ۱ درصد از تولید ناخالص ملی سالانه بمصرف سرمایه‌گذاری در صنایع میرسید، ولی در سال ۵۱ این رقم به ۶ درصد افزایش یافت.

قبل‌از سال ۴۱ سرمایه‌گذاران خارجی رغبتی به‌سرمایه‌گذاری در ایران نشان نمیدادند. در حالیکه تا سال ۵۱ معادل ۹ میلیارد ریال سرمایه خارجی در ایران بکار افتاده است.

* ۳ـ اعتلاء بهره‌وری کارگری

در سال ۴۱ هرنفر ازکارکنان بخش صنایع فقط معادل ۸۳هزار ریال‌کالا تولید میکرد. در سال ۵۱ هرکارگر معادل ۳۰۰ هزار ریال‌کالا تولید میکند، ارزش افزوده سرانه نیز که معادل ۳۵ هزار ریال بوده به ۹۵ هزار ریال اعتلاء یافته است و بهمین ترتیب سهم مزد سرانه کارگران صنعتی شهرها نیز حدود ۲ برابر بالارفته است.

* ۴ـ پیشرفت‌تکنولوژی

در سال ۴۱ برای بوجودآوردن یکریال



«ارزش افـزوده» میبـایستـی ۱/۲ ریـال «سرمایه» وجود میداشت. در حالیکـه در سال ۵۱ برای ایجاد یکریال ارزش افزوده سرمایه‌ای معادل ۲/۰ ریـال لازم است و این نشانه اتخاذ شیوه‌ها و تکنیک‌های نو صنعتی میباشد. تعداد اختراعات ثبت شده دهساله‌گذشته نشان میـدهد کـه چگونه هـرروز تکنیك جدیدی به‌صنـایع کشور عرضه شده است.

* ۵ـ اشتغال

در سال ۴۱ از هریکصد نفر جمعیت کشور ۴/۵ نفر در بخش صنایع مشغول کاربودند درحالیکه درسال ۵۱ ازهریکصد نفـر جمعیت کشور ۵/۵ نفـر در بخش صنایع مشغول کار هستند و طبعاً درآمـد نسبی بیشتری‌هم پیـدا کرده‌اند. همپـای کارخانجات و کارگاههای کوچك، صنایع دستی کشور نیز در دهسال‌گذشته بطـور شگفت‌انگیزی میزان اشتغال را بالابـرده است.

* ۶ـ نظم تولید

در سال ۴۱ در مقابل هریکصد ریال ارزش تولیدات صنعتی ۴۲ ریال بعنوان ارزش‌افزوده برداشت میشدکه قسمت‌اعظم آن سود بود. در سال ۵۱ این رقم به ۳۲ ریال رسیـده کـه قسمت‌اعظم آن «مـزد کارگران» است. تغییر این نسبت نشانه جهت‌یافتن تولید دستی به‌تولید ماشینی و بهبود کیفی مواد خـام صنایع در مقابل بالارفتن حجم نسبی تولید میباشد.

یکی از مظاهر عجیب نظم در بخش صنایع ظهورغولهای عظیم‌صنعتی بصورت «گروه صنعتی» بود. در دهه‌گذشته چندین گروه صنعتی (مانند بهشهر ـ شهریار ـ پارس ـ آریا ـ جنرال ـ کاوه ـ ملی و غیره) برای اولین‌بار قدم بعرصه اقتصاد گذاشتند. تنها گـروه صنعتی «کی‌بی‌سی» سالانه ۴۵۰ محصول شیمیائی‌تولید می‌کند کـه غالب این محصولات در سال ۴۱ از خارج وارد میشد. از مظاهر دیگر، میتوان رشد مدیریت صنعتی را نام برد در دهه گذشته بیش‌از چندین هـزار مدیـر برای اداره واحدهای کوچك و بزرگ صنعتی کشور آموزش دیده‌اند.

* ۷ـ نفوذ دربازارهای بین‌المللی

بین سالهای ۴۱ و ۵۱ نسبت صادرات غیرنفتی بتولید ناخالص ملـی از ۲/۵ درصد به ۳/۱ درصد رسیده است. اگر هرایرانی در سال ۴۱ معادل ۳۳۷ ریال بخارج صادرات داشت، در سال ۵۱ هـر ایرانی معادل ۱۱۲۲ ریال صادرات بخارج دارد واین‌نشانه بسط وگسترش بازارهای کالاهای ایرانی در خارج است.

در سال ۴۱ فقط ۱۳ درصد ازکـل صادرات غیـرنفتـی را کـالاهای صنعتی



تشکیل میداد. این نسبت در سال ۵۱ به ۲۴ درصد رسیده است و این براثر بین‌المللی‌بودن قیمت‌های تولید و استانداردشدن کالاهای صنعتی در دهه گذشته میباشد.

* ۸ـ قوه خرید مردم

در حدود ۵۰ درصد مصرف روزانه خانوارهای ایرانی را کالاهای صنعتی تشکیل میدهد. مصرف سرانه کالاهای صنعتی در سال ۴۱ معادل ۵ هزار ریال و در سال ۵۱ به‌حدود ۲۱ هزار ریال رسیده است. بعبارت دیگر، اگر مصرف را معادل تولید بعلاوه واردات منهای صادرات بگیریم، در سال ۵۱ هرایرانی ۴ برابر سال ۴۱ مصرف کالاهای صنعتی دارد و برای خرید آنها پول پرداخت میکند و این نشانه خوبی از اعتلاء قوه خرید مردم است.

* فعالیت‌های صنعتی

در دهسال‌گذشته فعالیتهای صنعتی در چهار بعد بشرح زیر توسعه یافت

بعد اول ـ تعداد کارخانجاتیکه یك محصول معین (مانند قند و شکر) را تولید میکنند اضافه شد.

بعد دوم ـ کارخانه‌هائیکه یك‌محصول معین را تولید میکنند ظرفیت خود را توسعه دادند.

بعد سوم ـ کارخانه‌هائیکه یك‌محصول معین را تولید میکردند و برای تولید آن محصول کالاهای واسطه از طریق واردات بداخل کشور وارد میکردند، کالاهای واسطه موردنیاز را خود رأساً درکارخانه ساختند تا احتیاج به‌واردکردن آن کالاها نباشد. (مثلا موتور بنزینی اتومبیل که قبلا وارد میشد) این حالت را در اصطلاح علمی «ژرفاگرائی تولید» مینامند.

بعد چهارم ـ هرگاه محصولات مختلفی درکشور تولید میشد که مجموع آنها یك محصول جدید دیگر را میتوانست تولید کند، آن محصول جدید در کشور بوجود آمد. مثلا درکشور ما محصولاتی مانند «زاج» و «باگاس» وجود داشت و بعداز راه‌افتادن کارخانجات پتروشیمی «سود سوزآور» نیز درکشور تولید شد. مجموع این سه محصول ما را قادر کرد که اقدام بتأسیس‌کارخانه «کاغذسازی اهواز» کنیم. این حالت را در اصطلاح علمی «فراگرائی تولید» مینامند.

* رشد تولیدات

از نظر تولید، فعالیت ماشین‌سازی در دهسال‌گذشته رشد چشمگیری پیدا کرده است زیرا ارزش تولیدات صنایع ماشین‌سازی در سال ۴۱ بسیار ناچیز و فقط معادل ۰/۵ میلیارد ریال بود، در حالیکه این رقم تا پایان سال ۵۱ بحدود ۲۵/۳ میلیارد ریال خواهد رسید و این در اثر



بسط کارخانجات ماشین‌سازی در چندساله اخیر است.

صنایع شیمیائی و پتروشیمی نیز از رشد بالائی برخوردار بوده است. در سال ۴۱ ارزش تولیدات صنایع شیمیائی معادل ۴/۲ میلیارد بود کـه این رقم در پایان سال جاری بحـدود ۴۰/۰ میلیارد ریال خواهد رسید، و بعبارت دیگر در دهساله گذشته ارزش تولیدات شیمیائی و پتروشیمی کشور ۹/۵ برابر شده است.

ارزش تولیدات صنایع فلزی وفلزات اساسی و صنایع سلولزی نیز ۷ برابر و ارزش تولیدات صنایع غذائی ـ نساجی وسائط نقلیه بیش‌از ۵ برابر شده است.

در جدول زیر تولیدات صنعتی کشور طی دهساله‌گذشته نشان داده شده است.

ارزش تولیدات صنعتی در سالهای ۴۱ و ۵۱

فعالیت	سال ۱۳۴۱	سال ۱۳۵۱	رشد تولید سالانه	چند برابر شده
غذائی ـ آشامیدنی ـ دخانیات	۳۱/۵	۱۶۸/۰	۱۸/۳	۵/۳
نساجی و پوشاك	۲۴/۶	۱۳۷/۷	۱۸/۸	۵/۶
سلولزی ـ کاغذ ـ چاپ ـ چوب و مبل	۳/۴	۲۴/۰	۲۱/۵	۷/۱
چرم و پوست	۱/۹	۴/۹	۹/۹	۲/۶
شیمیائی و لاستیك و نفت	۴/۲	۴۰/۰	۲۵/۲	۹/۵
معدنی غیرفلزی	۵/۲	۲۰/۷	۱۴/۸	۴/۰
فلـزات اساسی و محصولات فلزی	۶/۶	۴۷/۰	۲۱/۷	۷/۱
ماشین‌های غیربرقی	۰/۱	۶/۳	۵۱/۰	۶۳/۰
ماشینهای برقی	۰/۴	۱۹/۰	۴۷/۰	۴۷/۵
وسائط نقلیه	۷/۱	۳۷/۳	۱۸/۱	۵/۳
متفرقه	۰/۷	۴/۰	۱۹/۱	۵/۷
جمع صنعت	۸۵/۷	۵۰۸/۹	۱۹/۵	۵/۹



مقدار تولید بعضی کالاهای عمده صنعتی در سالهای ۴۱ و ۵۱

نوع‌کالا	واحد	سال ۴۱	سال ۵۱ (برآورد)	رشد متوسط سالانه	چندبرابرشده
انواع سواری	دستگاه	۱۵۲۶	۴۹۴۰۰	۴۱/۰	۳۲/۴
اتوبوس و مینی‌بوس	دستگاه	۲۱۲	۳۰۵۰	۳۱/۰	۱۴/۴
کامیون	دستگاه	۲۳۸	۳۰۹۴	۳۰/۰	۱۳/۰
تریلی	دستگاه	۶۶۸	۱۹۲۸	۱۱/۲	۲/۹
انواع یخچال	هزار دستگاه	۰/۲	۱۸۷	۱۰۰/۰	۱۲۸۹/۷
انواع آبگرمکن	هزار دستگاه	۱۵/۴	۵۰/۰	۱۲/۵	۳/۲
کولر	هزار دستگاه	۱/۶	۹۹/۰	۵۲/۰	۶۱/۹
تلویزیون	هزار دستگاه	۰/۶	۱۷۰/۰	۷۵/۲	۲۸۳/۳
رادیو و رادیوگرام	هزار دستگاه	۸/۶	۱۷/۵	۳۵/۲	۲۰/۳
کلید و پریز	میلیون عدد	۳/۰	۲۱	۲۱/۳	۷/۰
لاستیك روئی	تن	۲۷۹۴	۲۷۱۷۴	۲۵/۲	۹/۷
لاستیك توئی	تن	۱۹۲	۱۴۲۴	۲۲/۰	۷/۴
پروفیل آهن	هزارتن	۳/۵	۱۵۰/۰	۴۵/۵	۴۲/۹
پروفیل آلومینیوم	هزارتن	۰/۴	۵/۲	۳۰/۰	۱۳/۰
سیمان	هزارتن	۶۶۸	۳۶۰۰	۱۸/۳	۵/۴
کاشی	میلیون‌مترمربع	۰/۲	۳/۲	۳۰/۶	۱۳/۹
رنگ	هزارتن	۲/۸	۲۴/۰	۲۴/۰	۸/۶
پودر لباسشوئی	هزارتن	۳/۱	۸/۹	۴۰/۰	۲۸/۷
دستمال کاغذی	تن	۳۱۸	۴۲۰۰	۳۰/۰	۱۳/۲
قند و شکر	هزارتن	۱۶۳	۶۲۰	۱۴/۳	۳/۸
بیسکویت	تن	۵۶۶۲	۲۹۳۰۰	۱۷/۹	۵/۲
باطری خشك	میلیون عدد	—	۸۵	—	—
باطری تر	هزار عدد	—	۷۰۰	—	—
لامپ و روشنائی	میلیون عدد	—	۳	—	—
دستگاه مرکزی تلفن	هزار دستگاه	—	۵۲	—	—
تلفن	هزار دستگاه	—	۹۵	—	—
تراکتور	هزار دستگاه	—	۵	—	—
تیلر	دستگاه	—	۲۳۰۰	—	—
سود سوزآور	هزارتن	—	۲۴	—	—



* کالاهای صنعتی

کالاهای صنعتی نه‌تنها ازنظر کمی رشدیافته بلکه از نظر کیفی و رعایت استانداردها نیز پیشرفت زیادی داشته است.

بالاترین رشد تولیدات صنعتی دهسال گذشته، ازآن تولید یخچال بوده است. در سال ۴۱ فقط ۲۰۰ دستگاه یخچال تولید شده، درحالیکه این رقم در سال ۵۱ به ۱۸۷ هزار دستگاه رسیده است.

تلویزیون نیز فقط ۶۰۰ دستگاه مونتاژ میشده که در سال ۵۱ ساخت آن به ۱۷۰ هزار دستگاه میرسد. تولید کالاهای عمده صنعتی مانند اتومبیل سواری - کامیون - اتوبوس - کولر - پروفیل‌آهن و آلومینیوم - پودر لباسشوئی - رادیو و رادیوگرام - دستمال کاغذی - کاشی - لاستیك - رنگ - کلید و پریز و لوازم برقی و امثال آن از رشد چشمگیری برخوردار بوده است.

در دهساله اخیر برای نخستین‌بار تولید تعداد زیادی کالاهای صنعتی در داخل کشور شروع شد. در سال ۴۱ کالاهائی مانند آهن ذوب‌شده - تراکتور - تیلر - باطری تر - باطری خشك - لامپ روشنائی - دستگاه تلفن - دستگاه مرکزی تلفن - سود سوزآور و بسیاری کالاهای دیگر در داخل کشور تولید نمیشد، و این گروه کالاها فقط از طریق واردات از خارج خریداری میشد، درحالیکه در سال ۵۱ احتیاجات کشور بوسیله ساختن این کالاها در داخل تا حدود زیادی برطرف شده است.

جدول صفحه‌قبل تولید کالاهای عمده صنعتی را در سالهای ۴۱ و ۵۱ نشان میدهد.

* سرمایه موجود در صنایع

در سال ۱۳۴۱ کل سرمایه موجود بالغبر ۴۶/۷ میلیارد ریال برآورد شد. این مبلغ در اثر سرمایه‌گذاریهای بزرگ مانند ذوب‌آهن - ماشین‌سازی‌ها و کارخانجات پتروشیمی و سایر واحدهای بزرگ در سال ۱۳۵۱ بحدود ۳۲۶/۹ میلیارد ریال بالغ شد، و بعبارت دیگر موجودی سرمایه در طول دهسال‌گذشته ۷ برابر شد. حدود ۳۰ درصد سرمایه‌گذاری در تهران و ۷۰ درصد در شهرستانها (اصفهان - خوزستان و سایر نقاط‌کشور) انجام شده است.

قسمت‌اعظم سرمایه‌گذاری‌ها در رشته صنایع فلزی - صنایع غذائی - صنایع شیمیائی - صنایع نساجی وصنایع وسائط نقلیه انجام شده است. بعنوان مثال سرمایه‌گذاری درصنایع پتروشیمی شاهپور و آبادان حدود ۸۲۶ میلیون تومان - در کاغذسازی اهواز حدود ۱۰۲ میلیون تومان - در لوله‌سازی اهواز حدود ۱۰۲ میلیون تومان و درکارخانه تلفن‌سازی حدود ۴۱ میلیون تومان بوده است.

در جدول زیر آمار سرمایه موجود در صنایع نشان داده شده است.



آمار سرمایه موجود در صنایع (میلیارد ریال)

فعالیت	سال ۱۳۴۱	سال ۱۳۵۱ پس‌از محاسبه استهلاك	رشد سرمایه‌گذاری سالانه	چند برابر
صنایع غذائی ـ آشامیدنی ـ دخانیات	۲۰/۵	۶۵/۹	۱۲/۴	۳/۲
صنایع نساجی و پوشاك	۱۱/۸	۴۷/۲	۱۴/۹	۴/۰
صنایع سلولزی ـ کاغذ ـ چاپ ـ چوب و مبل	۱/۳	۲۰/۹	۳۲/۰	۱۶/۱
صنایع چرم و پوست	۰/۵	۸/۴	۳۲/۱	۱۶/۸
صنایع شیمیائی و لاستیك و نفت	۲/۲	۴۶/۲	۳۵/۸	۲۱/۰
صنایع معدنی غیرفلزی	۵/۹	۲۰/۵	۱۳/۳	۳/۵
صنایع فلزات اساسی و محصولات فلزی	۲/۰	۷۹/۲	۴۴/۵	۳۹/۶
صنایع ماشین‌های غیربرقی	۰/۴	۱۰/۳	۳۸/۱	۲۵/۷
صنایع ماشینهای برقی	۰/۳	۶/۷	۳۶/۵	۲۲/۳
صنایع وسائط نقلیه	۱/۷	۲۰/۰	۲۸/۰	۱۱/۸
صنایع متفرقه	۰/۱	۱/۶	۳۲/۰	۱۶/۰
جمع صنعت	۴۶/۷	۳۲۶/۹	۲۱/۵	۷/۰

*** کارگران بخش صنایع**

در طول دهساله گذشته در رشته‌های نساجی و پوشاك ـ سلولزی ـ فلزی ـ شیمیائی ـ ومعدنی غیرفلزی وماشین‌آلات تعدادکارگران بطورنسبی بسیار زیاد شده است.

در دهساله‌گذشته ۶۵۷ هزار شغل جدید در بخش صنایع ایجاد شده و بعبارت دیگر سالانه حدود ۵/۴ درصد به‌تعداد کارگران صنعتی اضافه شده است.

در جدول زیر آمار اشتغال بخش صنایع در سالهای ۴۱ و ۵۱ نشان داده شده است:



آمار اشتغال بخش صنایع در سالهای ۴۱ و ۵۱ (هزارنفر)

فعالیت	سال ۱۳۴۱	سال ۱۳۵۱	رشد اشتغال سالانه	چندبرابرشده
غذائی- آشامیدنی- دخانیات	۱۳۸/۴	۱۹۱/۷	۳/۳	۱/۴
نساجی و پوشاك	۶۹۶/۴	۹۳۹/۵	۳/۱	۱/۳
کاغذ - چاپ - چوب و مبل	۳۶/۰	۱۱۶/۲	۱۲/۴	۳/۲
چرم و پوست	۴/۲	۲۰/۳	۱۷/۰	۴/۸
شیمیائی و لاستیك و نفت	۳۸/۰	۸۸/۲	۸/۸	۲/۳
معدنی غیرفلزی	۳۲/۴	۷۲/۲	۸/۳	۲/۲
فلزات اساسی و محصولات فلزی	۴۶/۱	۱۳۹/۰	۱۱/۶	۳/۰
ماشینهای غیربرقی	۴/۷	۱۶/۲	۱۳/۲	۳/۴
ماشینهای برقی	۴/۱	۳۳/۷	۲۳/۵	۸/۲
وسائط نقلیه	۳۰/۹	۷۴/۹	۹/۳	۲/۴
متفرقه	۷/۳	۲۳/۴	۱۲/۳	۳/۲
جمع صنعت	۱۰۳۸/۵	۱۷۱۵/۳	۵/۴	۱/۷

*** ساختمان فعلی صنایع کشور**

در سال ۱۳۵۱ در کشور حدود ۲۲۵ هزار مؤسسه صنعتی کوچك وبزرگ وجود دارد که در ۵۸۵۰ مؤسسه تعداد شاغلان از ۱۰ نفر بیشتر است و فقط ۷۲ کارخانه آن دولتی است.

در همین سال در ۳۴ کارخانه تعداد شاغلان از ۱۰۰۰ نفر بیشتر است. درمیان این ۳۴ کارخانه ۲۱ کارخانه نساجی و فرش - ۴ کارخانه سازندهٔ مواد غذائی و ۴ کارخانه سازندهٔ لوازم‌خانگی وجود دارد.

در سال ۵۱ تعداد ۱۲۶ کارخانه وجود دارد که سرمایه ثابت آنها از ۲۰۰ میلیون ریال بالاتر است.

نقاط تمرکز صنایع ایران از نظر جغرافیائی بترتیب عبارتند از تهران - اصفهان - اهواز - تبریز - مشهد - اراك - شیراز و سایر نقاط صنعتی کشور.

ارزش تولیدات صنعتی در دهات معادل ۲۳ درصد تولیدات کل کشور برآورد میشود و رشد تولیدات صنعتی سال ۱۳۵۱ از ۱۵ درصد متجاوز خواهد بود.

شرح فوق مختصری از عملکرد بخش صنایع کشور در دهه انقلاب است. شك نیست که پایه‌های یك اقتصاد سالم صنعتی در دهساله گذشته ریخته شده و در دهساله آینده بخش صنایع با چرخهای روغن‌زده بیش‌ازپیش رشد خواهد کرد و کشور را بدروازه‌های «تمدن‌بزرگ» خواهدرسانید.

از: دکتر کاظم ودیعی
استاد دانشگاه تهران



پیشینه بهره‌برداری‌های کانی در ایران بزمان‌های دور می‌کشد. اما از شناخت و کشف علمی کان‌ها و استخراج واقعی و تجاری آنها نیمقرنی یا حداکثر قرنی بیش نمی‌گذرد. بی‌تردید ساکنان فلات ایران در بهره‌کشی از مواد و مصالح پیرامون خود نخست ارژیل Argile را برگزیدند که آسان به استخراج و استفاده و مساعد هرگونه شکل‌دهی بود. ویژه آن نوع ارژیل که بفارسی گل بوته Argile Refractaire نام داشته است و در اطراف قزوین و بی‌بی‌شهربانو (تهران) نوع آهن دار آنرا خوب میشناسیم. اما بهره‌برداری از مواد معدنی سخت‌تر محتاج دانشی برتر و بهره‌برداری از مواد کانی موجود در اعماق کم و زیاد زمین نیازمند تکنولوژی پیشرفته و آگاهی‌ها و پژوهشهائی سیستماتیك بود که نخستین آنها جز در حدود یکقرن پیش در ایران صورت نگرفت. بنظر میرسد که در میان فلزات مس در ایران استخراجی قدیم دارد و پس از آن سرب و فیروزه و ترکیبات کبالت وسنگ آهن استخراج شده است. صنایع استخراجی از قرن ۱۶ بضعف رو کرد ولکن سرب و خاصه سنگ‌سرب سفید همیشه استخراجش ادامه داشته است. همچنین سنگ آهن‌های سطحی در بعضی نقاط چون مازندران و سرب در حوالی طارم (تلانکوه) کم و بیش استخراج می‌شده است.

حدود هفتاد سال قبل گزارشی از هیأتی علمی در باب زمین‌شناسی و جغرافیای شمال و مغرب ایران در فرانسه منتشر شد که نام پر آوازه نویسنده آن ژاك دومرگان J.de Morgan[1] برای اعتبار آن کافی است. رئیس این هیأت در پایان گزارش خود یادداشتی از بعض مواد معدنی موجود در ایران بدست میدهد که طی آن عدد کانی‌های مهم و ارزنده و قابل بهره‌برداری ایران بـه‌حدود ۲۷ ماده بشرح زیر بالغ میشود.

۱- ژاك دومرگان - مهندس معدن و زمین‌شناس و باستان‌شناس فرانسوی قریب ۱۱ سال در ایران به انواع اکتشافات جغرافیائی و پژوهش‌های معرفت‌الارضی و باستانشناسی دست زد. قلعه زیبائی که امروز در شوش هست بنام و یادگار اوست. تاکنون ۴ اثر از وی بفارسی برگردانده شده است.



«عقیق ـ نقره ـ قیر یا زفت رومی ـ مومیائی ـ زغال‌سنگ ـ مس ـ آب معدنی (چشمه‌های آبگرم) ـ آبهای زاجی ـ آبهای آهن‌دار ـ جوشان (آبهای گازی آهن‌دار) ـ آبهای معدنی نمکین (شوراب سولفات دوسودداز) ـ آبهای گوگردی ـ سرب ـ لاجورد ـ لینیت مرمر سر (مالاکیت Malachite) ـ منگانز (سنگ سیاه) ـ مرمر قلع (قصدیر به‌سانسکریت kastiro)! ـ نفت ـ طلا ـ سنگ‌یا ـ سنگ سماق ـ کوارتز (در کوهی) ـ گوگرد ـ گل رس (بوته) ـ روی ـ فیروزه.

بعهدی که دومرگان در ایران تحقیق می‌کرده معادن ایران غالباً بحالت وقفه افتاده و متروک مانده بوده‌اند، معهذا اشارات علمی او که در اینجا مجال ذکرشان نیست یادآور شناخت وسیع مردم از منابع معدنی ایران است. در همان زمان ما در ایران آهن و مس و روی و منگنز و سرب و نقره را بصورت گونه‌گون تولید و غالباً مواد معدنی را مجاور مواد سوختنی میداشته‌ایم. همچنین باستناد منابع ایرانی و فرنگی و باستناد شواهد موجود مرمر و مرمر خام و شیست لوح وخارا و نیز کم و بیش مورد استخراج بوده‌اند. لکن چنان رکودی از لحاظ اقتصادی بر مملکت غلبه داشته است که برای محققان فرنگی مایه اعجاب شد و فی‌المثل دومرگان گوید «در منطقه‌ای که سابقاً بعهد هخامنشیان و پارت‌ها و ساسانیان کلید منابع معدنی بهره‌برداری میشده مشکل است تا این پایه شاهد تنزل صنعت باشیم......»

بنابراین ضعف فنی و مالی تا سه ربع قرن پیش ما را جز به بهره‌برداری از گل و بعض معادن سطحی توانائی داشت و امکان نداشتیم تا بسراغ معادن عمقی اعم از شکافی Gite Fracturé و یا مطبق Gite Stratifié برویم.

منابع رسمی و غیررسمی ایران در حدود نیمقرن قبل از معادنی معلومه نام می‌برند که انواع آنها بهمان میزان است که فوقاً باستناد منابع فرنگی یادآور شدیم. از آنجمله مرحوم مسعود



کیهان در جغرافیای اقتصادی ایران[1] به معادن معلومه‌ای بدین شرح: «زغال سنگ ـ آهن ـ مس سرب ـ نقره ـ فیروزه ـ نفت طلا ـ اکسید دوف ـ یاقوت سوخته ـ نمك ـ سولفات دوسود ـ سنگ آسیا ـ خاك چینی ـ زاج سفید ـ گل سفید ـ گل سرشور ـ لاجورد ـ گوگرد ـ آبهای‌معدنی ـ زرنیخ شوره ـ مرمر ـ سنگ‌تراش ـ سنگ سبز ـ کات‌کبود ـ پنبه کوهی ـ طلق ـ مومیائی» اشاره می‌کند که گرچه در این باره از گزارش دومرگان و گزارش دکتر بنه[2] متأثر است اما از تعداد نام معادنی که ذکر می‌کند گسترش فعالیت‌های اکتشافی و استخراجی در ایران در چهل و پنجاه سال قبل به نسبت پیش از آن مشهود است.

استخراج معادن و عمل‌آوردن مواد معدنی در تاریخی که ذکر شد یعنی حدود نیمقرن پیش بس مقدماتی و بی‌پایه و مایه بود و منابع رسمی دال براین حقیقت‌اند که فی‌المثل واردات مس ۱۵ برابر بیش از صادرات آن است. همچنین بوده است در باب سرب.

دکتر پلاك[3] حدود یك قرن و ربع پیش گزارشی دارد در باب ایران که درآن اشاراتی می‌کند به اینکه کمتر کشوری در جهان از حیث معدن و مواد معدنی می‌تواند با ایران برابر باشد و اینك بسبب بی‌نظمی‌ها و فقدان راه و دیگر وسایل فنی است که این معادن متوقف‌اند و این ثروتها خفته. شصت سال پس از او محقق ایرانی آقای جمالزاده در گنج شایگان[4] انواع معادن موجود ایران را چنین نام می‌برد «مس ـ آهن ـ زغال سنگ ـ سرب ـ روی ـ نیکل ـ زاج ـ جیوه ـ املاح ـ نقره ـ طلای سفید ـ نفت ـ فیروزه» و می‌افزاید که تنها نفت و فیروزه‌اند که بکار انداخته شده‌اند.

این گزارش معتبر مستند است به بسیاری از مراجع دست اول خارجی از محققان و زمین‌شناسانی چون هوتم‌شیندلر A. Houtum Schindler و دارسی DArcy ، گزارشهای اولیه کمپانیهای نفتی مانند Bakhtiari oil Company Limited و Anglo_Persian oil Company و خانیکوف N. de Khanikof و شلیمر Schlimmer و چارنوتا Czarnotta و ملگونوف Melgunof و ك. ریتر C. Ritter و دکتر تیتز Dr. Tietze و سررونالد تومسون Sir Ronald Thomson و امثال آنها، هر چند در این دوره تعداد معادن فعال بسیار کم بوده اما نخستین گزارشها و پژوهشهای علمی در همین دوره بدست رسیده و از همین دوره ببعد است که گسترش می‌یابد. گزارش محققاتی چون کرزن حکایت از آن دارد که حدود سالهای ۱۳۱۰ قمری (هشتاد سال قبل) درآمد سالانه دولت از اجاره معادن و مالیات معادن قریب ۱۵۰۰۰ لیره انگلیسی بوده که از این مبلغ ۶۰۰۰ تولید آن حاصل معادن فیروزه نیشابور بوده است. همان منبع اضافه می‌کند تمامی عواید ایران از معادن خرج در رفته حدود ۵۰۰۰۰ هزار لیره می‌باشد.

همزمان با کاوشهای پژوهشگران وابسته بکمپانی‌های نفت جوی انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و غیره روسها نیز تلاشهائی که هرگز بثمر نرسیده آغاز کردند، اما اگر نفت را کنار نهیم مانده مهم این جستجوها در این بوده که ما را به بهانه نفت و وجود و سپس به شناخت نسبتاً عمیقی از منابع معادن در کشورمان راهبر شد. وانگهی سبب شد که دولت ایران رفته رفته خود کارشناسانی

۱ـ جغرافیای مفصل ایران جلد ۲ ـ ۱۹۱۱ ـ ابن‌سینا.
۲ـ دکتر بنه زمین شناسی که مدتها در استخدام وزارت فوائد عامه بود.
۳ـ Dr. Jacob Edward Polak پزشك مخصوص ناصرالدین شاه ایران ـ سرزمین و مردم آن ۱۸۴۸.
۴ـ گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران ـ انتشارات کاوه ـ برلین ۱۳۳۵ قمری.



را به خدمت گرفته رأساً بکار جستجو برای اکتشافات معدنی بپردازد.

در حرکت اقتصادی و سیاسی جدیدی که ایران از ۱۳۰۷ ببعد بعهد رضاشاه کبیر شروع کرد و مدخلی که صنعت و ماشین به ایران و جامعه ایرانی گشود مسئله‌معادن بگونه‌ای دیگر مطرح شد. توجه به ویژگی ساختمانی این عهد و ابعاد انقلابی مساحات ساختمانی خاصه راه‌ها و راه‌آهن‌ها ما را بدین نکته راهبر است که چگونه و ناگهانی معادن سطح‌الارضی غیر متشکل[1] مورد بهره‌برداری قرار گرفته سپس با شروع نهضت ساختمانی بناهای دولتی و نیاز به مواد و مصالح ساختمانی این فعالیت گسترش بیشتر می‌یافت. اما آنچه که واقعاً توجه بمعادن را در این دوره افزود در عوامل زیر باید جستجو شوند.

۱ـ انتفاع از منابع نفتی و پی‌بردن بارزش آنها و ظهور نیازمندی‌ها به‌مواد معدنی مورد نیاز صنعت نفت.

۲ـ تأسیس کارخانه‌ها و اقدام به رواج بعض صنایع بمعنی شروع به صنعتی‌کردن کشور و در نتیجه ظهور نیازمندی‌ها به مواد معدنی مورد نیاز صنایع نوبنیاد.

۳ـ توجه به وحدت ملی و تأسیس ارتش شاهنشاهی در ابعادی تازه و برخوردار از تکنیک‌هائی جدید که خاصه مواد معدنی تازه‌ای را در کار تأمین سلاح‌ها می‌طلبید.

۴ـ هیجان برای نوسازی و صنعتی‌شدن و لاجرم آغاز تازه‌ای برای مطالعات معدن‌شناسی از طریق دعوت و استخدام کارشناسان خارجی و توسعه مطالعات در داخل و تربیت گروهی استادکار معدن و معدن‌شناس با تأسیس اداره کل معادن و نهادهائی مانند آن.

۵ـ توجه به تأسیس کارخانه ذوب‌آهن.

در حقیقت از حدود ۱۳۱۶ که وزارت صناعت تأمین مواد معدنی اولیه مورد نیاز ذوب‌آهن را هدف قرار داد حرکت تازه‌ای در کار اکتشافات و مطالعات کانی‌های ایران ملحوظ است و طبیعی است که این حرکت بیشتر متوجه زغال‌سنگ بود که منتهی به تأسیس معادن زغال زیادی در دامنه جنوبی و شمالی البرز که نزدیک‌ترین نقطه به محل ذوب‌آهن (کرج) بودند شد. انتخاب کرج بعنوان جایگاه تأسیسات ذوب‌آهن ایران در توسعه اکتشافات نواحی شمالی مؤثر افتاد و در نتیجه در توزیع جغرافیائی معادن مکشوفه اثر بجای نهاد[2]. پدیده قابل ذکر آنکه همدوش با کارشناسان خارجی گروهی از مهندسان ایرانی دست‌انداز کار اکتشافی بودند.

انواع معادنی که در این دوره بیشتر مورد توجه بوده است در رابطه‌اند با مواد مورد نیاز امور ساختمانی و ذوب‌آهن و بعض مواد مورد نیاز کارخانه‌های جدیدالتأسیس. اهم این مواد معدنی بشرح زیر بودند.

زغالسنگ ـ آهن ـ مس ـ دولومی (کربنات آهن ـ کربنات منیزی) ـ سنگ آهك اعلا ـ مواد نسوز (خاك‌نسوز) ـ و درمرتبه‌بعد خاك‌سرخ ـ سرب‌ـ گوگرد‌ـ زاج ـ براکس‌ـ منگنز ـپنبه کوهی ـ

۱ـ اصطلاح دفتر آمار وزارت اقتصاد بمعنای معادن خاك رس ـ آهك ـ سنگ ساختمانی و غیره که بمقتضای فصل و وجود مورد استفاده مقاطعه‌کاران راهها و بناهای دور از شهرها میرسد. رجوع کنید به‌منابع دفتر آمار وزارت فوق.

۲ـ رجوع کنید به نقشه معادن مکشوفه ـ اداره کل معادن در حدود سالهای ۱۹ و ۲۰ که صورت ساده‌ای از آن بضمیمه کتاب صنایع ایران بعد از جنگ تألیف مهندس علی زاهدی آمده است.

معادن...

شاموت و نیتریت و پتاس ـ گرافیت ـ روی ـ انتیموان.

در این میان معادن زغالسنگ و خاکسرخ و آهن و منگانز و مس و ساموت هم دولتی‌بودند و هم خصوصی. نقش ارشادی دولت ضرور بود اما شرکت بخش خصوصی هم با همهٔ بی‌ابـرازی و کم‌دانشی مؤثر افتاد.

دوره فوق‌الذکر را در تاریخ معدن ایران باید عهد توجه به‌توسعه امر اکتشاف و در حقیقت آشنائی با امور معدن و اهمیت علوم و تشکیلات مربوط بصنایع استخراجی دانست. بهمین دلیل پر است از بسیاری از تجربه‌اندوزیها که که بر اثر ضعف تکنیك دربرآوردها و تأسیسات بـه بعض زیانها هم متوجه شد. اما این برای کشوری که از اقتصاد سنتی به اقتصاد صنعتی سریعاً روی‌آورد می‌شود و نیروی انسانی و خبره و ماهر هم ندارد امری طبیعی بود. اسناد و مدارك دولتی دراین‌باره مخصوصاً آنچه مربوط به وزارت صنایع و اداره کل معادن است نشان‌دهنده شور و شوق به‌کار صنعت و اکتشاف و در عین حال کمبود نیروهای کارآمداند[1]. معهذا با استفاده از آرامشی که در ایران پدیدار بود بمدد اهرم اعتبارات تازه شروع خوبی برای صنعتی‌شدن کشور درآینده‌ای دورتر بدست داد، چرا که تنها در ۲۳ نقطه کشور در فاصله ۱۳۰۵ تا ۲۰ـ۱۳۱۹ کارخانه‌های ریسندگی جدیدی استقرار یافت (بخش ملی با ۱۴۰۰۰۰ دوك و بخش دولتی با ۵۸۰۰۰ دوك). کارخـانه‌هـای بافندگی در هشت منطقه و کیسه و گونی‌بافی در دو منطقه و کارخانه‌های قند در ۸ منطقه و اسلحه‌سازی در یکی دو منطقه راه افتاد حرکت جنبی دیگر در جهت صنایع شیمیائی بود که قویاً در صنایع معدنی اثر می‌نهاد و توجهی به تولید کربنات دوسود و اسیدهای مهم (جوهر گوگرد ـ جوهر شوره و جوهر نمك و گلسیرین و صابون و آمونیاك مختصری هم کوتهای شیمیائی و غیره. بعمل آمـد و بالاخره به شیشه‌سازی و چینی‌سازی و تولید مواد نسوز انجامید).

نگاهی به گزارشهای سالهای ۱۳۱۸ ـ ۱۳۲۰ مضبوط در اداره اکتشافات در همین‌جا ضرور می‌نماید. این گزارشها حکایت از اکتشافات وسیعی در بعض نواحی بشرح زیر دارند.

الف ـ کشف ذخایر معدنی سنگ‌آهن حدود یك میلیون تن در خانقره داش واقع در جنوب غرب زنجان و منابع دیگری از همین در مجاورت آن.

ب ـ کشف کانی‌های سرب‌دار و روی‌دار و مس در شمال میانه کنار قزل اوزن.

ج ـ کشف پتاس مامان در قریه مامان در ۲۵ کیلومتری میانه براه خلخال در جوار رگه‌های نمك طعام.

د ـ کشف سیلیس در یوزباشی چای قزوین.

هـ ـ کشف سنگ مس سونگون در ۹۰ کیلومتری شمالشرق اهر با چندین هـزار تن ذخیره.

و ـ کشف معادن مس و طلا و مولیبدن در غولان.

ز ـ کشف معادن مس و سرب ناحیه انگور در شمال اهر.

ح ـ کشف ذخایر زغالی در کاستیلیان و دلیلام مازندران که تا حدود ۱۲ میلیون تـن برآورد شد.

گزارش چهار تن زمین‌شناس بنامهای اسلینگر Esslinger و سلینگر Slinger و الـدر

۱ـ صنایع ایران بعد از جنگ ـ مهندس علی زاهدی ـ تهران اسفند ۱۳۲۳.



Elder و وایت White[1] نشان‌دهنده اکتشافاتی در منطقه واقع بین دره چالوس و دره تالار از بابت ذخایر زغالسنگی است. همچنین پاره‌ای از گزارشها دال بر وجود زغال‌سنگ کشور وسیله هیأت اعزامی نفت جنوب در مازندران بدولت رسید.

ت ـ کشف منابع آهنی کرمان و یزد. ذخایر سنگ آهن یك بنه دربافق به ۱۳ میلیون تخمین زده شد. اکتشافات دیگری نیز در لك سیاه ـ لك چاه ـ لك‌سیاه آغل ـ کوشك بافق ـ ناریگان ـ زیرکان ـ تل پیروزی و مزرعه حمیدخان با ذخایر کل در حدود ۲۵ میلیون تن انجام شد.

ی ـ کشف معادن مس خرانق در یزد.

ك ـ کشف معادن سرب کوشك بافق.

ل ـ کشف معادن بوکیست در زیرکان.

م ـ کشف معادن فلورین و بوکسیت در بند کرمان.

ن ـ کشف معادن کرومیت ـ فرومد در خراسان

ص ـ کشف معادن نیکل رباط سفید

غ ـ کشف معادن طلای برجك در کاشمر.

ف ـ کشف معادن انتیموان در شوراب فردوس.

ث ـ کشف معادن روی کاهو در شمالغرب مشهد.

ـ کشف معادن منیزیت فریمان.

ـ کشف معادن زغال مشهد و ابر در شمال شاهرود.

و اکتشافاتی سطحی در همدان و اراك و بلوچستان (از بابت مواد معادن کرم ـ مس ـ مانیریت).

با توجه به آنچه گذشت میتوان سالهای آخر قبل از جنگ دوم جهانی را آغازی تازه برای گسترش صنایع معدنی در ایران دانست. در این آغاز تازه تکیه ما بر تأسیس اداره کل معادن و بخشهای پژوهشی زمین‌شناسی و اکتشاف و آزمایشگاههای سنگ و خاك و سنگواره‌شناسی است. اگر در نظر بگیریم که مقارن این زمان تنها دانشگاه ایران (تهران) به تربیت زمین‌شناس و مهندس نیز پرداخته بود قبول می‌کنیم که ایران در آستان جنگ دوم کمبودهای خود را در امر معادن از اکتشاف تا بهره‌برداری و تغلیظ و صدور شناخته و هم پیش از آن به چاره‌جوئی پرداخته بود. اگر حوادث بعد از سالهای ۱۳۲۰ لطمه شدیدی به پی‌گیری امور معدن از سوی دولتها وارد ساخت لیکن آمار موجود نشان میدهد که بلافاصله بعد از سالهای بحرانی تعداد درخواست صدور پروانه اکتشاف افزون گردید. جالب است که در سالهای بعد از جنگ عدد درخواستهای صدور پروانه اکتشاف تا حدود ۳ درخواست کاهش یافت، عددی که حداعلای بی‌رغبتی بخش خصوصی و عدم توجه مردم را به‌صنایع استخراجی و رکود اقتصادی نشان میدهد، درحالیکه در سالهای بعد بتدریج این عوامل منفی دفع شده و مقتضیات و شرایط مساعد چنان شدند که در ۱۳۴۴ رقم تقاضاهای صدور پروانه اکتشاف به ۱۶۸۲۱ درخواست بالغ گردید که از این رقم تا همانسال ۹۵۲۹ پروانه اکتشاف صادر شد. واقعه‌ای مهم از لحاظ سازمانی در سال ۱۳۲۹ همانا ایجاد بنگاه اکتشاف و بهره‌برداری معادن بود که منتهی به‌مطالعاتی تازه و جهت‌گیریهائی سیستماتیك در امر خاکشناسی

۱ـ این هیات چهار نفری وسیله مدیر کل شرکت سابق نفت در اختیار دولت ایران قرار گرفته بودند.

معادن...

و زمین‌شناسی و تخمین ذخایر گردید.

بدنبال اقدامات فوق ایران موفق شد قریب ۶۹۰۰۰۰ دلار کمك مالی برای اکتشاف منابع معدنی خود از سازمان ملل (شورای برنامه‌های عمرانی) وام گیرد. از این تاریخ ببعد بسیاری از کشورهای بزرگ چون شوروی نیز آمادگی خود را برای شرکت در امر اکتشاف معدنی اعلام کردند که این پدیده هر چند تازگی نداشت لکن مبین اعتماد به‌ذخایر معدنی ایران است. باین‌سخن باز خواهیم آمد.

خیز دوم در صنایع معدنی ایران درست از سالهای بعد از ۱۳۳۵ شروع شد. در این فاصله پانزده ساله بعد از جنگ، ایران دست به برنامه‌ریزیهای اقتصادی و اجتماعی زد و به اقتصاد نیمه ارشادی روی کرد لکن برنامه اول و دوم مجال کافی به توسعه کار معدن نداد، در حالیکه در برنامه سوم و چهارم با فراغتی که از کار نفت حاصل شد و جهشی که مملکت بسمت اخذ صنعت‌نشان‌داد فعالیت‌ها در زمینه صنایع استخراجی رونق گرفت و مطالعات علمی توسعه یافت. چند اشاره در این باره نمایشگر کوششها تا سال ۳۹ ـ ۱۳۴۰ می‌باشد.

۱ـ در سالهای ۳۵ و بعد از آن مطالعات و گمانه‌زنی‌ها در شمس‌آباد اراك بمنظور یافتن سنگ آهن توسعه یافت و با توجه به‌مطالعات مشابه در سمنان و بافق ایران نقطه اتکائی برای عیار سنگهای آهن معادن خود یافت، بشرح زیر.

الف ـ عیار سنگهای آهن معادن شمالشرق سمنان ۶۰ درصد بدون فسفر

ب ـ عیار سنگهای آهن معادن بافق ـ ناریگان ـ زیرگان ۵۴ درصد[1]

ج ـ عیار سنگهای آهن معادن شمس‌آباد اراك ۴۷ درصد[2]

د ـ عیار سنگهای آهن معادن قم و محلات و ایل بالا اما دقیقاً معلوم نیست.

تا پایان سال ۱۳۳۹ جمعاً ۱۹ معدن آهن کشف شد که یازده‌تای آن مورد بهره‌برداری قرار گرفت و توجه بخش خصوصی و دولت تا این تاریخ برابر پیش رفته بحدی که از یازده معدن فعال ۵ معدن وسیله دولت و ۶ معدن وسیله بخش خصوصی بهره‌برداری میشد.

۲ـ در همین سالها توجه به‌معادن مس افزون شد و گسترش آن بشرح زیر خلاصه می‌شود.

الف ـ معادن سنگ مس تل‌مسی[3] انارك و مسکنی با عیار ۳ تا ۵ درصد. وزن کلوخه‌ها بعضاً به ۵۰۰ کیلوگرم و محصول مس کارخانه غنی‌آباد تا ۴ تن مس خالص در روز بالغ شد.

ب ـ معادن سنگ مس عباس‌آباد (چغندر سر ـ دامن چالی ـ معدن بزرگ ـ لبکان ـ گورخان) که فعال‌ترین آنها چغندر سر است با عیار متوسط ۷ درصد.

ج ـ معادن سنگ مس بایچه باغ زنجان با عیار ۱۵ درصد و ذخیره تقریبی ۴۰۰۰ تن

د ـ توسعه و کار در معادن سنگ مس زیاران‌ساوه ـ دهنه سیاه سبزوار سونگون ارسباران ـ میرآباد اصفهان ـ بیناوند اصفهان ـ زرین‌خانه قزوین ـ عاشقلوی همدان ـ فیازبرنج کاشان.

این معادن بعدد ۳۱ معدن تا ۱۳۳۹ مکشوف ولکن ۱۴تای آنها تا این‌سال مورد بهره‌برداری

۱ـ مجاورت با کانهای زغالسنگ بر اعتبار این معادن می‌افزاید. ذخایر این معدن حدود ۳۰ میلیون تن برآورد شد.

۲ـ ذخایر حدود ۱۰۰ میلیون تن.

۳ـ همان طالمسی است که صورت صحیح نگارش آن ترجیح داده شد.



قرار گرفت. جالب توجه است که ۱۳ تای آنها وسیله بخش خصوصی و تنها یك معدن وسیله دولت اداره می‌شد.

۳ـ معادن سنگ سرب بتعداد ۱۷۳ که از این میان ۱۴۷ معدن آن فعال و تا سال ۱۳۳۹ تنها ۶ معدن آن وسیله دولت اداره میشد. عیار سنگ سرب ایران ۲ تا ۲۰ و ذخایر آن بحدود ۸۰۰۰ تن در این سال رسید. در حقیقت جز ۲۱ معدن سرب فعال در ایران در این سالها وجودنداشت.

۴ـ معادن روی بعدد ۳ با مدیریت دولتی.

۵ـ معادن تونگستن شاه‌زند اراك و معدن روشت و حسن‌آباد این یکی به‌ذخیره ۳۰ هزار تن و عیار ۸/. درصد.

۶ـ منگانز. ذخیره منگانز در معادن رباط‌کریم تا ۵۰۰ هزار تن برآورد شد. آمار سال ۱۳۳۹ نشان میدهد که قریب ۲۵ هزار تن سالیانه از این معدن استخراج می‌شده.

در سال فوق براساس آمار وزارت صنایع ومعادن کل ذخایر منگانز ایران به ۷۲۰ هزار تن بالغ میشده، عدد معادن فعال ۹ و در این‌میان تنها یك معدن وسیله دولت اداره میشده است.

۷ـ معادن کرومیت‌فرومد به‌عیار ۴۶ تا ۵۰ درصد (اکسید کرم) وبا ذخایری در حدود ۵ تا ۲۵ هزار تن.

کشف معادن کرومیت تازه ـ بطوریکه در ۱۳۳۹ قریب ۱۲۶ معدن کرومیت کشف که ۹۳ تای آن وسیله بخش خصوصی مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

۸ـ معادن انتیموان بعدد ۴ و شروع به اکتشافات تازه بسبب مصرف روزافزون اکسیدانتیموان در صنایع لاستیك‌سازی و لعاب‌گیری و نقاشی روی شیشه.

۹ـ توسعه کشفیات در باب عیار معادن طلای گلپایگان در رگه کوارتز ۱۵ تا ۱۷ گرم در هرتن. عیار معادن حومه محلات ۱۲ گرم در تن و پژوهشهائی که غیر اقتصادی بودن معادن دلیجان و میمه را مسلم داشت.

۱۰ـ توسعه کشفیات و بهره‌برداری در معادن فیروزه نیشابور ـ یخاب طبس و کاشمر. کشف طبقات فیروزه بقطر دو میلیمتر و بطول ۱ تا ۲ متر بر فلدسپات و اپانیت در نیشابور.

۱۱ـ معادن خاك‌نسوز ـ کشف ذخیره‌هائی در امین‌آباد تا حدود ۳۲۰٬۰۰۰ تن (سال ۱۳۳۹) و در گناباد تا حدود ۲۰۰٬۰۰۰ تن.

۱۲ـ توسعه اکتشافات و بهره‌برداری‌های معادن گوگرد در سواحل خلیج فارس تنها ذخیره گوگرد معدن بستانه حدود ۲۰۰۰۰۰ تن و عیار آن ۳۰ تا ۵۰ درصد است. اما کل گوگرد مکشوف درایران‌حدود ۱۲٬۰۰۰٬۰۰۰ تن با عیار ۴۰ تا ۴۸ می‌باشد و رقم استخراج‌آن دراوایل ۱۳۳۹ به‌۱۰۵۰۰ تن میرسد.

۱۳ـ ذخیره نمك طعام و سولفات دوسود تنها در سواحل و جزایر خلیج فارس حدود ۳۰۰ میلیون تن.

۱۴ـ توسعه کشفیات و تعیین ذخایر معادن زغال‌سنگ. این ذخایر در حدود سال ۱۳۳۹ به ۳۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰ تن رسید. میزان استخراج ذغال‌سنگ درسال ۱۳۳۷ حدود ۱۸۴۲۹۰ تن‌بود ولکن یکسال بعد به‌رقم ۲۳۶۵۳۵ تن میرسد. در اواخر سال ۳۹ جمعاً ۸۵ معدن فعال زغال داشته‌ایم که‌تنها ۸ معدن آن وسیله دولت اداره می‌شده است.

۱۵ـ تخمین خاك سرخ تا حدود ۱٬۵۰۰٬۰۰۰ تن و ۱۰ هزار تن استخراج سالیانه در جزیره



هرمز و توسعه اکتشافات این ماده در گناباد و نهاوند و ورطون اصفهان.

۱۶ـ توسعه اکتشافات و تعیین ذخایر معادن زرنیخ ـ این ذخایر در حدود سال ۳۹ بالغ بر ۷۰۰۰ تن است که سالیانه ۶۰۰ تن آن استخراج می‌شود.

۱۷ـ توسعه اکتشافات و تخمین ذخایرمعادن سیلیس وکوارتزیت تا حدود ۳۵ میلیون تن.

نگاهی به‌جدول پیوست که طی آن ارقام تقریبی مربوط به‌ذخایر سنگهای معدنی وارقام مربوط به‌میزان استخراج آنها تا اوایل سال ۱۳۳۹ داده شده است حد اعلای گسترش فعالیت‌های معدنی ما را تا سالهای قبل از انقلاب سفید روشن میدارد. بدیهی است این جدول نمی‌تواند کامل باشد اما ملاك خوبی برای پیشرفت نسبی بدست میدهد.

جدول وضع ذخایر تقریبی سنگهای معدنی در معادن ایران

شرح	میزان ذخیره احتمالی معدن به‌تن	عیار تقریبی
معادن آهن	۱۱۴٬۳۱۰٬۰۰۰	۶۲ـ۳۵
معادن مس	۱٬۰۰۰٬۰۰۰	۱۰ـ۲
معادن سرب و روی	۱۰٬۰۰۰٬۰۰۰	۲ـ۲۰ سرب ۳ـ۲۰ روی
معادن آنتیموان	۱۲٬۰۰۰	۵۰ـ۴۰
معادن منگنز	۷۲۰٬۰۰۰	۴۴
معادن کرومیت	۷٬۰۰۰٬۰۰۰	۵۰ـ۳۵
معادن طلا	۱۵۸٬۰۰۰	۱۷ـ۱۵ گرم در تن
معادن زغال‌سنگ	۳۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰	-
معادن فیروزه	-	-
معادن گوگرد	۱۲٬۰۰۰٬۰۰۰	۴۸ـ۴۰
معادن خاکسرخ	۱٬۵۰۰٬۰۰۰	-
معادن خاك‌نسوز	۵۲۰٬۰۰۰	-
معادن سیلیس و کوارتزیت	۳٬۵۰۰٬۰۰۰	-
معادن کائولن	۷٬۰۰۰٬۰۰۰	-
معادن زرنیخ	۷۰۰۰	-

* صادرات سنگهای معدنی ایران تا ۱۳۳۹

برجدول فوق چند رقم باید افزود و آن ارقام مربوط به‌صادرات سنگهای معدنی ایران است. نخستین‌بار که ایران به‌صدور سنگ معدن پرداخت حدود سال ۱۳۲۸ بود. دراین سال ایران قریب ۱۳۹۱۹ تن سنگ معدنی بخارج صادر کرد، اما این رقم افزایش یافت بطوریکه در ۸ سال بعد (۱۳۳۶) میزان صادرات سنگهای معدنی ایران به ۱۱۰۶۶۰ تن و یکسال بعد به ۱۲۱۰۰۰ تن و در انتهای دوره مورد بحث یعنی سال ۱۳۳۹ میزان صادرات سنگهای معدنی ایران به‌۱۴۵۰۰۰ تن میرسد.



آمار تقریبی استخراج بعضی معادن ایران در سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸

نوع ماده معدنی	میزان استخراج به‌تن	
	۱۳۳۷	۱۳۳۸
سنگ آهن	۱۴۸۶۰۵	۵۸۲۵۰
سنگ مس	۴۸۳۰	۱۲۱۶۰
سنگ سرب و روی	۱۹۶۶۰	۲۴۶۵۴
سنگ آنتیموان	۴۱۰	۲۵۷
سنگ منگنز	۷۲۰۰	۲۶۰۰
سنگ کرومیت	۴۳۱۶۰	۶۶۳۴۰
سنگ زرنیخ	۴۷۰	۵۹۸
سنگ نمك‌طعام	۱۳۲۰۰۰	۱۳۳۲۹۰
سنگ زغال‌سنگ	۱۸۴۲۹۰	۲۳۶۵۳۵
سنگ گوگرد	۱۰۴۲۰	۱۰۵۰۰
سنگ خاك سرخ	۴۷۸۰	۷۵۴۰
سنگ شیشه	۱۵۷۷۰	۳۰۶۸۸
سنگ کائولن	۴۷۰	۲۱۹۵
سنگ خاك نسوز	۲۳۳۰	۲۱۳۰

* خیز سوم درصنایع استخراجی و منابع معدنی ایران

خیز سوم در صنایع استخراجی و گسترش اکتشافات و بهره‌برداریها از منابع معدنی ایران بحقیقت همدوش و همزمان و تا حدود زیادی زائیده حرکات اجتماعی واقتصادی تازه ناشی از انقلاب سفید است و این‌دوره چنانکه بدیهی است در مقطع زمانی ۴۱ ـ ۱۳۵۱ تاآنجا که آمار وارقام مدد کنند مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

* قانون معادن

نخست یادآور شویم که تا سال ۱۳۳۶ قانونی که بتواند ضامن کشف و توسعه منابع کانی ما باشد و به‌تشویق بخش خصوصی کمك کرده گسترش واقعی را تسهیل کند وجود نداشت واین در اردیبهشت‌ماه سال فوق‌الذکر بود که لایحه قانونی معادن در ۲۸ ماده و چهارده تبصره بتصویب و توشیح رسید. بضمیمه این قانون آئین‌نامه اجرائی درباب اجازه یا پروانه بهره‌برداری (موضوع ماده ۱۶)[۱] آئین‌نامه اکتشاف معادن وآئین‌نامه بهره‌برداری معادن وآئین‌نامه فنی‌ونظارت برمعادن‌کشور

۱ـ مدت پروانه بهره‌برداری نخست تا سی سال و سپس بموجب اصلاحیه‌ای ۱۰ تا ۵۰ سال معین شد.



تنظیم و تصویب و بمورد اجرا گذارده شد.[1]

قانون فوق به‌تقسیم خاصی از منابع معدنی پرداخته. ماده یك قانون فوق معادن را به‌سه‌طبقه تقسیم می‌کند که آشنائی با آنها در اینجا ضرور است.

۱ـ طبقه اول مواد معدنی که مصرف ساختمانی دارد از قبیل سنگهای ساختمانی ـ گچ ـ سنگ آهك ـ سنگ مرمر ـ سنگ تراورتن ـ خاك رس وماسه و گرانیت و ابسیدین و کوارتزیت و امثال آن.

۲ـ طبقه دوم مواد معدنی فلزی مانند آهن و کرم و منگانز و کبالت و مس ـ نیکل ـ آنتیموان و قلع و روی وجیوه و سرب وانادیوم و طلا و نقره ـ پلاتین وامثال آن وسپس نیتراتها ـ فسفاتها و نمك‌طعام و نمکهای قلیائی و براتها و مانیزی و نمکهای نظیر آن و آبهای معدنی وامثال آن و در مرحله بعد سوختهای جامد مانند زغال سنگ و لینییت و تورب و سنگهای قیری وغیره و بعد خاك سرخ و گوگرد و پنبه‌نسوز و خاك‌نسوز و میکاو گرافیت و امثال آن و بالاخره سنگهای قیمتی مانند الماس و زمرد و یاقوت و فیروزه و غیره.

۳ـ طبقه‌سوم کلیه مواد نفتی ـ قیر ـ گازهای طبیعی ـ مواد رادیواکتیو مانند رادیوم ـ توریوم ـ اورانیوم و کلیه موادیکه جهت استفاده نیروی اتمی بکار می‌رود.

انجام وظایف مندرج در قانون معدن طبق ماده ۱۸ بعهدهٔ شورایعالی معادن نهاده شده واز جمله ویژگیهای این قانون آنست که دولت حق بهره‌برداری هرمعدن را در صورت اقتضای مصالح عمومی کشوربخوداختصاص داده‌است. (ماده۱۹). بایددانست که‌قانون فوق‌شامل کشف‌واستخراج‌نفت‌نمی‌شود اماطبق ماده ۲۱ این‌قانون‌پنجاه‌درصد ازعوایدحاصله از معادن کشور (جزنفت) به‌سازمانی مجهز برای کشف و بهره‌برداری و نقشه‌برداری و زمین‌شناسی و تعیین ذخایر معدنی و نظارت برمعادن تخصیص داده شده است. این از مواد بسیار مترقی وموارد نادری است که دولت گسترش فعالیتی را براساس کارکرد خود آن رشته فعالیت قرار می‌دهد و باینترتیب انجام هرنوع بررسی و پژوهش علمی‌را دریکجا ازسخت‌ترین رشته‌های‌تولیدی ممکن‌میدارد. همچنین بمنظور توسعه وآسان‌داشتن‌امور ساختمانی و عمرانی تبصره ماده ۲۵ مقرر میدارد که در مورد معادن طبقه اول مالك و نماینده او در اکتشاف‌بمیزان احتیاج شخصی ولو پروانه نگرفته باشد مجاز است یعنی مشمول مجازات پیش‌بینی شده در ماده ۲۵ نیست.

قانون معدن نمایشگر حد بالائی از آگاهی دولت ایران نسبت به‌اهمیت ذخایر معدنی است و با توجه باینکه در همین سالهای ۳۶ ببعد است که مملکت میرفت تا خود را برای یك جهش و یك خیز انقلابی آماده سازد بنابراین قانون فوق می‌تواند طلیعه سیاست گرایش به‌صنعت واهمیت دادن به‌منابع استخراجی باشد. بدیهی است در چنین شرایطی دولت بخود حق میداد تا مواد معدنی کلید مانند زغال سنگ ونفت وغیره را خود در دست داشته باشد. در عین‌حال دولت مایل نبود سیاستی اتخاذ کند که بخش خصوصی نیروهای خود را از فعالیت‌های معدنی بیرون کشد. این است که دولت بجز در مورد نفت که اهمیت جهانی آن و نقش عایداتش در برنامه‌های عمرانی بسیار حساس ومعلوم بود درباره معادن دیگر سعی کرد که بخش خصوصی را همه‌جا دوشادوش‌خود شرکت‌دهد و دربسیاری

۱ـ مجموعه قوانین و آئین‌نامه‌های معادن ـ وزارت اقتصاد.



از موارد بخش خصوصی پیش‌اند مگر آن‌زمان که اهمیت ماده‌ای معدنی بلحاظ صنعتی نوپا در حال گسترش باشد و احتمال انحصار از سوی طبقه‌ای برود و توسعه و یا گرفتن صنعت را بخطر اندازد و باآنکه ذخایر معدنی بسیار عظیم‌تر از آن باشد که محروم کردن عموم مردم از عواید آن عادلانه بنظر رسد که دراینصورت دولت رجحان میدهد کار آن معدن را خود بدست گیرد.

نخستین نتیجه سیاست‌های جدید معدنی را میتوان طی دهه اول انقلاب با توجه به‌سه‌ضابطه عدد پروانه‌های اکتشاف ومیزان درآمد دولت از عواید معادن (بجز نفت) و بالاخره تعداد مواد معدنی مکشوف در ایران و یا در حال بهره‌برداری دریافت. بنظر ما اهمیت این آخری هرچند سیمائی ظاهراً اقتصادی ندارد اما بسیار پرمعنی‌است. دراین‌باره لازمست یادآور شد که علیرغم شکوه همه نویسندگان و گزارشگران از قلت منابع ومدارك و آمار معدنی در ایران مدارك مختصر موجود برای تصدیق اثرات خیز تازه در فعالیت‌های‌مربوط بمنافع استخراجی ایران کافی است. پیش از این دیدیم که عدد مواد معدنی مکشوف و یا مورد بهره‌برداری تا چه میزان محدود بود. اینك با توجه به‌جدول عملکرد معادن تا سالهای ۴۹ و ۵۰ متوجه میشویم که مواد معدنی در حال استخراج به ۳۸ ماده معدنی بالغ می‌شود و این سوای معادن طبقه سوم است. همین گسترش در سطح یعنی اکتشاف و شناخت و بهره‌برداری از مواد معدنی و تعدد آنها بی‌آنکه حتی به‌میزا نذخایر معادن توجه کنیم دلیل بالا گرفتن آگاهی و ورود بمرحله صنعتی شدن است که عنصر ایرانی با استفاده از امکاناتی تاریخی به کسب آن نائل شده است.

رشد کمی یعنی میزان استخراج مواد معدنی از معادن ایران در سالهای اخیر محسوس است. کافی است بیاد آوریم که میزان استخراج زغال‌سنگ که در سال ۴۵ برابر ۲۸۵۰۰۰ تن بود در سال ۴۹ به‌حدود ۳۸۹۰۰۰ تن[1] بالغ گردید و از این سال ببعد براثر احداث صنعت ذوب فلز رشدی انقلابی یافت بطوریکه در سال ۵۰ میزان استخراج زغال‌سنگ به‌۵۵۰۰۰۰ تن و در سال ۵۱ میزان استخراج به ۱۰۰۰۰۰۰ تن بالغ می‌شود. درباره سنگ آهن این رشد بطریق دیگر محسوس است باین‌معنی که میزان استخراج سنگ آهن در سال ۴۵ برابر ۳۰۰۰ تن تا دو سال بعد به‌۱۳۴۷ تن تنزل می‌کند، از این سال میزان استخراج ناگهانی بالا رفته، در ۴۸ به ۷۴۰۰ و در ۴۹ بـه ۱۰۰۰۰ و در سال ۵۰ به ۱۵۵۰۰۰ تن و در سال ۵۱ به‌حدود ۹۸۰۰۰۰ تن بالغ می‌شود[2].

پیش از اینکه بتحلیل بیشتری از میزان استخراج بپردازیم برای بدست دادن تصوری از کمیت صنایع استخراجی و معدنی ایران جدول پیوست را ارائه می‌نمائیم.

(۱) جدول پیوست

لازم است بین معادن طبقه اول که حجم استخراجشان زائیده رونق نهضت ساختمانی است ودیگر معادن که نشانگر حرکت واقعی در کار توسعه معادن است تفاوتی مختصر قائل شویم هرچند این‌دو بهم وابسته و مجموعاً مبین رونق اقتصاد مملکت می‌باشند. بهرحال ترتیب یك جدول تفکیکی

۱ـ این رقم مستقیماً از وزارت اقتصاد دریافت شد

۲ـ متأسفانه درآمار نشر یافته نقص‌هائی هست، بهمین‌دلیل به‌ارقامی که مستقیماً از وزارت اقتصاد اخذ شد بیشتر استناد گردید.



جدول شماره (۱)
مقدار و ارزش صادرات سنگهای معدنی در سال ۱۳۴۸

	۱۳۴۸	
نوع ماده معدنی	وزن (تن)	ارزش
جمع کل	-	۸۹۶۹۳۷
سنگ آهن	۰	۰
سنگ مس	۸۴۰	۱۶۹۴۰
سنگ سرب و روی	۰	۰
سنگ سرب	۷۷۷۹۲	۴۸۱۵۱۷
سنگ روی	۴۴۳۰۶	۱۴۷۵۹۲
سنگ آنتیموان	۰	۰
سنگ منگنز	۱۲۳۲۰	۱۱۲۷۳
سنگ کرومیت	۱۲۰۳۰۰	۲۹۷۱۹۷
زرنیخ	۳	۷۱
نمك طعام	۲۵۴۶	۳۴۷۷
سنگ نیتریت	۰	۰
گل سفید	۳۵	۵۰
ذغال سنگ	۳۹	۷۸
سنگ گوگرد	۰۰۰	۰۰۰
گوگرد تصفیه شده	۰	۰
گل سرشوی	۱۳	۴۳
سنگ گرافیت	۰	۰
سنگ فیروزه	۱۸۳٪ ناتراشیده	۲۲۴۳
	۱۱۰٪ تراشیده	۱۷۵۷۰
خاك سرخ	۸۲۱۲	۲۰۰۵۰
سنگهای ساختمانی	۴۹۴۶	۱۴۳۷۴
سنگ آهك	۱۶۲۱	۳۲۴۵
سنگ گچ	۱۱۲۷	۷۶۷
پنبه نسوز	۶۷۰۷	۱۳۰۲۵۶
سنگ مرمر	۱۲۳۵۹	۷۳۷۴۶
سایر مواد معدنی	۰	۰
سایر کلوخهای کانی	۱۰۷۵	۳۱۶۷
سایر شامل	۰	۰

جدول شماره (۲)

میزان استخراج بعضی از مواد معدنی

ماده معدنی	واحد	
ذغالسنگ	تن	۳۲۲۰۶۵۲
نمك از ذغالسنگ	تن	۵۴۴۲۵
بریکت	تن	۲۶۸۳
بیتوین	تن	۲۰۰۰
سنگ آهن	تن	۱۸۵۸
خاك سرخ	تن	۷۵۳۲
سنگ روی	تن	۹۴۴۶۰
سنگ سرب و روی	تن	۵۷۲۱۵
سنگ سرب	تن	۵۰۹۷۸
شمش سرب	تن	۱۸۳
سنگ کرومیت	تن	۳۰۸۷۰۰
سنگ مس	تن	۱۴۴۳۲
سنگ منگنز	تن	۲۰۰۰۰
خاك نسوز	تن	۴۳۳۰
سنگ آهك	تن	۳۱۳۷۶۸۷
سنگ تراورتن	تن	۹۲۸۰۰
سنگ ساختمانی	تن	۶۳۸۰۷۱
سنگ سفیدآب (مل)	تن	۶۰۰۰
سنگ گچ	تن	۱۶۷۶۲۸۵
سنگ مرمر	تن	۱۴۳۷۰
سنگ مرمریت	تن	۵۳۹۹۶
سنگ موزائیك	تن	۱۸۰۴۵۰
فلدسپات	تن	۶۲۰
کائولن	تن	۳۵۱۲۲
کوارتزیت	تن	۴۵۴۱۰
گل سرشوی	تن	۱۷۱۵
گل سفید	تن	۲۳۲۹
منیزیت	تن	۴۱۰۹
نمك سنگی	تن	۲۱۴۲۲۲
نمك آبی	تن	۱۰۹۳۹۰
بارتیین	تن	۵۳۳۱۹
زاج	تن	۴۲۱۳
زرنیخ	تن	۸۰۰
سولفات دوسود	تن	۹۰۰۰
سنگ گوگرد	تن	۱۳۰۰
آب معدنی	مترمکعب	۲۵۰۰
سنگ شیشه و سیلیس	تن	۳۴۳۱۳
سنگ فیروزه	کیلو	۳۰۰



کمکی بیشتر به‌فهم این رشد نمی‌کند.

بعکس آنچه می‌تواند کمکی در فهم حرکت اخیر کند، حجم صادرات ما از بابت سنگهای معدنی است از اینرو به‌جدول پیوست متوسل می‌شویم.

(۲) جدول سالنامه و آمار منتخب

بعض ارقام جدول فوق درخور تأمل‌اند به‌شرح زیر:

نخست آنکه جهت سیر و افزایش ارزش صادرات سنگهای معدنی ایران که اینك به حدود یکصد میلیون ریال بالغ می‌شود هنوز بحد قابل اعتنای خود نرسیده معهذا پیشرفت آن‌محسوس است. دوم آنکه ایران در شرایط کنونی که در آستانه صنعتی شدن و توسعه صنایع ذوب فلز است نمی‌تواند صادر کننده سنگهای آهن و زغال و مس و مانند آن باشد بهمین دلیل طی دهه اخیر و بویژه درنیمه‌دوم آن سال بسال از میزان صدور آنها بخارج کاسته شده است. فی‌المثل سنگ‌مس. که در سال ۴۸ بمیزان ۳۰۰۰ تن صادر می‌شد، در سال ۵۰ میزان صدور آن به ۸۴۰ تن کاهش یافته که گرچه مقداری از این کاهش مربوط به در دست‌گرفتن معادن مهمی چون مس سرچشمه وسیله دولت است، اما این روند ادامه‌داشته و ایران‌مصمم است‌خود بتولید مس و نه به‌صدور سنگ مس قویاً اقدام کند. زغال سنگ که در سال ۴۵ میزان صدور آن نزدیك به ۴۰۰ تن بود در سال‌های بعد مندرجاً از این میزان کاسته شد و به حدود ۵۰ تن رسیده است. همچنین است در باب سنگ سرب و سنگ روی، این قبیل کاهش‌ها نشانه اراده ایران به صنعتی شدن است وگرنه در موارد بسیاری ایران افزایش صادرات روزافزونی داشته است چنانکه بهترین مثال را می‌توان در باب مواد معدنی که در زمره تولیدات کلید نیستند ملاحظاتی چند آورد از جمله در مورد گل گوگرد و گوگرد تصفیه شده که صادرات آن به سه برابر یعنی ۱۵۰۰۰۰ تن بالغ است و سنگ‌های ساختمانی خاصه سنگ‌های آهکی و خاکهای حفاری و بارنین و سنگ مرمر و فیروزه و گل سرشوی و نمك طعام و مانند آنها. سوم آنکه با وجود توسعه کمی و کیفی استخراج و صدور سنگهای معدنی بلحاظ سیاستی که در باب صنایع سنگین ذوب فلز و مس اتخاذ کرده‌ایم، باید توسعه و رشد فعلی را تنها یك رشد آغازی در زمینه معادن نام داد و منتظر انقلابی در اعداد و ارقام مربوط به معادن طی دهه دوم باشیم. برای آنکه تصویری از سال ماقبل آخر دهه اول انقلاب از بابت وضع صادرات و سنگهای مهم ترسیم نمائیم، جدول پیوست را می‌آوریم.

جدول پیوست (۱)

ضابطه دیگر از توسعه فعالیت‌های معدن در ایران درآمد دولت از عواید معادن است. این که در سال برابر ۷۸۵۰۰۰۰۰ ریال بوده، و در سال ۵۰ به دو برابر یعنی ۱۴۰۰۰۰۰۰۰ ریال رسیده است. جالب آنستکه این درآمد در سال ۴۹ نسبت بسال قبل چندان زیاد نیست که علت آنرا باید در دست بدست شدن بعض معادن خاصه معادن مس جستجو کرد. باری درآمد دولت از معادن کشور طی دهه اخیر در حدود ۳/۵ برابر فزونی گرفته و ارزش افزوده این فعالیت معدنی در سالهای اخیر به حدودی بیش از ۲/۸ میلیارد رسیده که این رقم سهمی معادل ۴٪ درصد از تولید ناخالص داخلی را مشخص می‌دارد.



جدول شماره (۳)
فعالیتهای معادن در حال بهره‌برداری کشور

شرح	جمع	معادن متشکل	معادن غیرمتشکل
معادن	۱۱۷۷	۶۹۸	۴۷۹
تعداد کارکنان	۳۱۲۰۵	۱۹۷۸۵	۱۱۴۲۰
مزد و حقوق پرداختی	۸۶۱۰۲۳	۶۱۸۶۲۳	۲۴۲۴۰۰
ارزش سرمایه	۱۹۳۱۷۸۰	۱۹۳۱۷۸۰	۰
ارزش گرفته‌ها	۱۹۷۸۱۶	۱۹۷۸۱۶	۰
ارزش داده‌ها	۴۴۳۱۴۹۰	۱۸۲۱۴۹۰	۲۶۱۰۰۰۰
ارزش افزوده ناخالص	۴۲۳۳۶۷۴	۱۶۲۳۶۷۴	۲۶۱۰۰۰۰

جدول پیوست (۳)

ملاحظاتی چند بر جدول فوق ضرور می‌نماید. نخست در باب عدد کل معادن است که ۱۱۷۷ معدن می‌باشد که نسبتی جالب توجه در مقایسه با ادوار پیشین نشان میدهد. همچنین این نکته را بازگو می‌کند که از این تعداد کمی بیش از نیمی از آن معادن متشکل‌اند، و هنوز راهی‌دراز در پیش است تا تعداد معادن ما رابطه‌ای منطقی با واحد سطح و کل مساحت کشور داشته باشد.

پروانه‌های صادر شده برای معادن کشور هم از لحاظ تعداد و هم از لحاظ مساحت قابل توجه و ضابطه‌ای برگسترش فعالیتهای معدنی در ایران است. تعداد پروانه‌های صادر شده در سال ۴۵ به ۵۳۲ پروانه بالغ بود و در سالهای ۴۹ و ۵۰ به حدود ۸۱۷ پروانه بالغ شد. امانکته جالب در طول دهه اخیر آنستکه پروانه‌های اکتشاف و اجازه‌های بهره‌برداری اگر چه از لحاظ تعداد هنوز به حجم دلخواه نرسیده اما از رشد متوسطی بترتیب ۱۲/۲ و ۱۲/۴ برخوردار بوده‌اند.

حداکثر مساحت مورد بهره‌برداری در سال ۵۰ به ۳۲۶۸۰ کیلومتر مربع بالغ شده است، توجه داشته باشیم که این رقم در سال ۴۵ حدود ۲۱۲۰۰ کیلومتر مربع بوده است.

در زمینه اکتشافات عمده چنانکه پیش از این باشارت رفت فعالیتها خاصه‌در سالهای آخر دهه مورد بحث متوجه مواد معدنی مورد نیاز صنعت ذوب‌آهن بوده و پس از آن مساعی زیاد متوجه مطالعه و بهره‌برداری از منابع و ذخایر مس گردید. پیش از این باهمیت اتخاذ این سیاست و اثر آن را در فعالیت‌های بخش خصوصی توجه داده شد. اینك باید بیفزائیم که بخش دولتی در این سالها اعتبارات قابلی را صرف اکتشافات و مطالعات زمین شناسی و نقشه‌برداری‌ها بمقیاس $\frac{۱}{۵۰۰۰۰}$ کرده که همه اینها به‌حق بحساب فعالیتهای معدنی‌اند. از نتایج این گونه اقدامات یکی همان اکتشافات مقدماتی مس میدوك و پارین کرمان بود[۱]. میزان ذخایر معدن مس چهارگنبد کرمان سه

۱- مس در ایران بیش از اینها که میدانیم مورد بهره‌برداری و مصرف بوده که مطالعات ناحیه‌ای رفته رفته ما را متوجه عظمت گذشته و معادن تازه خواهد کرد.



میلیون تن و عیار سنگ مس این معدن را ۱/۶ درصد شناخته‌اند.

کشفیات و ذخیره‌یابی طی دهه اخیر هم مورد توجه بخش دولتی (ویژه سازمان زمین‌شناسی ـ وزارت اقتصاد) بوده و هم مورد توجه بخش خصوصی خاصه در زمینه معادن سرب و کرمیت بوده است. فعالیت‌های اکتشافی سازمان ذوب‌آهن درباره منابع زغالسنگ و سنگ آهن را پیش از این اشاره کردیم، اما اینک که بمسئله باز آمده‌ایم لازم است برای چند مورد مهم آن توضیحی بیشتر بیاوریم بشرح زیر:

نخست فعالیت‌های اکتشافی و ذخیره‌یابی در منطقه زغال‌دار البرز که از قریب یك قرن پیش استعداد کلی آن شناخته شده بود. در این باره در منطقه زیر آب و سنگرود و بسیار نقاط دیگر ادامه دارد. فعالیت‌های ذوب‌آهن جاذبه‌ای برای فعالیت بخش خصوصی در امر کشف زغال در معادن کوچك بخشیده است که مورد مس سرچشمه و سنگ آهن رفسنجان از آن جمله است.

دوم فعالیت‌های اکتشافی در باب منابعی مانند آهك ـ کوارتزیت ـ خاك نسوز ـ منگانز که مورد احتیاج صنایع ذوب‌آهن‌اند که هنوز هم ادامه دارد.

سوم فعالیت‌های اکتشافی در باب سنگ آهن منجر به اکتشافات و تحقیقات در باب معادن آهن چغارت که ذخایر آن به حدود ۱۴٫۰۰۰٫۰۰۰ تن برآورد شده است.

چهارم فعالیت‌هائی اکتشافی برای منابع سنگ فسفات در البرز که بسیار امیدبخش‌اند.

پنجم فعالیتهائی بمنظور کشف و ذخیره‌یابی منابع معدنی رادیواکتیو با همکاری کارشناسان فرانسوی که در مراحل آغازی است

ششم عملیات صرفاً اکتشافی در شرق کمتر شناخته ایران در قلمروی بمساحت ۲۷۰۰۰۰ کیلومتر مربع که شاید مبنائی برای اکتشافات در عمق در این خطه باشد. این عملیات هنوز درمراحل مقدماتی و غیر اقتصادی خوداند.

با نگریستن وضع فعالیت‌های معدنی ایران در دهه اخیر از زوایای دیگر از جملـه رشد سهم آن در برنامه‌های چهارگانه جالب توجه است. متأسفانه در بسیاری از مدارك آماری سهم معدن و صنعت یکجا محاسبه شده که این خود رساننده سهم ناچیزی در کل برنامه‌ها برای بخش معدن است. دربرنامه اول سهم معدن و صنعت ۱۶ درصد برابر ۲/۷ میلیون بوده است، در برنامه دوم این سهم برابر ۱۱/۲ درصد بمبلغ ۹/۱۹۱ میلیون ریال و در برنامه سوم این سهم بمیزان ۱۱/۷ درصد و بمبلغ ۲۷ میلیون ریال بوده است.

توجهی که در برنامه چهارم نسبت به صنعت و معدن بعمل آمد موجب شد تا سهم اینده به‌حدود ۹۹میلیارد ریال بالغ گردد. سهم معدن به تنهائی دربرنامه‌چهارم برابر ۹۳۰۰میلیون ریال‌بود.



رشد معادن در طول برنامه چهارم ۱۷ درصد بود در حالیکه رشد صنایع حدود ۱۵ درصد بالغ گردید. اینك اطمینان است که در برنامه پنجم سهم معادن به خیلی بیش از آنچه در برنامه چهارم بوده است بالغ شود و از آنجا که هنوز ارقام قطعی اعلام نشده تأملی جایز است.

شایان توجه است که با همهٔ ناچیزی سهم معدن در کل برنامه‌ها و در کل عواید ملی ارزش کلی تولید معدنی ایران که در سال ۱۳۴۱ برابر ۶۱۶٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال بوده است در اواخر این دهه به حدود ۴۵۰۰ میلیون ریال بالغ شده که از این مبلغ ۱۸۲۱ میلیون ریال از آن معادن متشکل‌بوده‌است. این‌چندعدد هم رشد وتوسعه را نشان‌میدهد و هم آنکه سهم کلان معادن غیرمتشکل را به‌نسبت ارزش کل تولید نمایش میدهد. بالاخره در پایان این قسمت رشد عدد کل معادن ایران را که در آغاز دهه ۱۰۲۴ و در پایان آن ۱۱۷۷ و هم بیش از آن بوده است درخور یادآوری است.

• توزیع جغرافیائی و یا گسترش در سطح فعالیت‌های معدنی ایران

توزیع جغرافیائی معادن ایران هر چند تابع استعداد و وضع طبیعی و جغرافیائی کشور است معهذا میتواند نمایشگر گسترش فعالیت‌های معدنی در سطح کشور باشد. فی‌المثل بررسی و پژوهشهای اکتشافی در ۲۷۰ هزار کیلومتر مربعی شرق ایران کار تازه‌ایست که نشان میدهد ایران از خط سنتی البرز مرکزی و زاگرس غربی در کار اکتشافات پا فراتر نهاده و متوجه دور دست‌ترین نقاط شده است که پیش از اینها حتی اعمال قدرت حکومتی در آنها آسان نبود چه رسد به اکتشاف استخراج معادن. بدیهی است در جدول توزیع جغرافیائی کانهای ایران هنوز هم اثر مناطق سنتی و مرکزیت قدرت مشهود است.

با توجه به عدد کل معادن فعال ایران (۱۱۷۷ معدن و سهم معادن متشکل ۶۹۸ معدن) توزیع جغرافیائی معادن متشکل را به نسبت استانها متعادل نمی‌یابیم. استان مرکزی حدود $\frac{۱}{۶}$ کل معادن (۱۸۷ معدن) را در خود دارد. این تمرکز نسبی شدید ناشی از قدرت اداری و سیاسی استان مرکزی و وجود پایتخت و وسائل کار و دسترسی به ابزار فنی بیشتر و همچنین زائیدهٔ تقرب به البرز مرکزی که از مناطق زغالخیز ایران است می‌باشد. کافی است بیاد آوریم که ۲۹ معدن از ۵۹ معدن زغالسنگ ایران در همین استان مرکزی قرار دارد. پس از آن بیشترین سهم از آن استان مازندران و یزد و خراسان و سپس دیگر استانها طبق طبق جدول زیر دارای سهم‌اند.

استان مرکزی ۱۸۷، استان مازندران ۶۲، فرمانداریکل یزد ۶۱، استان خراسان ۶۱، استان آذربایجان شرقی ۵۲، استان فارس ۴۸، استان اصفهان ۴۶، استان کرمانشاهان و کردستان ۴۰، استان خوزستان و لرستان ۳۷، استان کرمان ۳۱، استان گیلان ۳۰، استان آذربایجان غربی



۲۳، استان ساحلی ۱۵، استان سیستان و بلوچستان ۵.

این ارقام از دو نظر قابل توجه است. نخست آنکه جز در مورد استان بلوچستان وسیستان که دو حالت افراطی کمتر و بیشترین را دارند، دیگر استانها رشدی متعادل را از لحاظ عدد کان‌ها نشان می‌دهند که در این میان آذربایجان غربی کمترین را دارد. اما وجود پنج معدن متشکل در بلوچستان و سیستان گرچه نسبت بمساحت آن خطه ناچیز است اما آغاز خوشی است برای توجه به منابع این استان مهجور که در حال حاضر ازفقیرترین نواحی ایران است.

از توزیع جغرافیائی معادن غیر متشکل دقیقاً اطلاع نداریم اما تردید نیست که توزیع آنها در رابطه است با توزیع جغرافیائی فعالیت‌های ساختمانی در استانها و نواحی مختلف ایران.

معهذا براساس تخمینات و آمارهای موجود از معادن سنگها و شن‌ها و ماسه‌ها ۲۴ درصد در استان مرکزی و ۷/۱ درصد در استان مازندران و ۵/۱ درصد در استان گیلان و ۷ درصد در استان کرمانشاهان و ۹/۲ درصد در استان خراسان و ۱۵/۶ درصد در استان اصفهان و یزد و ۸/۱ درصد در استان فارس و بقیه در سایر استانها قرار دارند.

توزیع جغرافیائی معادن بحسب نوع آنها نیز در استانها و فرمانداریها درخور توجه است. در حال حاضر از معادن زغالسنگ ۴۹ درصد در استان مرکزی و ۲۷/۱ درصد در استان مازندران و ۱۰ درصد در استان خراسان و بقیه در استانهای آذربایجان شرقی و غربی و کرمان قرار دارند.

از کل معادن ایران ۸/۵ درصد معادن زغالسنگ و ۹/۹ درصد معادن فلزی و ۶۷/۱ درصد معادن سنگها و شن‌ها و ماسه‌ها را تشکیل داده و بقیه معادن غیر فلزی مانند نمك و مواد شیمیائی و غیره‌اند.

از معادن سنگ کرومیت ۲۰ درصد در استان کرمان و ۲۰ درصد در استان ساحلی است و ۴۰ درصد در فارس و ۲۰ درصد در خراسان است. تمرکز شدید معادن کرومیت ایران در کرمان و فارس و بندرعباس در مقابل منطقه زغالخیز البرز از لحاظ جغرافیائی و زمین‌شناسی بسیار پر معنی است.

از معادن فلزی ایران ۲۱/۷ درصد در استان مرکزی و ۷/۲ درصد در استان مازندران و ۱۰/۱ درصد در استان خراسان و ۳۱/۹ درصد در استان اصفهان و فرمانداریکل یزد و بقیه در سایر نقاط قرار دارند.

درباره دیگر انواع معادن که فوقاً ذکری نشده باز سهم بیشتر (۳۰ درصد) از آن استان مرکزی است. بعد از آن سهم آذربایجان شرقی و غربی (۱۴/۷ درصد) از همه بیشتر می‌نماید و مازندران با ۷/۸ و اصفهان و یزد با ۱۱/۷ و خراسان با ۴/۹ درصد در مراتب بعداند.



* بعض ابعاد دیگر

اینك بیش از ۳۱۲۰۰ نفر در سراسر ایران دست اندرکار استخراج و اداره امور معادن اعم از متشکل و غیر متشکل‌اند و قریب ۳۱۰۰ نفر نیز کارکنان معادن نیز وابسته به صنعت ذوب‌آهن می‌باشند. مثل تمام موارد دیگر تمرکز کارکنان معدن و مزد و حقوق پرداختی بآنها از آن استان مرکز است (۲۹ درصد پرداختی به کارکنان معادن استان مرکزی و ۲۲ درصد برای اصفهان و یزد) این تمرکز هنوز طبیعی نیست.

قریب ۳۸ درصد ارزش فروش معادن متشکل از استان مرکز بدست آمده و ۱۷/۶ درصد آن از اصفهان و یزد. باید بخاطر سپرد که ۳۵/۴ در صد ارزش مواد معدنی فروخته شده از آن معادن فلزی و حدود ۴۴ درصد از آن سنگها و شن‌ها و ماسه‌هاست. زغالسنگ در این زمینه جز حدود ۱۴ درصد ارزش مواد فروخته شده را ندارد.[1]

جمع سرمایه‌هائی که در معادن متشکل ایران بکار افتاده است به حدود ۲۰۰۰ میلیون ریال بالغ است که ۵۴ درصد آن متوجه معادن فلزی و ۱۷/۱ درصد آن از آن معادن زغالسنگ و ۲۲/۹ متوجه سنگها و شن‌ها و ماسه‌هاست. اگر سرمایه‌های بعض معادن در حال کاوش را نیز بحساب آوریم، رقم سرمایه‌های بکارافتاده به حدود ۳۵۰۰ میلیون ریال بالغ می‌شود و در اینصورت در سالهای آخر دهه اخیر سرمایه‌گذاریها از رشدی برابر ۱۲ درصد برخودار بوده است.

* آغازی خوش

دهه اخیر برای صنایع معدنی ایران آغازیست خوش چرا که طی آن نه تنها برنامه‌های اکتشاف و اجازه بهره‌برداری و سرمایه‌گذاری‌ها افزایش داشته بلکه حرکت واقعی ایران بسوی صنعتی‌شدن آگاهی فوق‌العاده‌ای نسبت بارزش منابع زیرزمینی در فرد فرد مردم پدید آورده است که متضمن اعتماد به سرمایه‌گذاریهاست.

معهذا ما از مرحله ایدال بدوریم. خاصه که فعالیت‌های معدنی تا قبل از بهره‌برداری، دانش و سرمایه زیادی را می‌طلبد وانگهی زمان آن رسیده که نسبت به سه امر تصمیم واقعی اتخاذ کنیم: نخست تجدید نظر در تکنیك معدن‌یابی و بهره‌برداری و دوم تعیین حد بخش خصوصی و بخش دولتی در انواع معادن و سوم توجه باینکه در رستاخیز اقتصادی کنونی روستائیان باید سهم خود را از بهره‌برداریهای معدنی از قلمرو جغرافیائی خود داشته باشند. هر یك از این سه مسئله مستلزم برنامه‌های تازه است که تأخیر در آنها آرمان صنعتی‌شدن را لطمه می‌زند.

۱- چهار عدد اخیر بهنگام نقل سرراست شدند.

بانکداری

در دهه انقلاب



بموزات انقلاب شاه و مردم که در مدت ده سال تحولات شگرفی در زندگی اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی ایران پدید آورد و اصول دوازده‌گانه آن‌در سراسر جهان مورد بحث‌وتوجه قرار گرفت و اثرات چشمگیری نیز در فعالیت بخش‌های مهم اقتصادی از خود بجای گذاشت و ضمن بالابردن سطح زندگی عموم طبقات مردم رفاه بیشتری برای آنان فراهم آورد، برنامه صنعتی شدن کشور نیز به پیشرفت همه‌جانبه خود ادامه داد و مردم این مرز و بوم شاهد انجام قسمت اعظم هدف‌های اصلی دو برنامه عمرانی سوم و چهارم بوده و مشاهده نموده‌اند که سرمایه‌گزاریهای بخش خصوصی بویژه در دوره برنامه عمرانی چهارم به نسبت زیادی از میزان تعیین شده در برنامه تجاوز نموده است. در این شرایط بازرگانی داخلی و خارجی‌دائماً رو بتوسعه بوده و علاوه از صادرات کالاهای سنتی فراورده‌های واحدهای صنعتی نیز راه خارج را در پیش گرفتند و بموازات ایجاد قطب‌های صنعتی در مراکز واجد شرایط بهره‌برداری از صنایع سنگین شروع شد و ایران به سرمایه‌گذاری درکشورهای دیگرمبادرت ورزید و حیثیت و اعتبار ایران در بازارهای مالی و تجارتی جهان مقام شایسته خود را بدست‌آورد. بانکهای ایران نیز همواره درحدود مقدورات موجود مساعی خود را با این فعالیت‌ها هم‌آهنگ نموده و با پیروی از دستورات و راهنمائیهای بانك مرکزی ایران برنامه کار وسیاست پولی و اعتباری خود را تا سرحد امکان با سیاست پولی و اعتباری دولت منطبق نمودند.

ما در این نوشته سعی خواهیم کرد تحول

بانکداری ایران را در این دهه مورد بررسی قرار دهیم و این بررسی در سه قسمت بشرح زیر خواهد بود:

*** قسمت اول ـ وضع بانکداری در ایران در سال ۱۳۴۱**

۱ـ سال ۱۳۴۱ سومین سالی بودکه بانکداری در ایران وارد مرحله جدیدی از فعالیت خود شده بود ـ از یکطرف در سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ دوازده بانك جدید و در سال ۱۳۳۹ یك بانك جدید تأسیس گردید و در نتیجه به سیزده بانك موجود در پایان ۱۳۳۶ سیزده بانك دیگر اضافه شد ـ از طرف دیگر بانك مرکزی ایران که لزوم تأسیس آن از مدتها پیش احساس شده بود بموجب قانون بانکی و پولی کشور مصوب خرداد ۱۳۳۹ بوجود آمد و در ۱۸ مرداد ۱۳۳۹ رسماً شروع بکار کرد و چون درست مقارن با روزهای اول تأسیس بانك مرکزی ایران اقتصاد کشور از فشار شدید تورمی و افزایش سریع قیمت‌ها رنج می‌برد و موازنه پرداختهای ایران دچار عدم تعادل شده و موجودی ارزی کشور تقلیل محسوسی یافته بود مسئله مهمی که در مقابل اولین رئیس کل بانك مرکزی ایران در ابتدای تأسیس آن قرار داشت چاره‌اندیشی برای ازبین بردن یا کم کردن عوامل تورم‌زا وتامین موازنه پرداخت‌ها و بهبود وضع اقتصادی بود و برنامه معروف تثبیت اقتصادی در شهریور ماه ۱۳۳۹ تنظیم شد و بمرحله اجرا درآمد و تمام کوشش اولیای بانك مرکزی ایران و مقامات صلاحیتدار دولتی مصروف جلوگیری ازافزایش غیرمطلوب میزان اعتبارات و حذف یا کاهش واردات غیرلازم بود و برای این منظوراقدامات موثری برای کاستن میزان رشد اعتبارات و همگام ساختن جمع کل اعتبارات با بسط اقتصادی کشور و وضع مقررات محدود کننده برای واردات بعمل آمد و برای تکمیل وتضمین برنامه تثبیت اقتصادی تقاضای سی وپنج‌میلیون دلار وام از صندوق بین‌المللی پول بعمل آمد که بتدریج و بمیزان لزوم از آن استفاده شود.

۲ـ اجرای مقررات و محدودیت‌های مربوط به برنامه تثبیت اقتصادی در سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ ادامه یافت و از اوایل سال ۱۳۴۱ اجازه افزایش اعتبارات بانکی در حدود معینی داده شد و بعضی از محدودیت‌های وارداتی برای سفارش کالاهای مورد نیاز کشاورزی و صنایع بتدریج از بین رفت وبالاخره در اواسط سال ۱۳۴۱ میزان سپرده‌های قانونی بانکها و نسبت دارائی‌های آنی به بدهی‌های دیداری بانکها تقلیل داده شد و این‌ها خود علائم و شواهد دور شدن بحران اقتصادی سال ۱۳۳۸ بود.

در مدت دوسال ونیم‌که سیستم بانکی کشور (با سیزده بانك جدیدالتأسیس) با بحران اقتصادی روبرو شده بود بانکها توانستند با پیروی از راهنمائی و نظریات و سیاست‌عمومی بانك مرکزی ایران و شورای پول و اعتبار به مقدار زیادی از عواقب وخیم بحران برکنار بمانند و برای سالهای بعد تجربیات سودمندی بیاموزند ـ بانك مرکزی ایران و شورای‌پول واعتبار نیز پس‌از فراغت ازمبارزه با بحران



واثرات آن فرصت بیشتری برای انجام وظایف دیگر خود یعنی هدایت فعالیت بانکها ونظارت در امور بانکداری و کنترل دقیق توزیع و تخصیص اعتبارات بدست آورند و شورای پول و اعتبار برای سلامت فعالیت بانکهای کشور و تنظیم و توزیع صحیح اعتبارات تصمیماتی در زمینه‌های مختلف اتخاذ و ببانکها برای اجرا ابلاغ نمود.

۳ـ کنفرانس مهم اقتصادی اسفند ماه ۱۳۴۱که یك ماه پس‌از تصویب اصول شش‌گانه انقلاب از طرف مردم ایران تشکیل و با فرمایشهای ملوکانه افتتاح شد توصیه‌های‌چندی در زمینه‌های مختلف بدولت نمود و در زمینه امور پولی و بانکی بویژه نکات زیر را مورد توصیه قرار داده بود.

الف ـ حفظ ارزش داخلی و خارجی پول کشور از راه جلوگیری از افزایش قیمت‌ها و برقراری تعادل ارزی.

ب ـ تأمین امکانات پولی کافی برای رشد و توسعه اقتصادی کشور.

ج- تشویق پس‌انداز کنندگان به پس‌انداز بیشتر ازراه اتخاذ سیاست ارشادی نسبت به‌نرخ بهره‌بانکها برای حسابهای پس‌انداز وسپرده‌های ثابت‌و درنتیجه فراهم آوردن سرمایه لازم برای بسط و توسعه اقتصادی کشور.

د ـ ایجاد تعادل لازم بین مقدورات مالی و احتیاجات سرمایه‌گذاری از راه افزایش‌درآمد ملی و پس‌انداز و تعدیل مطلوب نرخ بهره.

ه ـ نظارت کامل بانك مرکزی نسبت به توزیع اعتبارات و هدایت آن بامور تولیدی و تأمین تسهیلات لازم برای این قبیل فعالیتها.

و- توسعه شبکه بانکی کشور و تخصیص فعالیت بانکها برشته‌های اعتباری معین برحسب طبقه‌بندی آنها.

ز ـ همکاری و تشریك مساعی بانکها به منظور افزایش حیثیت و اعتبار بانکداری‌کشور با رعایت اصول و موازین و سنن بانکی.

۴- بنابراین مقارن با آغاز انقلاب سفید شاه و مردم بانکهای ایران باوجود وضع‌حساسی که اقتصاد ایران داشت ناچار بودند با دور ـ اندیشی خاص و احتیاط‌های لازم خود رابرای پیش‌راندن کشور بسوی عمران و آبادی بیشتر و گسترش صنایع و افزایش تولیدات آماده نموده و در عین‌حال اصول شش‌گانه انقلاب را که می‌بایست در سال‌های بعد (با افزوده شدن شش‌اصل دیگر) هسته مرکزی زندگی اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی کشور را تشکیل دهد از نظر دور نداشته‌و توصیه‌های کنفرانس‌اقتصادی را نیز ملحوظ دارند و با این خصوصیات‌بخوبی می‌توان مسئولیت و وظایف بانك مرکزی ایران و شورای پول و اعتبار را در این میان مجسم نمود و چنانکه بعداً خواهیم دید بانك و شورا با اخذ تصمیم‌های لازم در سالهای بعد و در مواقع حساس با فراهم‌آوردن تسهیلات مورد نیاز و انطباق سیاست پولی و اعتباری خود با احتیاجات اقتصاد کشور بانکها را در اجرای وظایف خود مساعدت و راهنمائی نمودند ودر نتیجه این اقدامات و سیاست‌ها همه‌نوع‌امکانات پولی برای رشد اقتصادی کشور در دهه انقلاب از راه افزایش پس‌اندازها و سرمایه‌گذاریهای داخلی و جلب سرمایه‌های خارجی و تحصیل اعتبارات از موسسات و بانکهای بین‌المللی یا موسسات اعتباری سایر کشورها فراهم شد و با گسترش بی‌سابقه شبکه بانکی (در عرض ده‌سال



مورد بحث جمع کل واحدهای بانکی به بیش از شش برابر رسید) در نقاط دور و نزدیك کشور فعالیت بانکها مخصوصاً در راه جمع‌آوری سپرده‌ها و بکار بردن آن در رشته‌های مختلف فعالیت اقتصادی و نیز سایر خدمات بانکی توسعه زیادی پیدا کرد و بقسمیکه در صفحات بعد بیان خواهد شد رشد متوسط اقلام مختلف فعالیت بانکها در سالهای مورد رسیدگی بین شانزده و پنجاه‌و چهار درصد بوده است.

*** قسمت دوم ـ تحولات اساسی بانکداری در ایران در دهه انقلاب**

در خلال ده سال مورد رسیدگی قوانین ـ تصویب‌نامه‌ها و مقررات زیادی که باموربانکی و پولی مربوط می‌شده و همه در راه تجهیز بیشتر وتوزیع بهترمنابع پولی بمنظورپیشرفت صنایع و آبادانی کشور و رفاه حال طبقات مختلف مردم بوده است وضع گردیده وسازمان‌های جدیدی بوجود آمده که ما در اینجا به‌بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ـ تاسیس مرکز جلب وحمایت سرمایه‌های خارجی در بانك مرکزی ایران ـ در تاریخ ۱۳۴۱/۲/۱۵ بموجب‌تصویب‌نامه هیئت‌وزیران کلیه امور مربوط به جلب و تشویق سرمایه‌های خارجی در بانك مرکزی ایران متمرکز گردید و مقرر شد یك‌کمیته دائمی مرکب ازنمایندگان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذیربط با هیئت رسیدگی به جلب وحمایت سرمایه‌های خارجی (که ریاست آن با رئیس کل بانك مرکزی است) در کلیه امور مربوط به کار سرمایه‌گذاران خارجی درایران همکاری نماید ـ بایدعلاوه‌کرد که در سال ۱۳۴۹ مرکز نامبرده از بانك‌مرکزی ایران منتزع و جزء وزارت اقتصاد گردید.

۲ـ اسناد خزانه ـ در تاریخ ۱۳۴۱/۸/۹ تصویب‌نامه قانونی اسناد خزانه صادر شد و وزارت دارائی از تیرماه ۱۳۴۲ به‌بعد به‌صدور اسناد خزانه سه‌ماهه ـ شش‌ماهه و یکساله با بهره شش‌درصد در سال (معاف از مالیات بردرآمد) پرداخت و تعدادی از بانکهای کشور بعنوان عامل مأمور فروش و پرداخت بهره و بازپرداخت وجه اسناد در سررسید گردیدند ـ قائم مقام رئیس کل بانك مرکزی ایران و یکی از روسای بانهای خصوصی (بانتخاب کانون بانکها) جزو اعضای هیئت نظارت اسنادخزانه بودند ـ با انتشار اسناد خزانه اولین قدم‌برای آشنا ساختن مردم و موسسات به سرمایه‌گذاری وجوه پس‌انداز خود در اوراق بهادار دولتی برداشته شد ـ قسمت اعظم وجوه حاصل از فروش اسناد خزانه برای امور عمرانی‌دراختیار سازمان برنامه قرارگرفت ـ بعلاوه قانون‌بودجه سال ۱۳۴۶ (تبصره ۳۳) صدور اوراق قرضه دفاعی و عمرانی را پیش‌بینی نمود ـ نرخ‌بهره و سررسید این اوراق با توجه به وضع بازار پول در هرمورد تعیین می‌شود، پس‌از صدور اوراق قرضه، اسناد خزانه در جریان بتدریج بازپرداخت شد بقسمیکه در پایان سال ۱۳۵۰ دیگر سند خزانه‌ای در جریان نمانده بود ـ در حال حاضر عده‌ای از صاحبان پس‌انداز به خرید و نگاهداری اوراق قرضه عادت کرده و از بهره‌های قابل ملاحظه آن (از ۸ تا ۹ درصد درسال برحسب مدت) که از مالیات بردرآمدنیز



معاف است بهره‌مند میشوند.

۳ـ تاسیس بورس اوراق بهادار ـ قانون بورس اوراق بهادار در تاریخ ۱۳۴۵/۲/۲۴ از تصویب قوه مقننه گذشت و بورس اوراق بهادار تهران طی تشریفات خاصی گشایش یافت و سازمان بورس از پانزدهم بهمن ماه ۱۳۴۶ رسما مشغول کار گردید ـ برای حسن جریان امور بورس اولین کارگران‌بورس ازبین بانکهای کشور انتخاب گردیدند تابعداً درفرصت مناسبی افراد واجد صلاحیت و دارای معلومات کافی و تجربه لازم در امور بورس باین سمت گمارده شوند.

بورس تهران کار خود را به کندی آغاز کرد و بتدریج فعالیت آن توسعه یافت و در حالیکه در سال اول تأسیس فقط سهام دوشرکت قابل معامله در بورس تهران بود درحال‌حاضر سهام متجاوز از بیست شرکت و همچنین‌اوراق قرضه دولتی و اوراق قرضه عباس‌آباد و دستور پرداخت اصلاحات ارضی در بورس تهران مورد معامله قرار میگیرد.

تأسیس بورس اوراق بهادار تهران با این امیدواری همراه بود که بازار سرمایه بمعنای حقیقی در ایران پایه‌گزاری شده و توسعه‌یابد ـ با اینکه راه درازی برای وصول باین هدف در پیش است امیدواریم با فروش سهام کارخانجات به کارمندان و کارگران کارخانجات و عرضه آنها بعموم مردم و سایر برنامه‌های مشابه که باید در دوران برنامه عمرانی پنجم اجرا شود فعالیت بورس تهران وسعت بیشتری پیدا کند و در نتیجه صاحبان پس‌انداز و سرمایه بتوانند با مراجعه به آن سرمایه‌گذاری مطلوب خود را انجام داده و صاحبان اوراق بهادار بتوانند آنها را با فروش در بورس بپول تبدیل‌نمایند.

۴ـ تاسیس اداره تمرکز تعهدات در بانک مرکزی ایران ـ چون با توسعه شبکه بانکی و افزایش شعبه‌های بانک اشخاص و موسساتی بودند که در عین‌حال در چند شعبه بانک و نزد چند بانک حساب داشتند و از تسهیلات‌اعتباری مختلفی در واحدهای مختلف بانکی استفاده می‌نمودند لازم بود که جمع تعهدات هرکدام برای بانک مرکزی و عموم بانک‌ها معلوم‌باشد تا امر نظارت برتوزیع اعتبارات در کلیه مراحل ممکن وآسان گردد بدین منظور پس‌از مطالعات کافی اداره تمرکز تعهدات در بانک مرکزی ایران بوجود آمد و کار خود را رسماً از اول سال ۱۳۴۶ شروع کرد ـ بدین ترتیب یکی از کارهای بسیار ضروری و مفید برای استفاده کلیه بانکها توسط این افراد انجام می‌شود و در حال حاضر فعالیت این‌اداره مربوط به‌تهران است و ممکن است در آتیه نیز بشهرستانها برسد.

۵ـ قانون تشویق پس‌انداز مسکن ـ در تاریخ ۱۳۴۶/۴/۱۰ قانون تشویق پس‌انداز مسکن از تصویب قوه مقننه گذشت و بموجب آن تأسیس شرکت‌های پس‌انداز و وام مسکن پیش‌بینی شد ـ این شرکت‌ها در نقاطی که بانک رهنی ایران مقتضی بداند تأسیس شده و از لحاظ اداره و جلب پس‌اندازها و دادن وام و روابط بین شرکا و شرکت تابع مقررات خاصی خواهند بود که از طرف بانک رهنی ایران تهیه و به تصویب شورای پول و اعتبار خواهدرسید ـ این شرکت‌ها می‌توانند سپرده‌های پس‌انداز فقط از اعضای خود و سپرده‌های مدت‌دار از کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی



دریافت نموده و طبق تعرفه‌های مصوبه بهره باین سپرده‌ها بپردازند ــ بعلاوه درصورت حصول شرایط لازم این شرکت‌ها می‌توانند با ضمانت بانك رهنی ایران وام‌هائی که تا یك برابرونیم سرمایه پرداخت شده آنان خواهد بود از بانك مرکزی ایران با بهره کم دریافت دارند.

اولین شرکت پس‌انداز و وام مسکن‌در سال ۱۳۵۰ با نام شرکت پس‌انداز و وام‌مسکن کورش کبیر در تهران با سرمایه اولیه دویست میلیون ریال (که بعداً به سیصد میلیون ریال افزایش یافت) شروع بکار کرد و تاکنون به ۱۷۰۰ نفر حدود یك میلیارد ریال وام مسکن داده است ــ شرکت‌های دیگری نیز در بعضی از استانها با تشریك مساعی همه‌جانبه بانك‌رهنی ایران بوجود آمده یا در شرف تأسیس است.

باید دانست که قانون تشویق پس‌انداز مسکن و تأسیس شرکت‌های پس‌انداز و وام مسکن با الهام از نیات عالیه رهبر عالیقدر کشور بمنظور ایجاد مسکن با قیمت مناسب برای مردم بوجود آمده و این شرکت با سرمایه‌های خود و وام‌هائی که میگیرند و نیز از محل پس‌اندازهای اعضای خود و سپرده‌ای مدت‌دار دریافتی وام مسکن باعضای خود میدهند و این وام‌ها باقساط طویل‌المدت قابل استرداد است و فقط بدلیل همین‌هدف عالی ونیت خیرخواهانه است که برای اولین‌بار از طرف مقامات رسمی بانکی ایران (بانك مرکزی ایران و شورای‌پول و اعتبار) به مؤسسات غیربانکی اجازه دریافت سپرده پس‌انداز و سپرده مدت‌دار داده شده‌است و بهمین دلیل مشخصات و حدود عملیات شرکت و شرایط آن در اساسنامه این شرکت‌ها که به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده است به روشنی ذکر شده و نظارت کامل در اجرای آن بعمل خواهد آمد.

۶ـ تاسیس‌صندوق توسعه‌کشاورزی ایرانـ بموجب قانون ۱۳۴۵/۱۰/۲۹ و مواد الحاقی مصوب ۱۳۴۷/۲/۲۴ صندوق توسعه‌کشاورزی ایران با سرمایه اولیه یك میلیارد ریال تشکیل و درسال ۱۳۴۷ شروع بکارکرد ــهدف‌صندوق تشویق سرمایه‌گذاریهای خصوصی در امر کشاورزی و دامپروری و بسط و ترویج کشاورزی تجاری و تأمین مواد غذائی بیشتر و تهیه مواد اولیه صنایع کشاورزی و توسعه صادرات محصولات کشاورزی است ـ تمام سرمایه صندوق متعلق بدولت است ـ صندوق می‌تواند برای پیشرفت عملیات خود با تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام خود حداکثر تا میزان هم‌ارز دویست میلیون دلار با تضمین دولت وام یا اعتبار تحصیل نمایدو نیزمی‌تواند با تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام خود اوراق قرضه توسعه کشاورزی بمیزان حداکثر پنج‌میلیارد ریال منتشر نماید و دولت پرداخت بهره و بازپرداخت اصل اوراق نامبرده را تضمین می‌نماید وصندوق میتواند درشرکت‌های خصوصی از طریق مشارکت سرمایه‌گذاری نماید‌ـ حداقل مجاز وام‌های صندوق در ابتدا ۵میلیون ریال بود ولی برای استفاده بیشتر کشاورزان این حداقل در سال ۱۳۵۰ به یك میلیون‌ریال تقلیل داده شد ــ باید دانست که در سال جاری سرمایه صندوق به دو میلیارد ریال افزایش داده شد و از این مبلغ شصت درصد آن پرداخت شده و بقیه تعهدی است و صندوق تاکنون حدود یك میلیارد و دویست



میلیون ریال از راه وام و یا مشارکت به کشاورزان و موسسات کشاورزی کمك کرده است.

۷ـ اطاق پایاپای اسناد بانکی ـ اداره پایاپای بانکها که برای تصفیه چکهای صادر عهده بانکها در بهمن ماه ۱۳۴۰ در بانك مرکزی ایران تأسیس شده و با عضویت هفده بانك[1] مشغول کار بود در تیرماه ۱۳۴۸ از بانك مرکزی ایران منتزع و با عضویت بیست و چهار بانك بصورت سازمان مستقلی با اساسنامه جدید ونام‌اطاق پایاپای اسناد بانکی مشغول کار شد ـ در این اطاق روزانه حدود بیست و پنج هزار برگ چك بمبلغ نزدیك به یك میلیارد و پانصد میلیون ریال بطور متوسط مبادله و تصفیه می‌شود و این عمل مبادله و تصفیه که در دو جلسه نیم‌ساعته انجام میگیرد موجب صرفه‌جوئی قابل ملاحظه‌ای در وقت و هزینه بانکها گشته و وصول و ایصال چکهای مشتریان عمده بانك‌های مختلف را تسریع و آسان می‌نماید ـ با پیشرفت وسعت عمل بانکها و ازدیاد فعالیت آنها برمیزان فعالیت اطاق پایاپای اسناد بانکی (اداره پایاپای سابق) به میزان قابل ملاحظه‌ای افزوده شده و جدول زیر فعالیت سازمان نامبرده را طی ده سال گذشته بخوبی نشان میدهد.

	تعداد بانکهای عضو	تعداد اسناد مبادله شده	مبلغ اسناد مبادله شده به میلیون ریال
سال ۱۳۴۰	۱۰	۵۰۶۱۸	۶۸۷۱
سال ۱۳۵۰	۲۴	۸۶۰۵۸۰۰	۵۲۰۸۰۰

۸ـ مقررات استخدامی بانکها ـ تا سال ۱۳۴۷ بانکها مقررات استخدامی یکنواختی نداشتند وپایه حقوق و سایر شرایط خدمت در بیشتر بانکها متفاوت بود در اثر مذاکرات و بررسی‌هائی که بعمل آمد سرانجام در اواخر سال ۱۳۴۸ با ارشاد دو تشریك مساعی وزارت کار و اموراجتماعی بانکهائی‌که مقررات قانونی استخدامی نداشتند با طرح مقررات استخدامی یکنواختی موافقت نمودند و طرح نامبرده از اول سال ۱۳۴۹ بموقع اجرا درآمد، بموجب این طرح حداقل‌حقوق‌ثابت مستخدمین‌جزء درابتدای ورود بخدمت چهارهزار ریال و حداقل حقوق ثابت کارمندان دارای گواهینامه دوره دوم دبیرستان در ابتدای ورود بخدمت شش‌هزارریال تعیین گردید و نیز مقرر شد کلیه بانکها هرماه شش درصد از حقوق کارمند برداشت نموده و معادل‌دوازده درصدحقوق‌کارمنداز وجوه‌خودبانك بآن بیفزایند و این هیجده درصد را بحساب صندوق بازنشستگی منظور نموده و بآن بهره‌ای بقرار حداقل شش درصد در سال بپردازند و مقرر شد بعدأکمیسیون‌های ذی‌صلاحیت موضوع استفاده‌کارمندان بانکها از حساب صندوق باز-

۱- دراولین سال تاسیس فقط ده‌بانك‌عضو اداره‌پایاپای بانکها بودند



نشستگی را بررسی نموده و فورمول‌های مقتضی پیشنهاد نمایند تا اینکه پس از تصویب قانون حمایت کارمندان مؤسسات خصوصی در برابر اثرات ناشی از پیری ـ کارافتادگی و فوت در اسفند ۱۳۴۹ و آئین‌نامه اجرائی آن که در نیمه اول سال ۱۳۵۱ تصویب گردیدکسورباز نشستگی کارمندان بانکها ازشش و دوازده درصد به‌هفت و چهارده درصد افزایش یافت و مقرر گردید بانکهای مشمول قانون حمایت یك صندوق مشترك بازنشستگی تأسیس نمایند و کلیه وجوه فوق بحساب صندوق نزد بانکها سپرده شده و با نظر صندوق از آن وجوه استفاده شود ـ اساسنامه این‌قبیل صندوق‌ها بتصویب شورایعالی تأمین اجتماعی خواهد رسید ـ بدین‌ترتیب اقدامات مفید دولت در راه تأمین رفاه طبقات مختلف شامل عده دیگری از افراد فعال کشور یعنی کارمندان بانکها شد و با برقراری بازنشستگی و بیمه ازکارافتادگی برای اولین‌بار تأمین‌خاطر آنان فراهم شده است.

۹ـ اساسنامه جدید کانون بانکها ـ در تاریخ ۱۳۵۰/۳/۲۹ اساسنامه کانون بانکها[۱] مورد تجدید نظر قرار گرفت و کلیه بانکهای کشور بعضویت کانون درآمدند. با اجرای اساسنامه‌جدید وعضویت‌عموم‌بانکهاکانون بانکها در نظر دارد فعالیت‌های‌شایسته‌ای در راه هدف‌های مندرج در اساسنامه خود بعمل آورد ـ با توجه به‌قانون جدید پولی وبانکی مصوب ۱۳۵۱ بویژه با توجه به‌الزام تصویب اساسنامه کانون در شورای پول و اعتبار و عضویت مدیرعامل کانون‌دراین شورا و لزوم عضویت‌کلیه بانکهای کشور در کانون و شناخته شدن شخصیت‌حقوقی و استقلال مالی کانون امید است بانکها وکانون بانکها با هدایت بانك مرکزی ایران قدم‌های بلندی در راه توسعه و تقویت سیستم بانکی بردارند.

۱۰ ـ قانون جدید پولی و بانکی کشور ـ در ۱۸ تیرماه ۱۳۵۱ قانون بانکی و پولی‌کشور مصوب خرداد ۱۳۳۹ مورد تجدید نظر قرار گرفت و این قانون با در نظر گرفتن تحولات ده‌ساله اخیر در زمینه‌های اقتصادی ـ مالی ـ پولی ـ بانکی و ارزی تدوین و تصویب شد ـ مطالعه قانون جدید نوآوری‌های بسیاری را در اموربانکی‌نمایان می‌سازد. ازجمله‌یکی‌توجه‌بیشتر به‌کانون بانکها و فعالیت آن است که بآن‌اشاره شد. دیگر الزام بانکها باینکه حتماً بصورت شرکت سهامی عام باشند ـ ونیز باید ازافزایش حداقل سرمایه بانکها از یکصد میلیون ریال به دویست میلیون ریال (۵۰ درصد پرداخت‌شده) و تقلیل سهم خارجیان در بانکهای ایرانی از۴۹ درصد (قانون قدیم) به‌چهل درصد وپیش‌بینی فعالیت مؤسسات اعتباری غیر بانکی و غیره نام برد ـ ناگفته نماند که قانون جدید تغییراتی در ترکیب شورای پول و اعتبار و هیئت عامل بانك مرکزی داده و قدرت اجرائی بانك مرکزی را نسبت‌بگذشته بیشترکرده است.

۱۱ـ تحولات شبکه بانکی کشور ـ در طی

۱ـ کانون بانکها در سال ۱۳۳۹ بمنظور حمایت از حقوق و منافع قانونی بانکها و ایجاد همکاری بین آنان و تقویت سیستم بانکی کشور بوجود آمد



ده‌سال (۱۳۴۱ـ۱۳۵۰)[۱] جمع واحدهای بانکی در سراسر کشور از ۱۰۷۳ واحد به ۶۵۳۱ واحد رسیده یعنی بیش از شش برابر شده که رشد متوسط سالیانه آن بیش از پنجاه‌درصدمی‌شود. و جمع کل سپرده‌های بانکها نیز بیش از شش برابر شده که رشد متوسط سالیانه آن حدود۵۴درصد است ـ همین‌چندرقم‌توسعه‌فعالیت بانکها در دهه‌انقلاب را بخوبی نشان میدهد و ما توضیحات بیشتری در این زمینه درقسمت سوم خواهیم داد ـ بانکهای ایران که در ابتدای‌سال ۱۳۴۱ شعبه‌ای در خارج از کشور نداشتندا‌کنون ۳۴ شعبه در خارجه دارند که بامور تجاری و ارزی ایرانیان و غیر ایرانیان می‌پرداند. بعلاوه بعلت ثبات وضع سیاسی و رونق روزافزون و چشمگیر اوضاع‌اقتصادی ایران وآتیه‌درخشان آن تهران در سالهای اخیر از نظر امور بانکی و پولی مرکزیت خاصی پیدا کرده و بعضی از مؤسسات بانکی معتبر خارجی دفتر نمایندگی در ایران تأسیس کرده‌اند و بعضی دفتر نمایندگی خود در خاورمیانه را به‌تهران منتقل نموداند.

بانکهای کشور مخصوصاً بانکهائی که در سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ تأسیس شدند در کادر خود افراد تحصیلکرده در امور بانکی به تعداد کافی نداشتند لیکن در دهه انقلاب بموازات توسعه تحصیلات دانشگاهی در سطح کشور و هم زمان با بوجود آمدن مدارس عالی حسابداری ـ بازرگانی ـ بانکی و غیره بعضی از بانکها با تأسیس کلاس‌های ویژه بانکداری (علمی و عملی) در داخل بانك و تشویق و مساعدت کارمندان خود به استفاده از مؤسسات آموزش عالی و اعزام کارمند بخارجه برای تحصیلات علمی و عملی بانکداری هر ساله بر میزان آموزش علمی و عملی بانکی افراد خود افزودند و تعداد قابل ملاحظه‌ای اشخاص ذی‌فن و ذی‌ـ صلاحیت در کادر پرسنلی بانکها مشغول کار شدند ـ در این خصوص تبدیل انستیتوی علوم بانکی (تأسیس ۱۳۳۸) به مؤسسه علوم بانکی ایران که با اساسنامه جدید خود درسال تحصیلی ۱۳۴۲ـ۱۳۴۳ شروع بکار کرد و تاکنون ۴۰۲ دانشجو از آن فارغ‌التحصیل شده و کادر فنی بانکها را تقویت کرده‌اند شایان اهمیت است ـ همچنین باید در اینجا به تأسیس صندوق کمك تحصیلی بانکی در سال ۱۳۴۶ با مشارکت کلیه بانکها اشاره نمود. این صندوق سالانه بورسهائی برای تحصیل در رشته‌های بانکی ـ حسابداری و بازرگانی در دانشگاههای ایران و کشورهای دیگر در اختیار دانشجویان میگذارد ـ در زمینه استفاده از تکنولوژی نو در فعالیت‌های بانکی باید متذکر شد که اغلب بانکها در حال حاضر از انواع ماشین‌های الکترونیکی و غیرـ الکترونیکی برای حسابهای خوداستفاده میکنند.

*** قسمت‌سوم ـ بررسی وضع بانکداری‌ایران درحال حاضرومقایسه آن بادوره قبل‌ازانقلاب**

در صفحات قبل توضیحات اجمالی درباره

[۱] چون در تاریخ تحریر این صفحات (دیماه ۱۳۵۱) آمار مربوط به‌عملیات بانکها مربوط به‌سال ۱۳۵۱ در دست نیست ناچار ارقام و آمار مربوط به‌ده‌سالی که از اول ۱۳۴۱ شروع و بآخر ۱۳۵۰ ختم می‌شود ملاك مطالعه قرارگرفته است.



ارقام به میلیون ریال

	پایان سال ۱۳۴۰	پایان سال ۱۳۵۰	رشد متوسط سالیانه در مدت ده سال
۱ـ اسکناس و مسکوک منتشرشده[1]	۲۰۹۲۴	۶۳۳۰۲	۲۰/۲ درصد
۲ـ حجم پول[2]	۴۱۲۹۲	۱۱۷۰۰۰	۱۸/۳ درصد
۳ـ شبه پول[3]	۱۵۴۴۶	۱۷۹۳۰۰	۱۰۶ درصد
۴ـ سرمایه و اندوخته‌های بانک‌ها[4]	۱۶۵۲۷	۴۲۶۰۰	۱۵/۷ درصد
۵ـ سپرده‌ها[5]	۴۵۵۲۲	۲۹۱۷۰۰	۵۴ درصد
۶ـ سپرده قانونی بانکها	۵۴۲۲	۴۱۲۰۰	۶۶ درصد
۷ـ اعتبارات در سیستم بانکی[6]	۷۸۰۰۰	۴۵۳۹۰۰	۴۸/۲ درصد
۸ـ جمع‌دارائیهای بانکهای تجاری و تخصصی	۹۶۸۷۲	۴۵۷۵۰۰	۳۷/۲ درصد

فعالیت بانکها در دهه انقلاب داده شده اینک برای روشن شدن نحوه و میزان فعالیت بانکها آمار مندرج در جدول بالا را مورد مطالعه قرار میدهیم.

از بررسی آمار جدول فوق که از انتشارات ماهیانه و سالیانه بانك مرکزی ایران وسایر بانکها استخراج شده و در هر حال با مختصر تقریبی همراه است میتوان نتیجه‌گیری‌های زیادی بعمل آورد و ما در اینجا بچند نکته قابل توجه در این زمینه اشاره می‌کنم:

۱ـ اسکناس و مسکوك منتشر شده در خلال ده سال سه برابر و حجم پول ۲/۸۳ برابر شده و رشد متوسط سالیانه هر دو نزدیك بهم می‌باشد معهذا باید یادآوری نمود که افزایش سالیانه و منظم حجم پول با افزایش نیاز مردم بوسیله پرداخت و رشد اقتصادی کشور بویژه با سرعت این‌رشد متناسب بوده‌و نسبت‌مستقیمی با افزایش سالیانه جمعیت کشور دارد بعلاوه چون سپرده‌های دیداری بخش خصوصی نزد بانکها یکی از عوامل متشکل حجم پول می‌باشد افزایش منظم این سپرده‌ها نیز در اضافه‌شدن حجم پول مؤثر بوده است.

۲ـ میزان شبه پول یعنی جمع سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار بخش خصوصی بیش از

۱ـ بطور متوسط میتوان میزان مسکوك منتشر شده را حدود سه‌درصد میزان اسکناس منتشر شده دانست

۲ـ شامل اسکناس و مسکوك در دست مردم بعلاوه سپرده‌های دیداری بخش خصوصی می‌باشد

۳ـ شامل سپرده‌های پس‌انداز ومدت‌دار بخش‌خصوصی می‌باشد

۴ـ شامل سرمایه پرداخت شده و الدوخته‌های قانونی و احتیاطی بانکها (باستثنای بانك مرکزی) می‌باشد

۵ـ شامل کل سپرده‌های بخش خصوصی و سپرده‌های دیداری و مدت‌دار بخش دولتی نزد بانکهای تجاری و تخصصی می‌باشد

۶ـ شامل اعتبارات اعطائی بانك مرکزی به‌بخش دولتی و اعتبارات اعطائی سایر بانکها به بخش دولتی و بخش خصوصی میباشد.



یازده برابر شده و این موضوع نشانه بارزی از رشد اقتصادی و افزایش سطح درآمد عموم مردم کشور است. مخصوصاً با توجه باینکه رشد متوسط سالیانه‌سپرده‌های‌پس‌انداز حدودچهارده درصد بیش از رشد متوسط سالیانه سپرده‌های مدت‌دار بوده است معلوم می‌شود که حتی‌طبقات کم درآمد نیز به پس‌انداز کردن عادت کرده‌اند.

۳ـ سرمایه پرداخته شده و اندوخته‌های قانونی و احتیاطی بانکهای تجاری و تخصصی در خلال مدت مورد بررسی ۲/۵۷ برابر شده است معهذا قسمت اعظم افزایش سرمایه بانکها مربوط به چهار بانك تخصصی (دو بانك‌صنعتی ـ بانك رهنی ـ بانك کشاورزی) بوده وسرمایه آنها در خلال ده سال از حدود ۷۶۴۹ میلیون ریال به حدود ۲۱۳۲۶ میلیون ریال یعنی به ۲/۷۸ برابر رسیده و بقسمیکه میدانیم فعالیت اساسی این چهار بانك تأمین اعتبارات صنعتی و تولیدی و ساختمانی و کشاورزی بوده است ـ دو بانك صنعتی از محل سرمایه و وجوه دیگری که از منابع داخلی و خارجی تحصیل کرده‌اند به صدها واحد صنعتی بزرگ و کوچك اعتبار و کمك فنی داده‌اند ـ بانك رهنی و مؤسسات تابعه آن از محل سرمایه و سپرده‌ها و وجوه دیگر در راه تأمین مسکن بویژه تأمین مسکن برای افراد کم درآمد و یا با درآمد متوسط‌قدم‌های مفیدی برداشته وبرنامه‌های وسیعتری‌برای سالهای بعد تنظیم کرده‌اند وبالاخره بانك‌تعاون کشاورزی ایران در عرض ده سال از محل سرمایه و سپرده‌های خود و نیز از محل‌اعتبارات ویژه دیگر متجاوز از سه میلیون و سیصدهزار وام کوچك و متوسط و بزرگ بمبلغ تقریبی ۵۴ میلیارد ریال بزارعین و مؤسسات وشرکت‌های کشاورزی ونیز شرکت‌های تعاونی‌روستائی و واحدهای مشابه وام داده است و این وام‌ها بیشتر در اجرای قانون اصلاحات ارضی به پیشرفت امورکشاورزان ودامداران وساختمان‌های روستائی و تأسیسات عمومی دهات کمك کرده است و قسمت قابل ملاحظه‌ای از این وام‌ها به بخش تعاونی اختصاص یافته است.

۴ـ جمع کل سپرده‌های بانکهای تجاری و تخصصی در عرض ده سال متجاوز از ۶/۴ برابر شده و رشد متوسط سالیانه آن ۵۴درصد بوده است در ابتدای دهه انقلاب جمع کل این سپرده‌ها ۲/۷ برابر سرمایه و اندوخته‌های بانکها بوده و حال آنکه در پایان سال ۱۳۵۰ این نسبت به ۷ برابر رسیده ـ در پایان سال ۱۳۵۰ بانکهای تجاری و تخصصی از محل این سپرده‌ها و سرمایه و اندوخته‌ها و سایر امکانات خود (وام‌ها و وجوه ویژه) حدود ۲۷۷ میلیارد ریال اعتبار به بخش خصوصی داده‌اند که بر حسب اهمیت بترتیب در بخش بازرگانی داخلی (۲۶/۸ درصد)، بخش‌کشاورزی وصنعت ومعدن (۲۱/۸ درصد)، بخش ساختمان (۱۲/۵ درصد) و واردات و صادرات و سایر بخش‌ها بمصرف رسیده است.

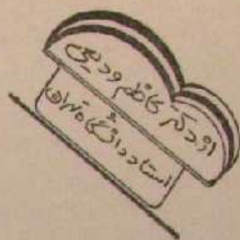
۵ـ اعتبارات سیستم بانکی نیز در عرض ده سال ۵/۸ برابر شده است. از این اعتبارات در پایان سال ۱۳۵۰ بترتیب ۲۷۷/۶ و ۱۷۶/۳ میلیارد ریال به بخش خصوصی وبخش دولتی اختصاص داده شده است ـ از اعتبارات بخش دولتی حدود ۵۶ درصد در اختیارسازمان برنامه، ۳۲ درصد در اختیار خزانه‌داریکل و ۱۲ درصد در اختیار سایر مؤسسات دولتی‌قرار گرفته است.



۶ـ جمع دارائیهای بانکهای تجاری و تخصصی نیز در عرض دوره مورد رسیدگی ۴/۷ برابر شده و این افزایش تناسب معقولی با افزایش اقلام متشکله آن دارد ـ رشدمتوسط سالیانه جمع دارائیهای بانکهای نامبرده که ۳۷/۲ درصد است معیار شایسته‌ای برای سنجش و بررسی چگونگی پیشرفت فعالیت بانکها از یکطرف و توسعه حرفه بانکداری در ایران از طرف دیگر می‌باشد.

پس از بررسی‌هائی که در صفحات بالا بعمل آمد باید توجه نمود که در این موقع که تمام عوامل ملی و بین‌المللی (اعم از عوامل اقتصادی و سیاسی) مؤید و مشوق توسعه همه جانبه اقتصادی ایران و پیشرفت منظم کشور در راه عمران و آبادی هستند، در زمانی که مقارن با برگزاری جشن بزرگداشت دهه‌انقلاب سفید ملت ایران برهبری شاهنشاه آریامهر با امید فراوان باستقبال برنامه عمرانی پنجم میرود، سازمان بانکی کشور با هدایت بانك مرکزی ایران و شورای پول و اعتبار وظایف بسیار سنگین و دقیقی در پیش دارد ـ درپنجسال آینده که بودجه برنامه عمرانی پنجم معادل بودجه چهار برنامه عمرانی سابق بوده وانتظار بهره‌برداری از صنایع سنگین و اجرای پروژه‌های بزرگ جدید در رشته‌های معدنی وصنعتی و کشاورزی دورنمای اقتصاد کشور را با خطوط برجسته و روشن در مقابل دیدگان عموم مردم ایران و جهان ترسیم می‌نماید و ارقام بی‌نهایت بزرگی در برنامه سرمایه‌گزاریهای داخلی (بخش دولتی وبخش‌خصوصی) خارجی بچشم می‌خورد، عموم بانکهای کشور آماده هم‌آهنگی با این توسعه و پیشرفت‌خواهند بود و به نسبت استعداد و برنامه کار خودسعی بلیغ درپیش‌برد برنامه‌های اقتصادی دولت بعمل خواهند آورد.

توجه قابل ستایش دولت بامور خانه‌سازی و تأمین مسکن طبقات کم درآمد ایجاب می‌نماید که بانکها با استفاده از قانون تأمین اعتبارات مسکن و تشویق خانه‌سازی در حدود امکان در این کار شرکت و مداخله نمایند ـ بهمین نحو بانکها میتوانند با بررسی کلیه جوانب و تمهید مقدمات و بوجود آوردن وسایل لازم با تشریك‌مساعی‌مقامات رسمی مملکتی بهرطریقی که مقدور باشدنحوه سوق‌دادن سهمی‌ازاعتبارات خود به بخش کشاورزی را که منظور نظر خاص اولیای امور است مورد رسیدگی واقدام قرار دهند و بالاخره وسعت میدان فعالیت‌های صنعتی و تولیدی کشور در سال آینده بحدی است که شرکت بیشتر بانکها را در اعطای وام‌های متوسط مدت صنعتی و افزایش میزان اعتبارات تنخواه‌گردان واحدهای تولیدی ایجاب می‌نماید. البته بانکهای کشور ممکن است برای اجرای این برنامه‌ها مسائل و مشکلات واحیاناً پیشنهادهائی داشته باشند ولی مسلماً این مسائل و مشکلات و پیشنهادات با همکاری و راهنمائی شورای پول و اعتبار و بانك مرکزی ایران و توجه مقامات بالاتر قابل چاره‌جوئی و حل و فصل میباشد مضافاً باینکه بانکها در سالهای آینده بهتر از گذشته می‌توانند تحت شرایط خاصی از اعتبارات مؤسسات بین‌المللی و نیز اعتبارات مؤسسات کشورهای مختلف برخوردار شوند.



توسعه ام

انکارناپذیرترین بخش توسعه دهه اخیر نهضت ساختمانی است که ذات مادی و طبیعت حجم‌آفرین آن همه‌جا را متأثر کرده است. بخش ساختمان در برنامه‌ریزیهای ایران هرگونه فعالیت ساختمانی‌را اعم از راه و پل و سد و بنای‌غیرمسکون و بنای مسکون را دربر میگیرد. درین نوشته توجه ما به‌واحدهای مسکونی است که عبارتند از یك ساختمان و یا قسمت مستقلی از یك ساختمان که محل سکونت یك یا چند خانوار معمولی‌اند.[1]

بیش از اینها مسکن در برنامه‌های مملکتی جای بزرگی را اشغال نمیکرد، بعبارت دیگر دولت در امر مسکن و تأمین آن تقریباً بهیچگونه‌سرمایه‌گذاری و ارشاد و برنامه‌ریزی دست نمیزد. از آغازبرنامه‌اول و سپس دربرنامه دوم مختصرتوجهی باین قضیه مبذول شد، معهذا تا آغاز برنامه سوم ایران سیاست قاطعی برای مسکن نداشت. همزمان با تحولات زیر بنائی و تجدید نظر در سازمانهای دولتی و متناسب با نیازمندیهای هدفهای انقلاب سفید وظائف مربوط به‌امر ساختمان و تأمین مسکن در سراسر کشور بعهدهٔ وزارت آبادانی و مسکن قرارگرفت. بنابراین ازعمرمطالعات مربوط به‌مسکن و برنامه‌ریزیهای آن زمانی زیاد نمیگذرد. بعنوان آشنا ساختن ذهن باین سیاست جدید بد نیست مقدمتاً بدانیم که طی برنامه سوم و چهارم یعنی از سال ۴۲ تا پایان ۴۸ سازمان فوق‌الذکر قریب به ده هزار خانه سازمانی و غیرسازمانی و یا خانه ارزانقیمت ساخته است. بدیهی است بهمان اندازه

۱ـ خانوار معمولی به یك یا چند نفر که هم‌خرج و دارای تغذیه مشترك‌اند و اقامتگاه معمولی آنان در یك واحدمسکونی است بدون‌ضرورت‌خویشاوندی اطلاق میشود. تعریف از مرکز آمار ایران

مسکن

در دهه اول انقلاب سفید

که دولت در امر ساختمان راهها و سدها و ابنیه مهم نقش و وظیفه‌ای برتر و موسع دارد، در امر تأمین مسکن صرفنظر از جنبه‌های ارشادی همیشه ترجیح میدهد که بخش خصوصی فعالانه وارد عمل شود زیرا مسکن بعنوان عامل اساسی در رونق اقتصاد داخلی و داد و ستدها و رواج سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال نقش مهمی را ایفا کرده است. بنابراین دلیلی ندارد که سهم بخش عمومی در تدارك و تأمین مسکن از حدود احتیاجات خود و ارشاد مردم تجاوز کند.

فهم ابعاد مسئله مسکن در ایران بی درنظر گرفتن حرکت اصلی جمعیت ایران در سالهای‌اخیر میسر نیست. جمعیت ایران در سالهای اخیرحرکتی اصیل در داخل خود در جهت شهری شدن شدت بیشتری یافته بدینمعنی که براثر توسعه صنعت و تجارت و بسبب رفاه و دستمزد بالاتری که جامعه شهری به اعضاء خود میبخشد کوچ‌نشینان را رغبتی شدیدبه یکجا نشین‌شدن و روستائیان را تمایلی وسیع به‌شهرنشین شدن پدید آمده است، بدیهی است این پدیده را دو علت است که یکی جاذبه به زندگی شهریست و دیگری اضافه جمعیت روستائی به نسبت میزان بهره‌برداری هر خانوار از واحد جغرافیائی ده در رابطه با امکانات و استعدادهای طبیعی، درجه و سطح و کاربری فنی و تکنیك و ابزار تولید آن.[1]

جامعه کوچ‌نشین ایران چون هر جای دیگر اساساً مسکنی متحرك دارد و این مسکن را از

۱- برای دریافت علل طبیعی اضافه جمعیت کوچ‌نشینان و روستائیان رجوع کنید به - مقدمه بر روستاشناسی ایران و مقدمه بر جغرافیای انسانی ایران: تألیف نگارنده



طریق صنایع یدی خود بسادگی و راحتی تأمین میکند ویژه آنکه جامعه کوچ‌نشین از مسکن حداقل توقع را بنا بمقتضیات جغرافیائی کوچ از باب سرما و گرما دارد چرا که همراه با تغییرفصل فرد کوچ‌نشین خود کوچ کرده و تغییر منزل میدهد، چنین است که مسکن ندرتاً در جامعه چادرسرای کوچ‌نشین بصورت یك مسئله عنوان میشود.

جامعه روستائی بنحو دیگری با موضوع مسکن روبروست. روستائیان مسائل مربوط به مسکن را خود تدریجاً حل میکنند بدینمعنی که هیجان و نوطلبی‌های کاذب شهری را ندارند، مواد و مصالح ساختمانی و نقشه و ترتیب اجزاء و استحفاظات بنا را بطور سنتی و تجربی آشنا شده و آموخته و فراهم میدارند. اما از آنجا که خانوار روستائی بطور گسترده زندگی میکند مسئله کمبود واحد مسکونی در مقابل افزایش جمعیت در داخل حل شده یعنی که اضافه جمعیت بر واحدهای مسکونی موجود عملا تحمیل و سرشکن میشود و در نتیجه عوامل منتهی به بحران مسکن شدیداً ظاهر نمیشود، مگر آنزمان که در ده تحولاتی عمیق در جهت رفاه اقتصادی و اجتماعی ظاهر شود و خانوار روستائی تقرب به‌زندگی شهری را بدون مهاجرت بشهر جستجو کند، دراین‌حالت که طبعاً بعد از اصلاحات ارضی پیش میاید خانوار گسترده روستائی به‌حالت هسته‌ای گرایش یافته، و رفته‌رفته اجاره‌داری و خرید و فروش زمین و خانه سازی در مقیاس روستائی شروع میشود، حالتی که هم اکنون در روستاهای‌حومه‌ای شهرهای بزرگ ایران پدید آمده است. بهر حال فشار مسئله مسکن در روستاها کمتر است ولکن مسئله باز سازی و نوسازی اخیراً بصورت نشانی از ترقیات اقتصادی و اجتماعی برای روستاها مطرح شده بنحوی که امروز در برنامه‌ریزیها نمیتوان به‌مسئله مسکن در روستاها بی‌اعتنا ماند.

بعکس در جامعه شهری که معمولا از سطح رفاه و درآمد و لاجرم قدرت خرید بیشتری‌برخوردار است مسکن همیشه بعنوان مسئله‌ای اساسی رخ نموده است. حدت مسئله مسکن در مناطق شهری ایران ناشی از چند علت است بشرح زیر:

۱ـ افزایش جمعیت کل ایران در سالهای اخیر

۲ـ افزایش طبیعی خود جمعیت شهرنشین ایران

۳ـ افزایش جمعیت شهرنشین ایران بسبب جلب و جذب اضافه جمعیت روستائی و بطورکلی مهاجرپذیری

۴ـ بالاگرفتن سطح رفاه ودرآمد عمومی و میل به‌داشتن مسکن بهتر

۵ـ تحول فنی در وسائل زندگی و لزوم نوسازیها بمنظور تطبیق با زندگی صنعتی جدید.

از هر سو که به مسئله مسکن در ایران بنگریم بهرحال عامل اصلی اهمیت آنرا در بالا رفتن نسبت زندگی شهرنشینی باید بجوئیم، و اگر بیاد بیاوریم که طی دهه گذشته ایران یکی از هدفهای خود را واژگون شدن نسبت جمعیت شهرنشین و روستانشین اعلام کرده است، بنابراین باید



قبول کرد که طی سالهای بعد نیز باید که نهضت نوسازی و بازسازی ادامه‌یابد و اساساً درکشوریکه روی در صنعتی شدن دارد و جمعیت روستائی‌اش اکنون ۶۱ درصد کل را تشکیل میدهد و میخواهد که آینده ۷۰ درصد مردمش شهری باشند ما هم در شهرها و هم در روستاها با کارهای عظیم ساختمانی روبرو باید باشیم.

طی پانزده سال اخیر جمعیت ایران در دو حرکت افزایش ذاتی و افزایش نسبت شهرنشین اعداد و ارقام تازه‌ای از خود بجا گذارده است. فی‌المثل عدد جمعیت کل ایران که در سال۱۳۳۵ به‌تخمین حداکثر نزدیك به ۱۹ میلیون بود در ۱۳۴۰ به‌حدود ۲۲میلیون و در سال ۱۳۴۵ به بیش از ۲۵ میلیون و در سال ۱۳۵۰ به بیش از ۳۰ میلیون نفر بالغ شده است.[1] و هم‌اکنون جمعیت کل ایران بیش از این رقم است.[2]

تغییرات جمعیت کل کشور در طول سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۰

سال ۱۳۳۵	۱۸،۹۵۴،۷۰۴	سال ۱۳۳۶	۱۹،۴۹۱،۱۲۲
سال ۱۳۳۷	۲۰،۰۴۲،۷۲۱	سال ۱۳۳۸	۲۰،۶۰۹،۹۳۰
سال ۱۳۳۹	۲۱،۱۹۳،۱۹۱	سال ۱۳۴۰	۲۱،۷۹۲،۹۵۸
سال ۱۳۴۱	۲۲،۴۰۹،۶۹۹	سال ۱۳۴۲	۲۳،۰۴۳،۸۹۳
سال ۱۳۴۳	۲۳،۶۹۶،۰۳۵	سال ۱۳۴۴	۲۴،۳۶۶،۶۴۳
سال ۱۳۴۵	۲۵،۰۷۸،۹۲۳	سال ۱۳۵۰	۳۰،۰۲۰،۰۰۰

توضیح اینکه در صورتیکه جمعیت کل سال ۱۳۴۵ را اعم از ثابت و متحرك و عشایری درنظر بگیریم یعنی در حدود ۲۵،۷۸۱،۰۹۰ نفر در آن صورت رشد جمعیت رقمی در حدود ۳/۱ درصد میگردد که رشد مزبور را رشد مطلق میتوان‌نامید درصورتیکه طبق محاسبه بخش جمعیت‌شناسی‌توسعه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران رشد طبیعی‌یعنی (بدون درنظر گرفتن مسئله مهاجرت) جمعیت حدود ۲/۹ درصد ذکر شده است.

معهذا افزایش عدد کل جمعیت در بحث حاضر اهمیتی کمتر از افزایش نسبت شهرنشینی دارد. فی‌المثل در سال ۱۳۳۵ عدد کل جمعیت

۱- کلیه اعداد مربوط به‌جمعیت کل در این عبارت‌سرراست شده است.

۲- رشد متوسط سالانه‌حدود ۲/۸۳ درصد از مقایسه جمعیت‌ثابت سال ۱۳۵۰ باکل جمعیت سال ۱۳۳۵.



شهرنشین ایران نزدیك به ۶ میلیون و در سال ۱۳۴۰ بیش از ۷/۵ میلیون بوده اما این رقم در سال ۱۳۴۵ به بیش از ۹/۷ میلیون و در سال ۱۳۵۰ جمعیت شهرنشین ایران به قریب ۱۲/۵ میلیون رسیده و هم‌اکنون ازین رقم در گذشته است. نکته قابل توجه آنکه در حالیکه رشدجمعیت کل کشور نرخی در حدود ۲/۵ تا ۳ درصدمحاسبه دارد، رشد متوسط سالانه شهرنشینی ۵/۱۱ درصد میباشد.

تغییرات جمعیت شهر نشینی در طول سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ رشد متوسط سالانه حدود ۵/۱۱ در صد

سال ۱۳۳۵	۵،۹۵۳،۵۶۳	سال ۱۳۳۶	۶،۲۵۷،۷۹۰
سال ۱۳۳۷	۶،۵۷۷،۵۶۳	سال ۱۳۳۸	۶،۹۱۳،۶۷۶
سال ۱۳۳۹	۷،۲۶۶،۹۶۵	سال ۱۳۴۰	۷،۶۳۸،۳۰۷
سال ۱۳۴۱	۸،۰۲۸،۶۲۴	سال ۱۳۴۲	۸،۴۳۸،۸۸۷
سال ۱۳۴۳	۸،۸۶۰،۱۱۴	سال ۱۳۴۴	۹،۳۱۲،۸۶۶
سال ۱۳۴۵	۹،۷۹۴،۲۴۶	سال ۱۳۵۰	۱۲،۴۶۱،۰۰۰

در شرایط کار و فعالیت‌های ساختمانی و مقتضیات رونق اقتصادی بروزگاری که ایران‌تعهد سنگینی جهت دخول بمرحله صنعتی برای خود آفریده نباید توقع داشت که امور ساختمانی‌جملگی فدای مسکن شوند و نباید انتظار داشت که‌ساختمان راهها‌و سدها فی‌المثل بعد از تأمین مسکن جای گیرد چون مسائل و هزینه‌های زیربنائی هرگز صرفنظر شدنی نیستند. ثانیاً رونق دیگر امور بسته به‌پیش‌نگرایهائی است که دربارهٔ آنها مبذول میشود. وانگهی سرعت روزافزون شهرنشینی و گرایش مردم به تمرکز در مراکز صنعتی و تجاری بزرگ به پایه‌ایست که نمیتوان متناسب با آنهم در سطح و استانداردی معقول (یك واحد مسکونی سه اطاقه برای هرخانوار) به کار خانه‌سازی پرداخت.

معهذا بررسی آمار موجود در باب مساکن ایران تحولات قابل‌ملاحظه‌ای را برنمون میسازد که ذیلا بآن میپردازیم.

رقم کل مساکن موجود طی سالهای ۳۵ - ۴۵ در کل مناطق مسکونی کشور بظاهر رشدی بمیزان ۰۰۲۱٪ در جهتی منفی دارد. بدینمعنی که از ۳،۹۸۵،۵۱۰ واحد مسکونی در سال ۱۳۳۵ به ۳،۸۹۸ ،۷۱۹ واحد مسکونی در سال ۱۳۴۵ رسیده‌ایم.



تغییرات واحدهای مسکونی کشور در طول سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵

سال ۱۳۳۵	۳،۹۸۵،۵۱۰	سال ۱۳۳۶	۳،۹۷۷،۱۴۱
سال ۱۳۳۷	۳،۹۹۸،۷۸۹	سال ۱۳۳۸	۳،۹۶۰،۴۵۵
سال ۱۳۳۹	۳،۹۵۲،۱۳۸	سال ۱۳۴۰	۳،۹۴۳،۸۳۹
سال ۱۳۴۱	۳،۹۳۵،۵۵۷	سال ۱۳۴۲	۳،۹۲۷،۲۹۲
سال ۱۳۴۳	۳،۹۱۹،۰۴۵	سال ۱۳۴۴	۳،۹۱۰،۸۱۵
سال ۱۳۴۵	۳،۸۹۸،۷۱۹		

اما حقیقت آنستکه میزان واحدهای‌مسکونی کل کشور در فاصله دهه گذشته افزوده شده است، چرا که در سال ۱۳۴۵ کل واحدهای‌مسکونی نقاط شهری حدود ۱،۳۰۰،۸۲۸ و در سال ۱۳۵۰ عدد ساختمانهای موجود در مناطق شهری ۱،۶۸۸،۱۶۷ که بهر نسبت حساب کنیم ۸۵ تا ۹۵ درصد این ساختمانها را واحدهای مسکونی‌تشکیل میدهند[1]. بررسی‌ها نشان میدهد که بهر حال طی سالهای ۳۵ ـ ۴۵ واحدهای مسکونی شهری رشدی مثبت و در حدود ۴ در هزار داشته‌اند، درحالیکه رشد واحدهای مسکونی روستائی اساساً منفی و نسبت آن به ۵ در هزار میرسد. چرا چنین است؟

ویژگی اصلی مسئله مسکن طی دهه گذشته وقتی مفهوم میشود که اولویت امر ساختمان را در نهضت سازندگی آغاز انقلاب دریابیم و سپس به واحد مسکونی توجه کنیم. دیگر آنکه به تحول مواد و مصالح ساختمانی یعنی به عمر بناء بهبود کیفیت و استحکام مساکن نظر داشته باشیم. جدول بعدی توزیع مساکن روستائی وشهری ایران را که عمر آنها ده سال و بیشتر است در سال ۴۵ بحسب مواد و مصالح ساختمانی نشان میدهد.

بدیهی است این جدول بهیج روی نشان‌دهنده وضع عمومی ما در امر مسکن در پایان دهه اول نیست. از اینرو لازم است بنوع دیگر از نقشه عددی که کیفیت تحول را برساند توسل جوئیم.

طی سالهای ۴۰ ـ ۴۹ از سهم ساختمانهای خشتی و گلی و آجری با تیر چوبی در مناطق شهری کاسته شده و به ساختمانهای آجری با تیرآهن و بتون آرمه افزوده گشت بطوریکه در سال ۱۳۴۹ ساختمانهای بتون آرمه قریب ۱۴ درصد کل سرمایه‌گذاری در ساختمان را بخود تخصیص داده است. این تحول طبعاً همراه بوده است با رشد تولید سیمان بمیزان ۳/۵ برابر. از سوی

۱ـ به‌ماخذ بانک مرکزی ـ مرکز آمار عمومی



توزیع مساکن روستائی و شهری کـه عمر آنها ده سال و بیشتر است برحسب مصالح ساختمانی در سر شماری ۱۳۴۵ کل کشور

مصالح ساختمانی	مناطق روستائی	مناطق شهری	جمع
بتون آرمه	۵۵۹	۲۶۰۳	۳۱۶۲
سنگ و آهن	۳۲۶۵	۹۱۳۰	۱۲۳۹۵
سنگ و چوب	۱۹۲۱۷۳	۱۹۵۱۳	۲۱۱۶۸۶
آجر و آهن	۳۸۶۰	۱۱۵۲۲۹	۱۱۹۰۸۹
آجر و چوب	۱۶۷۹۹	۱۹۴۵۸۵	۲۱۱۳۸۴
چوب	۲۹۳۶۶	۳۶۰۴	۳۲۹۷۰
خشت و چوب	۷۶۲۹۴۴	۱۹۶۹۱۱	۹۵۹۸۵۵
خشت و گل	۶۸۴۴۱۲	۱۸۲۷۱۰	۸۶۷۱۲۲
حصیر	۱۳۶۶۸	۸۶۰	۱۴۵۲۸
سایر	۱۴۱۹۴۵	۱۰۱۲۸	۱۵۲۰۷۳
جمع	۱۸۴۸۹۹۱	۷۳۵۲۷۳	۲۵۸۴۲۶۴

دیگر طی همین دوره هزینه‌های صرف شده در بخش ساختمان بدون محاسبه قیمت زمین از ۱۳ به ۲۴ میلیارد ریال رسیده است. آمار رسمی صراحت دارد بر اینکه این افزایش بیشتر مربوط به ساختمانهای مسکونی بوده و هزینه تخصیص یافته به اینقبیل بناها تقریباً درینمدت ده برابر شده است.

اضافه کنیم که در سال ۱۳۴۹ ارزش‌افزوده بخش ساختمان به‌قیمت ثابت به‌حدود ۲۶ میلیارد ریال رسید که ۷۳ درصد بیش از رقم مشابه در سال ۱۳۴۲ میباشد.[1]

طی برنامه چهارم که پایان آن مقارن‌پایان

۱- آبادانیهای کشور شاهنشاهی ایران - سازمان‌برنامه



دهه اول انقلاب سفید است جمعاً ۲۷۵ هزار واحد مسکونی برای تأمین ۲/۵ میلیون نفر افزایش جمعیت شهری پیش‌بینی شده بود. بدیهی است بخش خصوصی در تحقق این هدف سهم عظیمی بنسبت بخش عمومی داشته بطوریکه ۲۵۰ هزار واحد را تأمین میکرده است. اما حقیقت آنستکه طی برنامه مورد بحث بخش خصوصی حدود یکصد میلیارد ریال برای ایجاد ۲۵۵ هزار واحد مسکونی جدید شهری سرمایه‌گذارده که خیلی بیش از پیش‌بینی‌های برنامه چهارم است. همچنین بخش عمومی طی این دوره بجای ۶/۸ میلیارد ۹/۶ میلیارد برای ایجاد خانه‌های سازمانی کارگری و کارمندی و خانه‌های ارزان قیمت بتعدادی نزدیك به ۱۹/۵۰۰ واحدمسکونی‌اقدام کرده و بر اعتبارات بانك رهنی نیز افزوده است. بطورکلی طی دوره برنامه چهارم ۲۹۳،۰۰۰ واحد مسکونی (حدود ۶ درصد بیش از هدف پیش‌بینی شده در برنامه‌چهارم) ایجاد شده و جمعاً در مناطق شهری و روستائی برای مسکن ۲۰۰ میلیارد ریال سرمایه گذاری شده است. ناگفته نماند که سهم مناطق شهری از رقم مذکور حدود ۱۵۶ میلیارد ریال است و این اهمیت و ضرورت ایجاد مسکن را در مناطق شهری در رابطه با رشد شهرنشینی میرساند.

مسئله اساسی اینستکه رشد و روند شهرنشینی ما سریع‌تر از رشد و روند تولید واحدهای مسکونی است. در چنین شرایط تاریخی بی‌تردید موضوع بازسازی و تعمیر خانه‌ها همان اندازه‌اهمیت میابد که ساختن خانه‌های جدید. معهذا نوجوئی و ترقی‌طلبی جامعه رو بتوسعه ایران بهای گزافی را از بابت عدم قناعت به بازسازی و تعمیرات می‌پردازد.

هم‌اکنون دربرابر ۲/۶ میلیون خانوارشهری ۱/۵ میلیون واحد مسکونی داریم که در تحلیل آخرین حکایت دارد بر کمبودی برابر ۱/۱میلیون واحد مسکونی که از همینجا ضرورت توجه فوق‌العاده‌ای را به امر مسکن در برنامه پنجم باید تصدیق کرد. و چون تراکم نفر در واحد مسکونی متوجه طبقات کم درآمد است کشور در سالهای آینده حتماً کوشش عظیمی را متوجه صنایع‌مربوط به‌تولید مواد و مصالح ساختمانی و تهیه واحدهای مسکونی خواهد کرد.

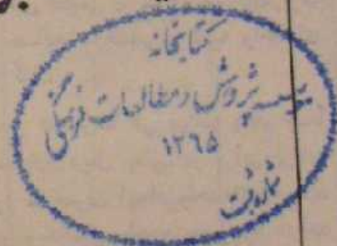
برابر بعضی تخمین‌ها طی برنامه پنجم جمعاً بیش از ۴۰۰ میلیارد ریال یعنی دو برابر برنامه چهارم در کشور ما صرف ایجاد واحدهای جدید مسکونی و تعمیر و تکمیل واحدهای موجود خواهد شد. حداقل واحد مسکونی درین برنامه حدود ۷۵۰ هزار واحد خواهد بود که قریب بیش از ۲/۳ آن وسیله بخش خصوصی تأمین میشود.

با توجه باستقبالی که در سالهای اخیر در جهت آپارتمان‌نشینی از سوی مردم پدید آمده بی‌تردید سیاست تأمین زمین و ساختمان مساکن ارزان قیمت و افزایش اعتبارات مربوط بمسکن بسیاری از مشکلات کنونی را حل خواهد نمود.

شرکت مهندسی تکنوکار

طرح، تهیه و نصب تأسیسات حرارت مرکزی و تهیه مطبوع

تأسیسات برق فشار قوی و فشار ضعیف



میدان فردوسی خیابان شاهرضا شماره ۳۳۲

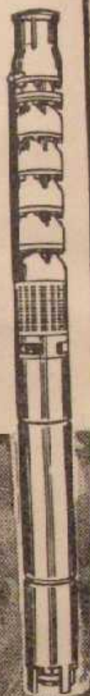
تلفن ۸۲۰۹۵۵ - ۸۲۸۵۰۴

پمپ های کا . اس . ب آلمان

زمینهای خشک را بمزارع سرسبز و خرم مبدّل میسازد



KSB



تلمبه های سانتریفوژ	برای کارهای کشاورزی و صنعتی
تلمبه های فشار قوی	برای تغذیه دیگ بخار ـ اضافه کردن فشار و باران مصنوعی
تلمبه های شناور و الکتریکی	برای چاه عمیق و کشاورزی
تلمبه های آب گرم	در اندازه های مختلف برای حرارت مرکزی
تلمبه های توربینی با شافت	استاندارد امریکائی برای کشاورزی



نماینده انحصاری **شرکت بازرگانی دیتون**

شاهرضا چهارراه کالج تلفن ۶۶۴۳۲۸ - ۴۹۲۶۳

قسمت فنی ۸۲۴۰۳۶ - ۸۲۴۰۳۷ «تلگرافی دایتون»

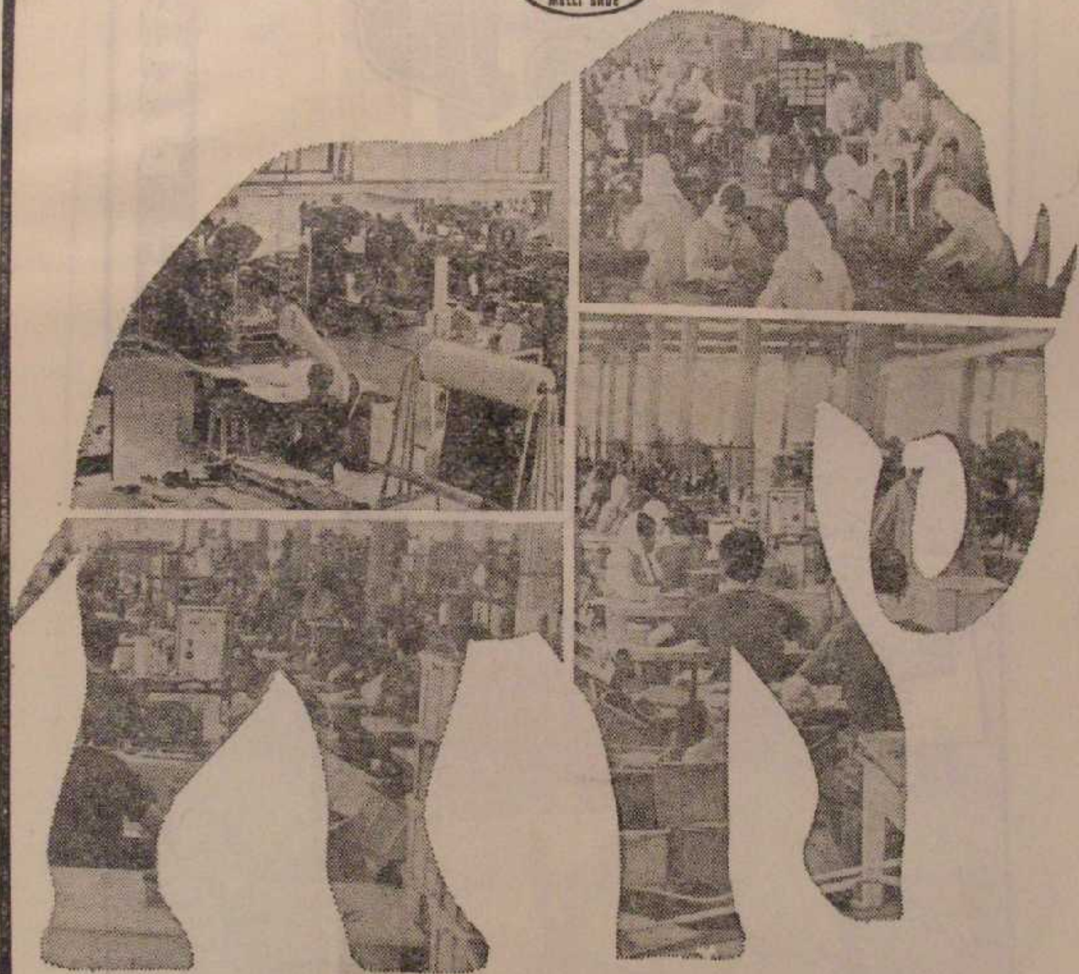
«هُما» با

هامبورگ
دهران - دوها



کفش ملی





MELLI SHOE

گروه صنعتی ملی با همکاری بیش از ۲۸۰۰۰ کارمند، کارگر و متخصص با داشتن بهترین تکنیک تولید و ماشین آلات مدرن اتوماتیک جدیدترین و بهترین کفشهای ایمنی را تهیه و در بازارهای داخلی و خارجی عرضه مینماید.

کفش ملی در خدمت ملت ایران




گفتگوازاین دو عروسك نیست

بحث از « عروس » آسمانهاست

همه جا صحبت از « هُما » ست

« هُما » باشاهبال بلند پروازخود، پلی مطمئن میان آسیا و اروپاست.

با « هُما » پروازکنید

هامبورگ - فرانکفورت - پاریس - لندن - ژنو - رم - استانبول

دهران - دوها - دوبی - کراچی - بمبئی - کابل - بغداد - ابوظبی - کویت



هواپیمائی ملی ایران . هما .





شماره ویژه بزرگداشت دهه انقلاب ایران

سال سوم ـ شماره دهم ـ دیماه ۱۳۵۱ (شماره مسلسل ۳۲)

۱۳۵۱
سال بزرگداشت دهه انقلاب ایران



مجلهٔ اتاق

تغییر آدرس - پیشنهادات - انتقا

۸۳۶۱۲۱

تلفن مستقیم روابط عمومی اتاق

چاپ و صحافی: چاپخانه بیست و پنجم ش
(شرکت سهامی افست)

کاغذ متن: ساخت ایران
شرکت سهامی کاغذ پارس

شماره ویژه بزرگداشت ده
سال سوم ـ شماره دهم (شماره
دیماه ۱۳۵۱